



# فصلی در گل سرخ

۷

به سردیوری عاطفه گرگین

# فصلی در گلسرخ

۷

به سردبیری عاطفه گرگین

اسفند ۱۳۶۱

www.iran-archive.com

## فهرست صفحات

---

---

- ۱ - سخنی کوتاه
- ۲ - حزب دمکرات کردستان ایران ۱ - ۲۸
- ۳ - چریکهای فدائی خلق ایران ۲۹ - ۷۶
- ۴ - سازمان مجاهدین خلق ایران ۷۷ - ۹۹
- ۵ - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران ( کومه ) ۱۰۰ - ۱۲۲
- ۶ - چریکهای فدائی خلق ایران ( ارتش رها ئی بخش خلقهای ایران ) ۱۲۳ - ۱۴۹

## سخنی کوتاه

چهار سال از مبارزه مردم ستمکشیده علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران میگذرد. چهار سال است که ملتی درگیر قانونیت و اسدوزنگ زده‌ای است که از آن بوی حیات و شکوفایی به مشام نمیرسد، در این چهار سال، سنگساران آنها، به آتش کشیدن تفکر، تخریب و بستن دانشگاهها، بمباران مردم بی دفاع کردستان، قتل عام و ویران کردن دهکده‌ها در کردستان، حمله به خلق عرب، کشتار خلق ترکمن صحرا، بیکاری، سرگردانی، آوارگی، فحشا، فقر، تفتیش عقاید، حجاب اجباری، تفرقه، اعدامهای دسته جمعی، دستگیریها، فرستادن نونهالان به خط اول جبهه، دفع مین‌ها توسط کودکان، حکومت نظامی بر مغز و زندگی روزانه، و بطور کلی سیاست سرکوب خونین نیروهای مترقی و انقلابی، از هم‌پاشیدگی و قطع شریانهای تولیدی، تخریب در دستگا‌ه‌های اقتصادی کشور و افزایش سرسام آور وابستگی و . . . . . همه روزه شدیدتر میشود و ما نشسته ایم و سلاخی خلقمان را نظاره میکنیم.

آری ملتی همه روزه سنگسار فکری و گلوله باران سیاسی، اقتصادی و جانی میشود و ما بجای اینکه مخالفت‌ها را سازمان دهیم و مردم را مسلح کنیم به درازگوشی‌های روشنفکرانه خود

الف  
پناه برده ایم .

در این چهار سال ، بحران ، پراکندگی و تشتت تخطئه های پنهانی ، اخراج ها و تصویه های مداوم زمانی در نیروهای چپ مارکسیسم ابعاد وسیعی به خود گرفته و در بعضی از این سازمانها و گروهها بجای شعار " اتحاد ، اتحاد ضرورت انقلاب " شعار تصفیه ، تخطئه ، توهین ، افترا ، اخراج ، ضرورت انقلاب ، رخ مینماید ، و در خور اندیشه است که هر کدام از این سازمانها و گروهها به تنهایی فکر میکنند که یگانه بدیل مبارزه فدا میریالیستی هستند .

آنها به شیوه " اندیشه خویش انواع و اقسام برنامه های حداقل و حداکثر برای جامعه ایران طرح ریزی میکنند ولی تا کنون هیچکدام از این برنامه ها مورد قبول توده های زحمتکش و کارگران انقلابی مینهمنان نبوده است ، عدم تحلیل علمی از موجودیت انقلاب ایران و آرایش واقعی طبقاتی ، سردرگمی کامل نظری و عملی و عدم پویائی در بیامودن راه انقلاب نشان دهنده آن است که نیروهای مارکسیسم انقلابی عملاً به پاسیفیسم و سردرگمی کشیده شده اند .

این نیروها با عبارت پردازی انقلابی نه توانسته و نه میتوانند تکالیفی را که تاریخ و موقعیت عینی توده های وسیع بعهده آنان گذاشته به انجام رسانند .

" آنچه که برای نیروهای کمونیست در شرایط کنونی جامعه ما اهمیت دارد ، اعلام ویژه گیهای نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر کشور ما یعنی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است تا بر اساس آن بتوان راه رهایی توده های تحت ستم مینهمنان را از قید سلطه امپریالیسم اعلام کرد . "

فصلی در کلسرخ معتقد است که این سردرگمی و عدم توانائی نیروهای انقلابی صرفاً بخاطر عدم شناخت از شرایط

عینی جامعه ایران است ، چراکه ما هنوز نتوانسته ایم — مبارزه سیاسی طبقاتی بهای لازم را بدهیم . خودبینی و " سازمان بینی " در شرایطی به گیج سری ما افزوده که عمر رژیم فاسد ایران بسرآمده .

نیروهای چپ انقلابی باید بخود آیند و بیا نندیشند که تا چه حد نتوانسته اند توده های زحمتکش به خصوص طبقه کارگر را حول محور برنامه عمل خویش سازمان دهند و زحمتکشان و کارگران میهنمان را به میدان عملی مبارزات بکشانند .

انقلاب در ایران همچنان شعله میکشد و ما هنوز نتوانسته ایم وقایع را بدرستی پیش نگری کنیم ، تا زمانیکه ما تنها به منافع تنگ گروهی خویش میاندیشیم ، همواره در پس جنبش انقلابی میهنمان قرار خواهیم داشت ، چراکه توده های جان بر لب رسیده منافع هیچ سازمان و گروهی را مدنظر ندارند ، آنها تنها به رهائی خویش از یوغ رژیم فاسد و تسلط امپریالیسم میاندیشند ، و این رهائی امکان ندارد مگر با یک وحدت سراسری بین نیروهای انقلابی برای مبارزه در سطح دمکراتیک و استقرار نهادهای ضروری دمکراتیک .

انتشار مجدد فطلی در گل سرخ ادای سهمی به ایمن وظیفه انقلابی است ، تاریخ انقلابیونی را که میتواننند امروز به جنبش یاری رسانند و کار را به فردا میاندازند ، دقیقاً بخاطر این تاخیر امروز به فردا نخواهد بخشید ، ملت ما قتل عام سیاسی ، اقتصادی ، جانی ، فرهنگی و ..... میشوند و ما بجای سازمان دادن خود برای انقلاب هنوز مشغول تحلیلهای روشنگرانه و دور از واقعیت خویش هستیم ، هم اکنون — مسئولیتی تاریخی و بس عظیم بعهدۀ تمامی نیروهای انقلابی محول شده است که در کمترین نقطه ای از جهان نظیر آن یافت میشود . و این ما موریتی است جهت نابودی نظم کهنه و برقراری نظامی

ج  
نوین ، نابودی مناسبات سرمایه داری و استقرار جامعه‌های  
عاری ازستم طبقاتی پس دریک کلام برای رسیدن به چینی—  
جامعه‌ای و برای سرنگونی حاکمیت امپریالیستی اتحاد و  
همبستگی نیروهای انقلابی یک ضرورت تاریخی است و ای—  
ضرورت هم‌اکنون باید در دستور روز قرار بگیرد. \*

• • • • •

فصلی درگلسرخ با ارج به مبارزات توده‌های انقلابی ایران  
و بیاد شهیدان بخاک خفته خلق هایمان پس از دو سال مجددا  
در تبعید بکار خود ادامه میدهد ، به مایاری رسانید تا بتوانیم  
این مهم را با تمام رسانیم ، فصلی درگلسرخ متعلق به جنبش  
نوین انقلابی خلقهای ایران است ، به همین دلیل نمی  
تواند وابسته به نظرات این یا آن گروه و سازمان باشد ، پس  
در جهت تحقق خواستهای انقلابی و برحق توده‌ها گام بر میدارد

---

\* فصلی درگلسرخ یادآوری میکند که بعد از قیام بدلیل نفوذ  
اپورتونیسیم در جنبش چپ ، سازمانهای مارکسیستی از هم  
متلاشی و نظریات اصولی گروهها و نهادهای انقلابی  
نتوانست جایگاه خویش را میان توده‌ها کسب کنند ، چرا که  
بودند نیروهای مارکسیستی که از اول قیام با تحلیل‌های  
علمی و روشنگرانه خود مرز خلق و ضد خلق را مشخص نمودند و  
تمام این وقایع را بدرستی پیش‌نگری کردند و در حال حاضر نیز  
دوش بدوش خلق دلاور کرده مبارزه مسلحانه می‌پردازند ، و  
امید است که در آینده این نیروها بتوانند ، با تحلیل—  
مشخص از شرایط مشخص به مبارزه سراسری خویش شکل و  
جهت لازم را بدهند تا مارکسیسم لنینیسم واقعی در ایران  
بکیا ردیگر پرچم ظفر نمون انقلاب پرولتری را بدوش پرتوان  
خویش حمل کند .

د  
ونخستین کوشش آن طرح یک سری سئوالات در ارتباط با مسائل  
میرم جنبش در ایران بوده است ، این سئوالات در داخل کشور  
( در کردستان آزاد ایران ) طرح ریزی وبه چریکهای فدائی  
خلق ایران ، سازمان مجاهدین خلق ایران ، چریکهای فدائی  
خلق ایران ( ارتش رها ئی بخش خلقهای ایران ) ، سازمان  
انقلابی زحمتکشان کردستان ایران ( کومله ) ، حزب  
دمکرات کردستان ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق  
ایران داده شد ، که تاکنون جواب سئوالات توسط سازمان  
چریکهای فدائی خلق ایران بدست ما نرسیده است .

## زنده باد انقلاب

فروردین ۶۲  
عاطفه کرکین

www.iran-archive.com



# حزب دمکرات کردستان ایران

س (۱) - زمینه‌های مادی - تاریخی بوجود آمدن رژیم - ارتجاعی آخوندی در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید ؟

پیش از پاسخ گفتن به سئوالات شما یادآوری دو مطلب را ضروری میدانم . نخست آنکه برخی از پرسش‌های توده‌های مردم ایران واحد اهمیت درجه اول نیست ، ساده‌تر بگویم این سئوالاتی نیست که در ایران امروز ، مردم بمعنای عام آن روزانه از خود میکنند تازه بعضی از سئوالات دقیق مطرح نشده و حتی گاهی مضمون آنها واقعیت را تحریف نموده است که در جای خود به آنها اشاره خواهیم کرد .

دوم آنکه سئوالات شما هنگامی بدست من رسید که یورش گسترده وسیعانه رژیم خمینی علیه جنبش ملی دمکراتیک مردم کردستان آغاز شده بود . مشغله زیاد و تغییر مداوم محل کار مانع از این شد که بموقع پاسخ سئوالات شما را بفرستم ، بدین وسیله صمیمانه پوزش می‌خواهم و امیدوارم عذر من پذیرفته شود .

ج (۱) - روی کار آمدن رژیم خمینی در ایران پیش از آنکه زمینه مادی و تاریخی داشته باشد مدیون شرایطی بود که موجبات سرنگونی رژیم شاهنشاهی را فراهم آورد .

البته ریشه‌های تاریخی مذهب شیعه، سنن و نفوذ آن در بخش بزرگی از جامعه کشور ما، هم‌درروی کارآمدن رژیم خمینی و هم در روند جامعه‌پس‌از‌پیروزی انقلاب مؤثر بود، لیکن به هیچ وجه ضرورت تاریخی ایجاب نمی‌کرد که رژیم ولایت فقیه‌ی خمینی جانشین رژیم شاهنشاهی گردد.

زمینه‌مادی یا شرایط عینی سرنگونی رژیم شاهنشاهی آماده شده بود، این شرایط را قدرت حاکم‌طی بیست و پنج سال دیکتاتوری بعد از کودتای ۲۸ مرداد مهیا ساخته بود.

تضادهای رژیم قبل از انقلاب به اوج خود رسیده بود اما بدیل جمهوری اسلامی خمینی اجتناب‌ناپذیر نبود، آنچه امکان داد بدیل خمینی پیروز شود، عدم تشکل نیروهای دمکراتیک اپوزسیون و عدم هماهنگی در میان آنها بود. خمینی و دارودسته‌اش از غلای که بوجود آمده حداکثر استفاده را کردند. در حالی که قبل از انقلاب سازمانهای دمکراتیک امکان فعالیت علنی نداشتند، و محلی برای تجمع نبود اکثر کارها و فعالینشان در زندانها و یا در تبعیدگاهها بسر می‌بردند. و نیروهای ایشان پراکنده بودند، امکانات مالی نداشتند، خمینی و دارودسته‌اش علناً فعالیت می‌کردند، مساجد و حسینیه‌ها را تبدیل به ستاد انقلابی خود نموده و چندین ده هزار نفر از آخوندها بعنوان کادرهای ورزیده شب و روز در فعالیت بودند.

نیروهایشان بعلت وجود سلسله مراتب در مذهب شیعه بطور طبیعی متشکل بود و امکانات مالی سرشاری در اختیار داشتند. سازمانهای چپ بعلت بی‌تجربگی که موجب دنباله‌رویشان از خمینی شد و بعلت عدم درک واقعیت جامعه ایران نمیتوانستند نقش رهبری توده‌ها را بعهده بگیرند.

از سوی دیگر هیچکدام از شخصیت‌های سیاسی به اندازه خمینی از خود پیگیری نشان ندادند و برخی که انتظار می‌رفت

رهبری توده‌های انقلابی را بعهده خواهند گرفت مستقیماً به  
آستان بوسی خمینی رفتند و در برابر او سر تسلیم فرود آوردند،  
در نتیجه با اینکه نه تنها هیچ ضرورت مادی ایجاب نمی‌کرد، و  
حتی روند تاریخ مخالف سرکار آوردن رژیم ارتجاعی چون  
جمهوری اسلامی بود، خمینی و دارودسته‌اش هژمونی را بدست  
آوردند و توانستند انقلاب خلقهای ایران را بنام خود مصادره  
کنند.

س (۲) - تقریباً ۴ سال است که از عمر رژیم جمهوری اسلامی  
میگذرد و نظریات مختلفی در این چهار سال از طرف  
گروهها و سازمانها درباره ماهیت و عملکرد آن بیان  
شده ولی اکنون اینطور بنظر میرسد که اکثر این گروهها  
و سازمانهای سیاسی دیگر بنظر سابق خود را ندارند  
میخواستم بدانم بنظر شما درباره ماهیت رژیم کنونی  
چیست؟

ج (۲) - رژیم خمینی رژیم است قرون وسطایی و ارتجاعی.  
رژیمی است ضد خلقی و ضد انسانی. بسیاری از کسانی  
که سابقاً به خیال خود تحلیل‌های علمی و طبقاتی از  
رژیم خمینی ارائه میدادند اکنون دریافته‌اند که  
بیانگر چهره رژیم خمینی بیش از همه ایدئولوژی  
ارتجاعی و ولایت فقیهی آنست یعنی آنچه حـزب  
دمکرات سه سال پیش به آن اشاره نمود، عملکردهای  
رژیم خمینی در چهار سال گذشته بخوبی نشان داد که  
این رژیم هیچوقت نه طرفدار مستضعفان بوده و نه ضد  
امیرالیهست.

لیکن خمینی توانسته بود چهره واقعی خود را با کارانه مخفی  
نگاه دارد و متأسفانه بسیاری از کسانی که هم‌اکنون در صف  
مخالف رژیم خمینی قرار گرفته‌اند، آگاهانه یا ناآگاهانه

هرکدام در مقطع زمانی یعنی به یوشیده ماندن چهره کریه  
خمینی کمک کردند . ماسک ریاکارانه خمینی قبل از همه  
در کردستان دریده شد ، هم اینجا بود که برای نخستین بار چهره  
کریه او آشکار گردید . و من با کمال فروتنی عرض میکنم که  
حزب دمکرات در افشای عملکرد خمینی در کردستان نقش اساسی  
داشت . در چهار چوب رژیم خمینی هیچکدام از خواسته های اساسی  
خلقهای ایران :

استقلال و عدم وابستگی ، دموکراسی ، زندگی بهتر برای  
زحمتکشان و حق خودمختاری برای خلقهای ستمدیده ایران  
قابل تحقق نیست . بهمین جهت برای نجات کشور تنها یک راه  
وجود دارد و آن سرنگون ساختن رژیم خمینی است .

س (۲) - اگر شما این رژیم را وابسته تحلیل میکنید و میگویند  
در جهت منافع امیرالایسم قدم بر میدارند پس معادله  
اموال سرمایه داران را چگونه تحلیل میکنید ؟

ج (۲) - جواب در متن پاسخ به سئوال ۲ و ۴ داده شد . !

س (۴) - در تحلیل گروهها و سازمانهای مختلف سیاسی دیده  
میشود که خمینی در ایجاد این رژیم نقشی ایفا کرده  
است بنظر شما امیرالایسم از خمینی چه استفاده هایی  
برای برپائی این رژیم کرده است ؟

ج (۴) - البته من خمینی را عامل امیرالایسم نمیدانم  
ولیکن اینطور نیست که کسی حتما با ایدعا مصل  
امیرالایسم باشد تا به امیرالایسم خدمت بکند .

امیرالایسم بدست خمینی رادیکالترین و بیگیرترین نیروهای  
ضد امیرالایستی مانند حزب دمکرات ، سازمان مجاهدین و دیگر  
- ان را سرکوب میکند . امیرالایسم بوسیله خمینی اقتصاد  
ایران را چنان بوبرانی کشید که بیش از پیش آنرا وابسته  
کرد . امیرالایسم بوسیله خمینی سازمان او یک رادار دمتلاشی

میکنند، سازمانیکه بیست و سه سال است در برابر شرکت های انحصاری امپریالیستی مقاومت میکند. امپریالیسم بوسیله خمینی نفت ارزان بازار جهانی وارد میسازد و دیگر اعضای اوپک را مجبور میکند که نفت خود را ارزان و ارزانتربه شرکتهای انحصاری چند ملیتی بفروشند.

امپریالیسم با استفاده از خمینی به جنگ ایران علیه عراق دامن میزند چرا که این جنگ بازار فروش اسلحه را گرم نگاه میدارد و هر دو کشور را بیش از پیش بسوی وابستگی سوق میدهد، امپریالیسم بوسیله خمینی جنگ ایران و عراق را برافروخت برای اینکه بتواند نقشه های خود را به کمک اسرائیل در لبنان و فلسطین بهتر و سهل تر پیاده کند. در مورد خدمات خمینی به امپریالیسم اگر قلم فرسائی بکنم مثنوی هفتاد و من کاغذ شود ولی همین که گفتیم کافی است.

س (۵) - هم اکنون در صف مخالفین رژیم افراد و سازمانهای سیاسی وجود دارند که برخی از این افراد و سازمانها حتی در بنای این رژیم نقش فعالی داشتند ولی اینک در مقابل این رژیم قرار دارند و خواهان سرنگونی آن هستند. شما این مسئله را چگونه تحلیل میکنید و نظرتان درباره آن چیست؟

ج (۵) - جواب این سؤال بسیار ساده است. اگر در حسن نیت این افراد و سازمانهای سیاسی تردید نداشته باشیم و من شخصا در مورد بسیاری از آنان چنین تردیدی ندارم، آنگاه باید گفت که اینان در نتیجه بررسی عملکردهای رژیم خمینی بودند که به ما هیت واقعی آن پی بردند و من در این امر اشکالی نمی بینم.

برخلاف کسانی که از این سازمان یا آن فرد ایراد میگیرند که چرا حالا به صف مخالفین رژیم پیوسته است در صورتیکه روزی

از طرفداران خمینی بود. من برایین عقیده‌ام که از پیوستن طرفداران خمینی به صف مخالفینش با ایداستقبال کرد. این روند یعنی جدا شدن از خمینی و ملحق شدن به صفوف نیروهای ملی هنوز هم ادامه دارد. بعضی زودتر به ماهیت رژیم خمینی پی بردند. برخی دیرتر. (آیا در مورد تاریخ خود یادآور شدی؟)

این امر تنها به میزان تجربه سیاسی هر فرد یا سازمانی ارتباط ندارد بلکه مربوط به شرایطی نیز می‌باشد که این فرد یا سازمان در آن فعالیت و مبارزه می‌کند. مثلاً ما در کردستان زودتر از دیگران به ماهیت واقعی خمینی و رژیمش پی بردیم. ولی این بدان معنا نیست که ما هشیار تر و آگاهتر از دیگران بودیم. چنین استنباطی با فروتنی سنتی ما مغایرت دارد. ما خمینی را زودتر شناختم چونکه شرایط خاص کردستان این شناخت را ممکن می‌ساخت. وضعی بیش از آنکه خمینی قبل از همه به کردستان حمله کرد و قبل از همه ماهیت ضد خلقی خود را در کردستان نشان داد.

س (۶) - در آغاز روی کار آمدن رژیم اسلامی، اکثر گروهها و سازمانهای سیاسی یا خواهان انحلال ارتش و یا خواهان اصلاح آن بودند ولی اکثر کمیته‌ها و پاسداران انقلاب را ارگانهای مردمی تحلیل می‌کردند و برعکس امروز ملاحظه می‌کنیم که اکثر همان سازمانها، پاسداران و کمیته‌ها را ضد مردمی و دشمنان خلق تلقی میکنند ولی در باره ارتش نظر روشنی ابراز نمی‌کنند. بنظر شما این اتخاذ مواضع بر چه پایه‌ای است؟

ج (۶) - من در مورد موضع سازمانهای دیگر نمی‌خواهم نظر بدهم.

اما ما در کردستان از روز نخستین طرفداران انحلال ارتش صدمی

شاهنشاهی بودیم و هم اکنون نیز طرفدار انحلال ارتش ارتجاعی خمینی هستیم . نزدیک چهار سال است که ما در کردستان علیه ارتش و پاسداران می جنگیم و حالا ارتش را کم خطرناکتر از سپاه پاسداران نمی‌دانم . البته وقتی که سربازان ( نه سربازان پیمانی ) به اسارت پیشمرگان در می‌آیند ، ما آنها را آزادمی کنیم ولی حمله نظامی اخیر رژیم به کردستان نشان داد که ارتش ، برخلاف سه سال قبل با همه نیرو علیه مردم کردستان می جنگد . بنظر ما سپاه پاسداران و ارتش در مجموع هر دو چاق رژیم ارتجاعی خمینی هستند و پس از سرنگونی آن هر دو باید منحل گردند .

س ( ۷ ) - گروهها و سازمانهای سیاسی متحد معتقدند که اکثریت مردم با رژیم مخالفند و خواهان سرنگونی این رژیم هستند اگر چنین است پس چرا مردم واکنش نشان نمی دهند و چرا حرکات توده‌ای وسیع دیده نمی‌شود ؟

ج ( ۷ ) - این کاملاً درست است که اکثریت مردم ایران با رژیم خمینی مخالفند و خواهان سرنگونی آن هستند لیکن اولاً تنها مخالف بودن برای سرنگونی رژیم کافی نیست .

اکثریت مردم ایران ( خارج از کردستان ) مخالف رژیم اندولی متشکل نیستند و در نتیجه منفعل اند و مخالفتشان فعال نیست . اگر در همه بخشهای ایران اکثریت مردم مانند مردم کردستان فعالانه علیه رژیم قیام میکردند ، تردیدی نیست که در این صورت رژیم مدتها بود سقوط کرده بود .

از سوی دیگر اقلیتی که طرفدار رژیم خمینی است ، اقلیتی است فعال ، متشکل ، با ایمان ، و دارای امکانات وسیع مادی و اکثراتادندان مسلح .

می پرسید چرا حرکات توده‌ای وسیع دیده نمی‌شود ، شما در طی

اقامت خود در کردستان مشاهده کردید که در این جا چه حرکت وسیع  
توده‌ای علیه رژیم ایجاد شده و چگونه فعالانه عمل میکند. آنگاه  
وقتی سؤال را اینطور مطرح میکنید چنین استنباط میشود که  
یا شما برای کردستان اهمیتی قائل نیستید یا کردستان را جزئی  
از ایران نمیدانید که هر دو جای تأسف بسیار است.

س (۸) - در بین نیروهای که خواهان سرنگونی رژیم خمینی  
هستند اختلافاتی موجود است که این اختلافات از جمله  
درباره ترکیب و ماهیت قدرت سیاسی آینده ایران  
و نیروی رهبری کننده انقلاب میباشد عقیده شما در این  
مورد چیست؟

ج (۸) - این امر طبیعی است که در بین نیروهای که خواهان  
سرنگونی رژیم خمینی هستند، اختلافاتی وجود  
داشته باشد.

مهم این است که نیروهای فوق الذکر اولاً فعالانه در راه سرنگونی  
رژیم خمینی مبارزه نکنند و ثانیاً بعداً دید و نظرات یکدیگر را احترام  
بگذارند، و در جستجوی بدیلی باشند که آزادیهای دموکراتیک  
را تضمین نماید. هم اختلاف نظر و هم وحدت هر دو ضرورت دارد.  
اختلاف نظر در جنبش، در روش کار، در تحلیل مسائل، در شکل  
مبارزه و وحدت در اهداف کلی، سرنگونی رژیم خمینی، ایجاد  
ایرانی مستقل و غیر وابسته، تأمین دموکراسی، تضمین  
حقوق خلقهای ستمدیده و بهبود وضع زندگی زحمتکشان.

س (۹) - برخی سازمانهای سیاسی تشدید ترور و اختناق توسط  
جمهوری اسلامی را بگردن سازمان مجاهدین و یا  
سازمانها و جریاناتی که معتقد به مبارزه مسلحانه  
هستند و در صحنه مبارزات حاضرند میگذارند و معتقدند  
که علت اختناق بی سابقه را باید در حرکات (افراطی)  
این سازمانها جستجو کرد. بنظر شما این نظریه



درست است ؟

ج (۹) - این نظر کاملاً نادرست است . قبل از تشدید ترور و اختناق در مرکز .

بیش از دو سال بود که کشتار مردم کردستان ادامه داشت ، آیا اینهم تقصیر سا زمان مجاهدین خلق بود یا این بار باید گناه را بگردن حزب دمکرات و مردم کردستان انداخت که زیر بار ترور - گوئی و استبداد خمینی نرفتند . آیا قبل از تشدید ترور در مرکز ، خفقان و اختناق ، شکنجه و کشتار در رکشور وجود داشت ، در خوزستان ، ترکمن صحرا ، کردستان ، آذربایجان کمی اعدام نشده بود ؟

اختناق و ترور از ماهیت رژیم ارتجاعی و خون آشام خمینی سرچشمه میگیرد . این رژیم نه تنها مخالفان خود را سرکوب میکند بلکه به کسانی نیز اجازه اظهار وجود نمیدهد که مخالف رژیم نیستند ولی در مواردی با آن اختلاف نظر دارند .

و انکهی خود این نظریه که ترور و اختناق از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به بعد شروع شد نظریه نادرستی است و به رژیم خمینی قبل از آن تاریخ مشروعیت میدهد . من چنین مشروعیتی را رد میکنم این رژیم مدتها قبل از ۳۰ خرداد یعنی هنگامیکه دژ خیمش خلغالی ، کودکان ۱۲ ساله را در کردستان به جوخه اعدام می سپرد و یاسدارانش جنایت هولناک قارنا را مرتکب میشدند ، مشروعیت خود را از دست داده بود .

س (۱۰) - همانطوریکه میدانید وضع اقتصادی رژیم بسیار اسفناک است کاهش درآمد نفت ، خوابیدن چرخهای تولیدی ، هزینه های سرسام آور جنگ و گرانسی ، بیکاری و ..... عواملی هستند که در بررسی کوتاه بحرات میتوان گفت ، که باعث سقوط رژیم خواهند شد ولی چرا علیرغم این همه مشکلات با زاین رژیم

همچنان پابرجاست ، عامل اصلی بقای رژیم در چیست ؟  
ج (۱۰) - بنظر من رژیم آنطور که شما میگوئید بر سر پای خود قرار  
ندارد ، رژیم خمینی در بحران عمیقی فرورفته است .

هم اکنون بحران سیاسی - نظامی ، اقتصادی ، اجتماعی و  
فرهنگی گریبانگیر این رژیم میباشد . ولی رژیمی ضد خلقی  
و مستبد هر چند ضعیف باشد بخودی خود سقوط نمیکند . باید آن  
چنان نیروی متشکل و قدرتمندی پابمیدان مبارزه بگذارد  
که بتواند ضربه نهائی را بر پیکر رژیم فرود آورد و آنرا سرنگون  
نماید . متأسفانه چنین نیروی هنوز بوجود نیا آمده است .

البته هنوز ذخایر مادی و معنوی رژیم به پایان نرسیده با این  
همه بدون تردید هم اکنون نیروی اپوزیسیون قدرتمندتر  
است ولی هنوز تشکیلات و تحرک کافی ندارد . راز بقای رژیم در  
استفاده از احساسات مذهبی ، در باقیمانده نفوذ شخص خمینی ،  
در تبلیغات گسترده بمنظور گمراه کردن افراد ساده ، در امکانات  
مالی ناشی از درآمد نفت ، در پشتیبانی عظیم امپریالیسم ، در  
شرایط دوران جنگ و از همه مهمتر در پراکندگی و غلام تشکیلات  
کافی نیروهای سالم اپوزیسیون نهفته است .

س (۱۱) - بعد از ۳۰ خرداد که مبارزه مسلحانه‌ی شهری ابعاد  
وسعی گرفته بود خصوصاً بعد از اعدام انقلابی سران  
حکومت ، بعضی از نیروهای مخالف رژیم از جمله  
سازمان مجاهدین خلق ایران ، این امید را به  
وجود آورده بودند که بزودی رژیم سقوط خواهد کرد و  
سازمان مجاهدین خلق نیز بانتظار داشت که تحت  
تاثیر مبارزه مسلحانه‌ی شهری مردم وسیعاً وارد میدان  
شوند ، ولی علیرغم این ابتکارا ت ، بنظر میرسد  
که رژیم توانسته است ظاهراً خود را حفظ کند و توده‌ها  
از خود واکنشی نشان نداده اند شما این شرایط را

چگونه تحلیل میکنید ؟

ج (۱۱) - بعد از ۳۰ خرداد از سوی سازمان مجاهدین خلق به رژیم و بویژه سردمداران آن ضربه‌های شکننده‌ای وارد آمد و با پدید آمدن آوری کرد که رژیم برای مدتی دچار سرگیجه شده بود و اگر تا کتیک مشخص و طرح دقیقی در میان بود این احتمال وجود داشت که ضربه‌نهایی از بالا به رژیم وارد شود .

مثلا اگر آقای بنی صدر در روزهای قبل از ۳۰ خرداد یعنی هنگامیکه هنوز فرمانده کل قوا و رئیس جمهور بود ولی میدانست که خمینی او را عزل خواهد کرد انقلابی رفتار میکرد و به پشتیبانی نیروهای چون سازمان مجاهدین و حزب دمکرات و برخی سازمان‌های دمکراتیک دیگر وارد عمل میشد احتمالاً روند رویدادها تغییر نمینمود . ولی در تاریخ اگر وجود ندارد ، تاریخ همان است که اتفاق افتاده و باید فکری برای آینده کرد . امیدوار کردن مردم به سرنگونی رژیم و یا تعیین تاریخ برای آن کاری است که شاید در کوتاه مدت منافی در برداشته باشد و روحیه توده‌ها را تقویت بخشد لیکن در دراز مدت زیان آور است و موجب عدم اعتماد توده‌ها میگردد .

به نظر من بعد از ۳۰ خرداد توده‌های مردم شهرها برای مبارزه مسلحانه آمادگی نداشتند و بهمین جهت هم وارد میدان نشدند بطور کلی توده‌های شهری جامعه ما که اکثریت آنها راقشرهای میانی تشکیل میدهند برای شکل مسلحانه مبارزه اولویت قایل نیستند . از سوی دیگر طبقه کارگر و بطور کلی زحمتکشان شهرها مشکل کافی برای اینکار نداشتند و سازمان مجاهدین نمی‌توانست آنها را بمیدان مبارزه مسلحانه بکشاند . و اما حفظ انسجام رژیم و اوضاع ظاهری است . هم‌اکنون در درون قدرت حاکم در مورد بسیاری از مسایل سیاسی ، اقتصادی ، نظامی ،

اختلافات بسیار شدیدی وجود دارد و سردیدی بست که ای —  
اختلافات یا تشدید بحران رژیم در آینده به اوج خود خواهد رسید  
در بررسی مسئله سرنگونی رژیم از انکاب دوا شتاب‌ها باید بر هر —  
کرد .

نخست آنکه همچنانکه گفتم نباید به توده‌ها امیدواری سقوط  
قریب الوقوع رژیم را داد و بویژه نباید تاریخ تعیین نمود .  
دوم آنکه از این امر که رژیم هنوز سقوط نکرده و احتملاً در  
آینده بسیار نزدیک نیز امکان سرنگونی آن می‌رود ، نباید  
نتیجه گرفت که بحران رفع شده و رژیم انسجام خود را حفظ کرده  
و دیگر از خطر سرنگونی نجات یافته است بنظر من همه علل بحران  
و همه عواملی که رژیم را در سراشیب سرنگونی قرار داده بحای  
خود باقی است . فقط باید کوشید آنچه‌انچنان نیروی انقلابی  
و متشکلی را امیدان آورد که توانایی سرنگونی رژیم را داشته  
باشد و این رسالت تاریخی را بعهده بگیرد .

س (۱۲) - بعد از ۳۰ خرداد " شورای علی مقاومت " بوجود  
آمد و در ابتدا اینطور و امیدند که این شورای مقاومت  
آلترنا تیو خوبی در مقابل رژیم بسازد اکنون وضع  
این شورا را چگونه می بینید . اصولاً آیا این شورا  
با وضعیت کنونی میتواند به امیدنوده‌ها میدان  
گردد ؟

ج (۱۲) - هنوز هم شورا علی مقاومت تنها آلترنا تیو  
دمکراتیک است و همه کسانی که صمیمانه به سرنگونی  
رژیم علاقه دارند باید به شورا بپیوندند .

البته شورا باید در آینده تحرک بیشتری از خود نشان بدهد ، تا  
در داخل کشور قادر به جذب همه نیروهای مخالف رژیم باشد  
مقصودم نیروهای سالمی هستند که قصد دارند رژیم شاهنشاهی را  
در کشور ما احیا کنند . شورا باید توده‌های مردم ایران را قانع

کند که آلترناتیوی است دمکراتیک و در جهت نفی عملکردهای رژیم کنونی گام بر میدارد. در خارج از ایران نیز شورابا یدبه همه کشورهای ذینفع در منطقه نشان بدهد که پیروزی شورا ایران را تبدیل به کشوری غیر وابسته و غیره متعهد و دمکراتیک خواهد کرد. شورا با یدبه جهان بگوید که از سیاست اوانتوریستی و توسعه طلبی خمینی پرهیز خواهد نمود و با در نظر گرفتن منافع مشروع کشورهای غربی در منطقه خلیج فارس از سیاست دوستی با اتحاد شوروی و همسایه های دیگر پیروی خواهد کرد.

در ضمن شورا با یدهویت مستقل و برنام خود را آنچنانکه در وظایف مبرم دولت موقت آمده است به توده ها بشناساند. هنگامیکه توده های مردم احساس کنند که شورا یملی مقامت زائیده همکاری وهم پیمانی نیروهای سالم و دمکراتیک کشور است، بطور یقین آنرا بعنوان آلترناتیو خواهند پذیرفت.

س (۱۲) - ممکن است بگوئید چرا هیچ سازمان و نیروی چپ شناخته شده ای در این شورا شرکت ندارد؟

ج (۱۲) - این سؤال شما تحریف واقعیت است. بنظر من چه حزب دمکرات کردستان ایران و چه سازمان مجاهدین خلق هر دو هم چپ هستند و هم شناخته شده.

ممکن است مقصودتان از چپ، سازمانهای مارکسیستی باشد. هم اکنون چند سازمان مارکسیستی نیز در شورا عضویت دارند. شاید بهتر بود خود شما می گفتید که مقصودتان کدام سازمانهای چپ شناخته شده است که هنوز به شورا نپیوسته اند؟

س (۱۴) - بعد از ۳۰ خرداد از فعالیت سازمانهای کمونیستی در جنبش تقریباً خبری نبود، یعنی نقش فعالی که در روزهای قیام ۵۷ داشتند در این روز و روزهای بعد از ۳۰ خرداد نداشتند من فکر میکنم جنبش کمونیستی در داخل ایران در نهایت ضعف و پراکنگی

بسر میبرد فکر میکنید این وضع تا کی ادامه خواهد داشت و کلاً بگوئید ریشه و خصوصیت بحران چپ در ایران چیست ؟  
ج (۱۴) - اینکه میگوئید که جنبش کمونیستی در داخل ایران در نهایت ضعف و پیراکنندگی بسر میبرد واقعیت است .  
من بعنوان نماینده حزب دمکرات کردستان ایران که سازمانی است ملی و دمکراتیک صلاحیت تحلیل مسائل مربوط به جنبش کمونیستی ایران را به خود نمیدهم . اینکار باید از سوی خود سازمانهای کمونیستی انجام بگیرد .

بطور خلاصه بنظر من ضعف و پیراکنندگی جنبش کمونیستی دو علت اساسی دارد . نخست عدم درک واقعیت کشور ما و کوشش در الگو سازی . سازمانهای کمونیستی بجای تطبیق خلاق نشوی با واقعیت ، زور میزنند و واقعیت را با تئوری تطبیق بدهند .

دوم عدم توجه به مسائل محرم کشور ، به مسائلی که در مقابل جامعه ما قرار دارد . شما مطبوعات این سازمانها را مطالعه نکنید بیشتر بحث و جدل بر سر مسائل تئوریک بین المللی و اختلافات کشورهای سوسیالیستی است تا بر سر مسائل بسیار حاد ایران . گاهی چنین میماند که رهبران این سازمانها در کشورهای گانه ای زندگی میکنند و با درج نابل نام همه مناقشه نشسته اند . مناسبانه برای اکثر این سازمانها عدم درک واقعیت ایران بسیار گران تمام شده و عده ای از بهترین فرزندان کشور اعضا و هواداران آنها بدون اینکه کار مهمی علیه رژیم انجام داده باشند به دست دژ خیمان خمینی از بین رفتند .

آنچه امروز در این رابطه در کردستان شاهدش هستیم حقایق امیدواری است چرا که برخی ار رهبران این سازمانها سراسری که هم اکنون در کردستان بسر میبرند به اشتباهات خود پی برده اند . تصحیح اشتباهات گذشته و درک واقعیت جامعه

ما و نزدیکی به توده‌ها می‌تواند پراکنندگی را از بین ببرد و بتدریج ضعف گذشته را جبران نماید .

س (۱۵) - به نظر شما چه قشرها و طبقاتی در جامعه ما انقلابی اند و نقش این طبقات و گروه‌های اجتماعی را در انقلاب آینده چگونه می‌بینید ؟

ج (۱۵) - جواب این سؤال را به عهده کسانی می‌گذارم که به تحلیل طبقاتی مسائل علاقه وافر دارند برای من در شرایط کنونی هر نیرویی صرف نظر از وابستگی طبقاتی آن صمیمانه علیه رژیم خمینی و برای بر سر کار آوردن نظام جمهوری دمکراتیک مبارزه کند انقلابی است .

س (۱۶) - برخی از سازمانها و شخصیت‌های سیاسی این رژیم فاقد برنامهاند و یکی از خصوصیت این رژیم بی برنامهگی آن است . به نظر شما این نظریه درست است ؟

ج (۱۶) - اینکه رژیم بی برنامه است کاملاً درست است . اینهم درست است که رژیم فعلی قادر به طرح برنامه منسجم و همه جانبه‌ای نیست .

تا زه اگر رژیم در موارد مشخص قادر به طرح برنامه درستی باشد در پیاده کردن آن زبون و ناتوان است چرا که وجود تعدد مراکز تصمیم گیری ، تضاد منافع ، شیوه کارآخوندی مانع اجرای هرگونه برنامه‌ای است .

س (۱۷) - قیام بهمن ماه ۵۷ چه تغییراتی در وضعیت نیروها و کیفیت مبارزات توده‌ها بوجود آورده است ؟

ج (۱۷) - انقلاب بیست و دوم بهمن به هدفهای خود نرسید چرا که آخوندها آنرا بنام خود ممداره کردند به همین جهت بعد از انقلاب نه تنها وضع اقتصادی و اجتماعی توده‌ها بهبود نیافت بلکه به وخامت گراشت .

ولی انقلاب راه مبارزه توده‌ها را بنا کرد و کیفیت تارهای به  
این مبارزه داد. و همه مهم‌تر توده‌ها بخار بگراستبهاشی در  
این چهار سال بدست آوردند بطوریکه هر شخصی و یا نیروئی پس  
از سقوط رژیم خمینی هم بخواهد یک رژیم دیکتاتوری در ایران  
بر سر کار بیآورد بیگمان با مخالفت توده‌های میلیونی روبرو  
خواهد شد. انقلابها لاکوموتیوهای تاریخند و جا معه رافرسنگها  
بسرعت به جلو میرانند.

کوشش رژیم ارتجاعی خمینی در عقب راندن جامعه ایران به  
دوران چندسال پیش موفق نخواهد شد و پس از سرنگونی رژیم  
خمینی جاده برای پیشرفت سریع جامعه هموار خواهد گردید.

جاده‌ای که انقلاب بیست و دو بهمن ماه سال ۱۳۵۷ آنرا گشوده  
است. برای نمونه قبل از بهمن سال ۱۳۵۷ در کردستان نیروی  
انقلابی بالقوه، عظیمی وجود داشت که اینک تبدیل به آنچنان  
نیروی انقلابی فعالی گردیده که توانائی مقابله با رژیم  
خمینی را دارد و بدون تردید پس از سقوط رژیم پیش از پیش  
تقویت خواهد یافت.

س (۱۸) - برای پیروزی انقلاب چه شکلی از مبارزه را عمده  
میدانید و اصولا برنامه عمل پیشنهادی شما در این  
خصوص چیست؟

ج (۱۸) - برای پیروزی بر رژیم خمینی همه اشکال مبارزه  
جایز است.

ولی فراموش نکنید که شکل مبارزه را قدرت حاکم تحمیل میکند.  
اینک رژیم خمینی شکل مسلحانه مبارزه را به مردم ایران  
و سازمانهای انقلابی آن تحمیل کرده است. رژیم استبدادی و  
ضد انسانی خمینی را تنها از طریق مبارزه قهرآمیز میتوان  
سرنگون ساخت. ولی این بدان معنا نیست که شکلهای دیگر  
مبارزه را نفی کنیم. برای پیروزی بر رژیم خمینی به تنها



همه اشکال مبارزه جایز است مثلا از مبارزه منفی مانند بایکوت کردن نماز جمعه گرفته تا مبارزه مسلحانه که عالی ترین شکل آن است. بلکه وضع کنونی کشور ما تلفیق در میان اشکال مختلف مبارزه را ضروری میسازد. تنها تلفیق در میان مبارزه مسلحانه شهری و بیرون شهری، تلفیق در میان مبارزه مسلحانه و غیرمسلحانه از اعتبارات اقتصادی و سیاسی گرفته تا اشکال مختلف مبارزه منفی است که رژیم خمینی را به زانو در خواهد آورد و پیروزی نیروهای انقلابی را سرعت خواهد بخشید.

س (۱۹) - اگر معتقد به مبارزه مسلحانه هستید ممکن است بگویید چرا تا کنون این شکل از مبارزه، یعنی مبارزه مسلحانه قادر به بسیج واقعی توده ها نشده است؟

ج (۱۹) - این سؤال شما نیز تحریف واقعیت است. در مورد کردستان بسیج واقعی توده ها انجام گرفته است اگر غیر از این بود خمینی به آسانی میتوانست جنبش دمکراتیک مردم کردستان را سرکوب کند.

و اما اینکه چرا در بخشهای دیگر ایران توده ها بسیج نشده اند دلایل متعددی دارد برای مثال عرض میکنم که بنظر من مبارزه مسلحانه میتواندست در بلوچستان، در ترکمن صحرا، در شمال ایران گسترش یابد، لیکن سازمانهایی که در این مناطق نفوذ داشتند یا دچار اشتباهاتی شدند که در پاسخ سؤال چهاردهم به برخی از آنها اشاره کرده ام و یا اصولا اهمیت لازم را به مبارزه مسلحانه در این نواحی قائل نشده اند، تازه بسیاری از این سازمانها دیرینه ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی رژیم خمینی پی بردند و تنها هنگامی بفکر ایجاد هسته های مسلح در مناطق فوق الذکر افتادند که اندکی دیر شده و بسیاری از امکانات از زمین رفته بود.

س (۲۰) - فکر میکنید چه شکلی از حکومت برای آینده ایران مناسب است و در این رابطه نقش طبقات مختلف را توضیح دهید ؟

ج (۲۰) - در ایران بعد از خمینی تنها رژیم می‌تواند استقرار پیدا کند که دمکراتیک و بر اساس پلورالیزم دمکراتیک استوار باشد .

همه سازمانهای ملی و دمکراتیک با وجود اختلاف نظرها و اختلاف سلیقه‌ها باید حق فعالیت علنی داشته باشند . هرگونه انحصار - طلبی و گرایش به دیکتاتوری یک یا چند سازمان ، کشور ما را دچار جنگ داخلی خواهد نمود . استقرار را بهم خواهد زد . وجهی است که حوادث ناگوار و رویش بینی نشده‌ای را موجب گردد که ممکن است استقلال و موجودیت مبین ما را به خطر بیندازد . به نظر من در رژیم دمکراتیک آینده جز نیروهای که قصد داشته باشند رژیم شاهنشاهی را مجدداً مستقر نمایند و یا رژیم ولایت فقیهی را احیا کنند ، همه باید بدون تبعیض حق استفاده از تمامی آزادی‌های دمکراتیک را داشته باشند .

س (۲۱) - ضامن دموکراسی آینده چیست ؟ فکر میکنید کدام طبقه میتواند آن را تضمین کند ؟

ج (۲۱) - به نظر من طبقه معینی نمیتواند ضامن دموکراسی آینده ایران باشد .

همه نیروهای دمکراتیک که نماینده طبقات و قشرهای مختلف جامعه هستند ضامن حفظ دموکراسی آینده ایران خواهند بود . همانچنانکه گفتم شانس استقرار دموکراسی در ایران در گرو احترام همه سازمانها و نیروها به پلورالیزم دمکراتیک است .

در مرحله کنونی از رشد اجتماعی کشور ما ، هر طبقه‌ای به تمهاتی حاکمیت را قضا کند بی‌آمدی جز دیکتاتوری نخواهد داشت .

س (۲۲) - با توجه به این که شرایط بسیار مساعدی برای

سازماندهی طبقه‌کارگردرجا معما وجود داشت . پروسه تشکیل حزب طبقه‌کارگرایران را چگونه می‌بینید؟

ج (۲۲) - در جواب سئوال چهار ردهم نظر خود را در این مورد گفتم . در این جا فقط اضافه میکنم که مقصود شما را از شرایط بسیار مساعد نمی‌فهم

اگر مقصودتان از شرایط مساعد وجود تعداد زیادی کارگر صنعتی است ، آنگاه میبایست حزب طبقه‌کارگردر آمریکا ویا انگلستان مدت‌ها پیش تشکیل مییافت چرا که این کشورها میلیون‌ها کارگر صنعتی دارند . اگر منظورتان از شرایط مساعد شرایط ذهنی مساعد برای سازماندهی طبقه‌کارگراست که چنین شرایطی در ایران وجود ندارد .

خود شما به ضعف و سیراکنندگی سازمانهای چپ اذعان دارید ، و اما بنظر من شرایط مساعد همان وجود آزادیهای دمکراتیک است . ومن تردیدی ندارم که اگر آزادیهای دمکراتیک در کشور ما برای چندین سال تا مین گردد طبقه‌کارگر تشکیل خود را با خواهد یافت ونقش مهمی در جامعه آینده ایران بعهده خواهد گرفت .

س (۲۳) - درباره جنگ ایران و عراق بگوید این جنگ را چه گونه تحلیل میکنید ، آیا این جنگ در بقای رژیم اسلامی نقشی داشته است . و در مبارزات توده‌ها چه تاثیری گذاشت . و تداوم آن چه سودی برای رژیم اسلامی ایران دارد؟

ج (۲۳) - رژیم خمینی جنگ را است و این را طی چهار سال موجودیت خود به اثبات رسانده است .

درست است که در پانزده سال ۱۳۵۹ عراق به خاک ایران تجاوز کرد ولی از سویی رژیم خمینی بود که با دادن شعار صدور انقلاب اسلامی ندای جنگ سرد داده بود و هل من مبارزم میگفت و از سوی دیگر سیاست توسعه طلبی و جنگ افروزی خمینی پس از خروج

ارتش عراق از خاک ایران بیانگراین واقعیت است که رژیم خمینی در هر صورت به خاک عراق حمله میکرد، مگر نه این است که بنظر خمینی لشکریان اسلام میبایست از راه کربلا و بغداد بسوی قدس پیش روی کنند ( بدون تردید این جنگ با عراق در حفظ رژیم خمینی نقش داشته است .

هنگامیکه بحران در داخل کشور اوج میگردد احتمال دارد جنگ بتواند برای مدتی از سرگونی رژیم حاکم جلوگیری کند، هر چند بالاخره خود جنگ غالباً بحران را تشدید میکند و سقوط قدرت حاکم را سرعت می بخشد. چنین سیاستی در تاریخ بشریت بارها آزمایش شده و خمینی با پیاده کردن آن کشف تازه ای بعمل نیاورده است. ادامه جنگ با عراق سربوشی است که رژیم بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور میگذارد چرا که از حل آنها عاجز است .

جنگ به رژیم خمینی امکان داد ارتش را در مرزها مشغول کند و دور از مرکز نگاه دارد تا فرصت بازسازی آنرا داشته باشد زیرا سبب ویژه در آغاز جنگ خمینی از ترس کودتای ارتشیان خواب راحت نداشت. جنگ با عراق تاکنون برای کشور ما بسیار گران تمام شده، صدها هزار کشته و مجروح، دو میلیون نفر آواره، شهرها و روستاهای ویران، میلیاردها خسارت مالی و اقتصادی، این است فاجعه ای که رژیم خمینی برای خلقهای ایران به ارمغان آورده است .

البته در صورت پیروزی، خمینی قصد داشت به زور اسلحه انقلاب اسلامی خود را صادر کند و جمهوری اسلامی دیگری در عراق و احتمالاً کشورهای دیگر مستقر سازد. لیکن در حال حاضر خمینی در مسئله جنگ با عراق به بن بست رسیده است. شکستهای پی در پی لشکریان خمینی پس از خروج عراق از خاک ایران و تلفات بیشماری که بر آنها وارد آمده، موجب اختلافات

شدیدی در رابطه با جنگ در درون قدرت حاکم گردید بطوریکه رژیم خمینی حالا محتاطانه عمل میکند و در شروع حملات جدید به عراق تردید نشان میدهد. بن بست رژیم خمینی در این جا است که از طرفی به دلائلی که گفته شد پایان دادن به جنگ برایش دشوار است چون بحران داخلی نه تنها خاتمه نپذیرفته بلکه بیش از پیش شدت یافته است. و از طرف دیگر امکان پیروزی نظامی بر عراق اگر کلی از بین نرفته باشد بسیار ضعیف است ذخیره مادی و حتی نیروی انسانی رژیم نیز قوس نزولی خود را می پیماید و خمینی دیگر قادر نیست جنگ با عراق را مانند سابق ادامه دهد.

بویژه آنکه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در حمله پایتیز سال ۱۳۶۱ به کردستان متحمل تلفات سنگین شده و تضعیف گردیده اند مردم ایران از همان آغاز، جنگ با عراق را مصیبت بزرگی برای خود میدانستند، و خمینی برخلاف مردم جنگ را نعمت خداوندی میدانست. چنین بنظر میرسد که حالا دیگر جنگ برای خمینی نیز مصیبت است و بدون تردیدی آمده‌های آن در آینده به مذاق او و رژیمش خوشایند نخواهد بود.

س (۲۴) - سؤال بعدی درباره کردستان است. چنانکه می دانید در بخش وسیعی از میهن ما، یعنی کردستان مبارزه مسلحانه جریان دارد و غریب چهار سال است که ارتش و سپاه و کمیته‌ها نتوانسته اند خلق قهرمان کرد را به زانو در آورند و به موفقیت‌های چشمگیری برسند. به نظر شما این مبارزه در رابطه با انقلاب ایران چگونه است و کلا بگویید بدانیم که درباره خود مختاری و تامین حقوق خلق‌های ستمدیده ایران چگونه می اندیشید و چه پیشنهادهای دارید؟

ج (۲۴) - بنظر من جنبش کردستان جنبشی است — بوده‌ای و

مردمی بمعنای واقعی آن به عامل اصلی موجب شده که رزیم بتواند مقاومت مردم کردستان را درهم شکنند.

نخست پشتیبانی توده‌های خلق از خواست خودمختاری، سرخلاف ادعای رزیم این گروهک‌ها نیستند که در کردستان می‌جنگند این مردم و بویژه توده‌های زحمتکش کردستانند که اسلحه به دست گرفته و از آزادی و موجودیت و شرافت انسانی خود دفاع می‌نمایند.

عامل دوم سیاست اصولی و واقع‌بینانه، حزب دمکرات کردستان ایران است که بیش از هشتاد درصد مردم کردستان از آن پشتیبانی می‌کنند. حزب ما که نقش رهبری جدی ملی دمکراتیک کردستان را عهده دارد، توانسته است حاکم توده‌ای علیه رزیم را ساکن مانده‌ی کند و همه قشرهای مردم کردستان را در پیرامون شعار دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان گرد آورد. حالا در کردستان در کنار حزب دمکرات، بسیا کوموله‌ارزشی سیاسی سرخی از قشرهای جوان مردم وارد است. هر چند بعضی کوموله‌عقلی که در این سالها رشد کرده‌اند، روی کار می‌روند، لیکن کوموله‌سرشار خودمختاری را تا شاید می‌کنند و بدین ترتیب همه نیروهای متشکل کردستان در مقابل رزیم خمینی در یک جبهه متحد قرار دارند و خواست واحدی را مطرح می‌کنند.

عامل سوم فداکاری و از خودگذشتگی بی‌شمرگان کردستان است. بی‌شمرگان کردستان با امکانات به مراتب کمتر، ضربات شکننده‌ای به رزیم خمینی وارد آورده‌اند و دارند می‌آورند.

در حمله پانزده سال ۱۳۶۱ رزیم در مقابل هر بی‌شمرگ شهید ۲۳ نفر تلفات داده بود و این بی‌شمرگ‌ها همگی با اسلحه و حماسه آمیز بی‌شمرگان است. ناهنگامی که این سه عامل، پشتیبانی مردم از خواست خودمختاری، سیاست اصولی حزب و قاطعیت

سازماندهی آن ، و فداکاران ریهای پیشمرگان تو اما عمل کنند رژیم خمینی قادر به درهم شکستن مقاومت مردم کردستان نخواهد شد . لازم میدانم این حقیقت را نیز یادآوری بکنم که وضع طبیعی کردستان برای جنگهای چریکی بسیار مساعد است و کوهستانها پناهگاه تسخیرناپذیری برای پیشمرگان به شما میروند .

بنظر من تا مین حقوق خلقهای ستمدیده ایران چه شکل خود - مختاری و چه شکل فدراتیو از وظایف اساسی انقلاب ایران است ، بیش از نیمی از جمعیت ایران را خلقهای ستمدیده آذری ، کرد ، بلوچ ، ترکمن ، عرب ، تشکیل می دهند . کمبها دادن به نقش مساله ملی در انقلاب ایران بطور کلی و در اهر سرنگونی رژیم خمینی بطور اخص اشتباهی نابخودنی است . هراتسان دمکرات ، انقلابی باید در پی یافتن راه حلی پیگیر و دمکراتیک برای مسئله ملی باشد و نه در حال حاضر و نه در آینده به هیچ دولتی اجازه ندهد جنبش ملی خلقهای ستمدیده ایران را با اتهام واهی تجزیه طلبی و بیگانه پرستی و غیره سرکوب نماید .

س (۲۵) - نظر شما در باره دخالت مذهب در حکومت چیست ؟  
و همانطوریکه میدانید سا زمان مجاهدین در مذهبی بودن دولت آینده اصرار دارد در این باره چه فکر میکنید ؟

ج (۲۵) - من فکر نمیکنم سا زمان مجاهدین خلق در مذهبی بودن دولت در آینده اصرار داشته باشند .

بنظر من عقیده مذهبی باید کاملاً آزاد و همه مذاهب در مقابل قانون یکسان باشند . دولت نباید مذهبی باشد چرا که با وجود مذاهب و ادیان مختلف در کشور اینکار بمعنای ترجیح مذهبی بر مذهب دیگر است . هم اکنون رژیم خمینی که ادعای

اسلامی بودن را دارداصل ولایت فقیه را برکشورما مسلط کرده است . سردمداران رژیم خمینی کار را به جایی رسانده اند که روحانیان مذهب تسنن را ناچار میکنند که علیه عقاید مذهبی خود از اصل ولایت فقیه پشتیبانی نمایند . تجربه تاریخی نشان داده است که اگر دولت رنگ مذهبی به خود بگیرد مصائب و گرفتاریهای متعددی بنا خواهد آورد .

نخستین وظیفه مجلس مؤسسان که پس از پیروزی شورایی عملی مقاومت و استقرار دولت موقت از طریق انتخابات آزاد با رای عمومی ، مستقیم مساوی ، و مخفی تشکیل خواهد شد عبارت است از : " تدوین قانون اساسی و تعیین نظام جمهوری جدید " یعنی اینکه هیچ وجه گفته نشده که پس از پیروزی شورایی نظام جمهوری حتماً باید رنگ اسلامی داشته باشد .

ب ( ۲۶ ) - در اوایل روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی موارد متعددی دیده شد و هم اکنون نیز جست و جوی گسترده ای در باره رژیم به مداره اموال یعنی ارسرمایه داران می پردازد شما این مسئله را در رابطه با ماهیت رژیم چگونه تحلیل میکنید ؟

ج ( ۲۶ ) - رژیم خمینی اموال برخی ارث و زمینداران را مصادره کرد ولی نه بیغ مستضعفان . بلکه برای پسر کردن حیب آخوندها .

من هرگز تردیدی در ماهیت ارتجاعی رژیم خمینی نداشتم و همیشه نظرم این بوده که یک رژیم ارتجاعی نمیتواند قدمی به نفع زحمتکشان بردارد . حالا دیگر احتمالاً برای آن عده نیز که تا جندی پیش رژیم خمینی را مترقی و ضد امپریالیست قلمداد میکردند ، توهمی در این باره باقی نمانده است . قانون ملی کردن بازرگانی خارجی و قانون اصلاح اراضی که پس از حذف اصلاح زیاد از طرف مجلس شورای اسلامی تصویب شده است -



سوی شورای نگهبان مخالف شرع تشخیص داده شد و رد گردید. ببینید  
چیم نیز که از سوی برخی بعنوان سمبل مترقی بودن رژیم تبلیغی  
میشد برای همیشه مدفون گردید. اکنون اقدامات بسیاری از  
طرف دولت بمنظور تقویت و تشویق بخش خصوصی انجام میگردد  
که در واقع بمعنای کمک به رشد سرمایه داری است. البته  
در این مورد نیز شبهه ای باقی نمانده و بالاخره رژیم خمینی  
چهره واقعی خود را بمنای حامی و پشتیبان سرمایه داران آشکار  
ساخته است.

س (۲۷) - همانطور که میدانید رژیم جمهوری اسلامی مدتی  
مضحک اشغال سفارت آمریکا را بر راه انداخته و به  
نظر شما این عمل چه منافعی برای رژیم در برداشت  
موضوع شما در آن زمان در این مورد چه بود و اکنون

آنرا چگونه بررسی میکنید؟  
ج (۲۷) - اشغال سفارت آمریکا به منظور تحکیم پایه های  
جمهوری اسلامی و سرکوب مخالفین بویژه در داخل  
قدرت حاکم بود اما در آن موقع روزهای آخر جنگ  
سه ماهه را میگذرانیدیم که خمینی علیه مردم کردستان  
راه انداخته بود.

همان جنگی که از شهر پیاوه شروع شد و در آغاز آن خمینی چیز  
دمکرات کردستان ایران را رسماً منحل اعلام نمود و علیه  
مردم کردستان اعلان جهاد داد. شاید ما تنها با زمان سیاسی  
نیرومندی بودیم که از اشغال سفارت آمریکا پشتیبان نی  
نکردیم. بنظر ما این عمل یک اقدام ریاکارانه بود. خمینی  
از طرفی دستور قتل و عام مردم کردستان را صادر میکرد  
حزب دمکرات و رهبران آنرا که از نیروهای راستین  
امپریالیستی کشور بودند فاسد و مفسد فی الارض معرفی  
و از طرف دیگر با اشغال مسخره آمیز سفارت آمریکا که خود عملی

برخلاف سنن وقوانین بین المللی بود، خود را دشمن آمریکا  
جامیزد. ماهمان موقع در حالیکه آماده بودیم از هر اقدام  
واقعی علیه امپریالیسم آمریکا پشتیبانی کنیم بارها گفتیم  
که اشغال سفارت آمریکا به اعتبار و آبروی انقلاب ایران در  
خارج صدمه میزند و آنرا خودی خود نمیتوان اقدامی ضد  
امپریالیستی تلقی نمود.

متأسفانه بسیاری از سازمانهایی که هم اکنون در صفاپورزیستون  
قرار دارند " دانشجویان پیرو خط امام " موضع مشابهی  
داشتند و حتی برخی از آنها سعی میکردند اشغال سفارت را به  
خود نسبت دهند.

س (۲۸) - مرحله و ماهیت انقلاب کنونی ایران را چه میدانید  
و مناسبات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی رایسار

سقوط رژیم اسلامی چگونه پیش بینی میکنید ؟

ج (۲۸) - قبلاً گفتم که آخوندها موفق شدند انقلاب ایران را به  
نام خود مصادره کنند و در واقع آنرا از مسیر طبیعی  
خود خارج ساختند و دستاوردهای انقلاب را که  
خونبهای دهها هزار شهید و سالها تلاش و بیکار بود  
یکی پس از دیگری از بین بردند.

آنچه اکنون از انقلاب ایران باقیمانده کارکاتوری بیس  
نیست و حتی بحرات میتوان گفت آخوندهایی که هم اکنون  
قدرت سیاسی را در ایران قبضه کرده اند بمعنای واقعی کلمه  
عناصری هستند ضد انقلابی. با در نظر گرفتن مناسبات سیاسی،  
اقتصادی و اجتماعی باید گفت که کشور ما مرحله انقلاب دمکراتیک  
را میگذراند و اینکه بعد از سقوط رژیم خمینی مناسبات موجود  
به چه شکلی در خواهد آمد بستگی به عوامل بسیار از جمله تناسب  
نیروها دارد که از حالا چگونگی آنرا نمیتوان پیش بینی کرد.  
س (۲۹) - به نظر شما سیاست خارجه، دولت انقلابی آیمانده

ایران بر چه مبنایی باید استوار باشد " سیاست عدم تعهد " " تکیه بر اردوگاه سوسیالیزم " و " دوستی با کشورهای سرمایه داری " ؟

ج (۲۹) - بعد از سقوط رژیم خمینی سیاست خارجی دولت دمکراتیک آینده باید بر مبنای عدم تعهد استوار باشد .

حفظ و استقلال وردهرگونه وابستگی و تأمین پیشرفت اقتصادی مستقل مطابق نیازمندیهای کشور از وظایف اساسی دولت آینده در سیاست خارجی خواهد بود . برای حفظ توازن در سطح منطقه ، دولت آینده باید منافع مشروع کشورهای غربی را در خلیج فارس در نظر بگیرد و سیاست دوستی و همکاری با اتحاد شوروی را تحکیم بخشد .

س (۳۰) - آیا بنظر شما " اردوگاه سوسیالیسم " به مفهوم واقعی خود ، اکنون در جهان وجود دارد ؟ اگر دارد نام ببرید .

ج (۳۰) - اینهم از سئوالاتی است که پاسخ به آن چه مثبت باشد چه منفی گرهی از مشکلات متعدد کشورمان نمی گشاید . اما برای اینکه به سئوال شما جواب گفته باشم عرض میکنم که بهتر است بجای اردوگاه سوسیالیسم اصطلاح کشورهای سوسیالیستی بکار رود .

مثلا اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین و یوگوسلاوی اختلافاتی با هم دارند این اختلافات هم در امر ساختن سوسیالیسم در داخل این کشورها و هم در سیاست خارجی به چشم میخورد .

پس در این رابطه نمی توان از اردوگاه سوسیالیسم نام برد چرا که چنین اردوگاه منسجمی وجود ندارد ولی می توان از کشورهای سوسیالیستی سخن گفت چون با وجود اختلافات موجود در همه این کشورها مناسبات اقتصادی و اجتماعی

سوسیالیتی در جامعه مسلط است .

بادرودهای انقلابی

ع - قاسم - و

۱۳۶۱/۱۱/۱۴

www.iran-archive.com

## چریکهای فدایی خلق ایران

س (۱) - زمینه‌های مادی - تاریخی بوجود آمدن رژیم - ارتجاعی آخوندی در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید ؟

ج (۱) - قبل از اینکه بخودسؤال بپردازیم در مورد اصطلاح " رژیم ارتجاعی آخوندی " توضیحاتی دهیم .

هما نظر که میدانید در فرهنگ سازمانی ما چنین اصطلاحی بکار برده نمیشود پس از اینکه ما دولت بعد از قیام را بررسی کرده و بیا نگاه طبقاتی آن که همان بورژوازی وابسته است را روشن ساختیم دیگر لزومی برای بکار بردن چنین کلماتی نمی‌دیدیم ، چنین اصطلاحاتی بیشتر بکار تحلیل‌هایی می‌آید که برای رژیم جمهوری اسلامی نوعی استقلال از امپریالیسم در نظر دارند .

تحلیل‌هایی که رژیم کنونی را نماینده اقشار مختلف خورده - بورژوازی و یا " کاست روحانیت " میدانستند امروز دیگر ورشکستگی اشان بطور کلی آشکار شده است با این حال اکنون نیز ما با عباراتی نظیر " رژیم ولایت فقیه " رژیم خمینی ( با جلاد یابی جلاد ) و " رژیم ارتجاعی آخوندی " مواجهیم که گویندگان آنها تحت این الفاظ دانسته و یا ندانسته به پرده پوشی ماهیت وابسته با امپریالیسم رژیم کنونی مشغولند آنها چنان از " رژیم آخوندی " یا " رژیم خمینی " سخن می

گویند که گویی نهاد مستقلی باورگی های حاشی موجود است و  
باین ترتیب تعبیرات پس از تمام بهم را امتحان ایچ — با  
حکومتی که به نوعی استقلال دست یافته است تفسیر میکنید و در  
این میان امیرالایم را نفر اموشی میسپارند.

در حالیکه در واقع امر، این نه " کاست حاکم آخوندی " ویا  
" انحصار طلبان مذهبی " بلکه امیرالایم و — ووزواری  
و استه بان میباشند که پس از تمام نیز کماکان بر جا معه —  
حکومت میکند. آنها شبکه پیش از اندازه بر آخوندیزم تا کید  
مینمایند و جنایاتی را که امیرالایم در میهن ما توسط رژیم  
جمهوری اسلامی مرتکب میشود بحساب عقب ماندگی فکری  
خمیسی و دیگر آخوندها میگذارند که چندی ظاهر ارا دی — کمال  
جلوه کنند، در عمل امتیاز خلی بررگی نه خمینی این سک  
زنجیری امیرالایم میدهد و قدرت امیرالایمستی یقت —  
اورا اسهان ساخته و باین ترتیب دهی نوده ها را ارا امیرالایم  
بعضوان دشمن اصلی خلیهای ما بنوی خمیسی و آخوندها —  
اطرافش گانالو: یکسند و آنگاه برای شناخت او مجبوریدید —  
همجوی " دیدی که در اعیان تاریخ ایران سردیست نه بکهار و  
ها، حدسال نه جواب رفته بود. میردارند و در نتیجه ارا —  
کدو: معا خلوی حتماً شان قرار دارد و آن امیرالایم و سیاست  
— های بواستعماری اوست عاقل بشود. — ممکنست ارا نظر  
سپدی حسین عباراتی امروز ایرانی داشته باشد اما —  
شک در ادا مه مبارزه خدا امیرالایمستی رفته را برای انحرافات  
بررگی آماده میکنید.

در شرایط مشخص ایران اگر بروشی نه مساله امیرالایم  
ووزواری و ایست باخی درست نهد، راه محاسنی نخواهد  
برد. اما در مورد ریشه های مادی، تاریخی موجود آمدن  
جمهوری اسلامی و ایست با امیرالایم با توجه به توضیحات

بالا باید گفت : همانطور که میدانید ایران کشوری تحت سلطه امپریالیسم است و زمینه های مادی روی کار آمدن جمهوری اسلامی را نیز باید در ماهیت سیاست های نواستعماری امپریالیسم جستجو کرد .

میدانید که امپریالیسم مخصوصا پس از جنگ جهانی دوم در مقابل جنبش های آزادیبخش خلق های کشورهای تحت سلطه استعمار نوین را بوجود آورد ، منطبق بر سیاست نواستعماری در حالیکه این کشورها از لحاظ اقتصادی - نظامی سیاسی بطور کامل با امپریالیسم وابسته بودند ، بظاهر مستقل جلوه می کردند و همه کوشش های تبلیغاتی امپریالیسم نیز صرف مستقل جلوه دادن آنها میشد ، در نتیجه اساس استعمار نوین مغایرت ظاهری محتوای شکل استوار است .

مادریا می که در سال ۵۸ بمناسبت دوروز بزرگ تاریخی دادیم ، باین موضوع اشاره کردیم که " وقتی میگوئیم استعمار نوین عمدتاً عکس العمل مکارانه امپریالیسم در مقابل ما مبارزه آزادیبخش خلقهاست ، باید انتظار داشته باشیم که در جریان غلبان مبارزه توده ای این سیاست نواستعماری بیشترین فعالیت را از خود نشان دهد و مکارانه ترین شعبده بازی دست زدن بتواند با ایجاد نمای ظاهری استقلال و ایجاد نمای ظاهری قدرت خلقی توهم استقلال را هر چه بیشتر تقویت کند و حداقل نیروهای نزدیک بین تر نهضت خلق را بفریبد . "

براین اساس با اوجگیری نهضت خلق مادر دوره شاه هنگامیکه معلوم شد سرکوب کار ساز نبوده و به رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر جنبش میانجامد امپریالیسم دست به مانور فریبکارانه - ای زد و کوشش کرد از طریق خمینی و بطور کلی روحانیت در جنبش نفوذ نموده و با کنترل آن از درون مبارزات توده ها را از مسیر اصلی خود خارج سازد و بقول معروف انقلاب را به نام

" انقلاب " حقه ساخته و حلوی رشد مبارزات ضد امپریالیستی مردم را با مبارزه ضد امپریالیستی کدائی سد کنند .

اجرای این سیاست بیک عقب نشینی تاکتیکی از طرف امپریالیسم نیازمند نبود . امپریالیسم میبایست دیگر دست از حمایت شاه برداشته و سگ زنجیری با وفای خود را بخاطر حفظ سیستم سرمایه داری وابسته در ایران فدا سازد . میبایست به فرمان امپریالیسم ارتش از سرکوب بازماند و با جنبش خلق با اصطلاح اعلام همبستگی کند . این یک عقب نشینی تاکتیکی بود که برای عملیات جنگی امپریالیسم لازم بود و با فرصت می داد تا با تجمع قوا و آرایش جدید بلافاصله پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی که در میان فریادهای بیرونی خلق به قدرت میرسید ، به تعرض همه جانبه دست بزند و جنگی تمام عیار در همه زمینه های اقتصادی ، سیاسی ، نظامی ، فرهنگی را به خلق ما تحمیل نماید .

قیام بهمن ماه اگر چه باعث اخلال در نقشه جنگی امپریالیسم شد و فرصت نداد تا کارها منطبق بر مذاکراتی که با رکنان و بهشتی و دیگران حکومتی با هوسرر و رمزی کلارک داشتند پیش برود ولی بهر حال اساساً برآر برهم زد . رژیم جمهوری اسلامی پس از قیام ۲۲ - ۲۱ بهمن سرسرکار آمد و استعرا را آن به غلط از طرف مردم و اکثر نیروهای سیاسی بیرونی تلقی کردند . باین ترتیب امپریالیسم با اجرای سیاست نواستعماری خویش موفق شد این رژیم را بعنوان رژیم ملی و خدا میریالیست به خلق ، حازده و در عین تعرض همه جانبه به خلق اهداف ضد خلقی خود را از طریق این رژیم تحت پوشش " مبارزه ضد امپریالیستی " پیش ببرد . البته اینکه امپریالیسم ، توانست جنس مائوری داده و نیروهای ریادی را در سطح حشش فریب دهد ، بعلمت ضعف نیروهای انقلابی و مترقی در حشش مائوری .



هما نظور که میدايد ضربات سال ۵۵ به سازمان چريکهاي فدائي خلق ، توان تشکيلاتي اين سازمان راشديداتضعيف کرد و بعدا با اشاعه نظرات اپورتونيستي در آن توانائي سازمان در تحليل درست از شرايط و شرکت آگاهان آن در جنبش از بين رفت در اين ميان از سازمان مجاهدين خلق نيز در صحنه مبارزه خيري نبود اين سازمان با توجه به برخورد هاي غير انقلابي اي که توام با تغيير مواضع ايدئولوژيک ، در آن بوقوع پيوست عملا نابود شده بود .

بنابراين در شرايطي که امپرياليسم و نيروهاي وابسته به آن به ايفاي نقش ضد انقلابي فعال در جنبش خلق مشغول بودند و ارامکانات معمولي و مادي روحانيون بنبفع مقاصد خویش استفاده مینمودند نيروي انقلابي آگاهي در جامعه نبود که بتواند منطق با شرايط جامعه نقش فعالی در بسج و سازماندهي توده ها در جهت قطع سلطه امپرياليزم ايفا کند و توده ها را در مقابل سياستهاي فريکاريکاريه امپرياليزم آگاه سازد .

س (۲) - تقريبا ۴ سال است که از عمر رژيم جمهوري اسلامي ميگذرد و نظريات مختلفي در اين چهار سال از طرف گروهها و سازمانها در باره ماهيت و عملکرد آن بيان شده ولي اکنون اينطور بنظر ميرسد که اکثر ايمان گروهها و سازمانهاي سياسي ديگر بنظر سابق خود را ندارند . ميخواستم بدانم نظر شما در باره ماهيت رژيم کيوني چيست ؟

ج (۲) - همانطور که ميدانيد ما اولين نيرويي بوديم که در " مصاحبه " مطرح کرديم " دولت ابزار طبقه حاکمه است و چون در ايران بورژوازي وابسته همچنان در توليد نقش مسلط را دارد و دولت فعلي هر چه ميکند در جهت تثبيت اين موقعيت است ، خود بخود دولت

سرمایزاری در دست بورژوازی وابسته است. " خارج از سهام  
واقعیت‌هایی که در جریان جنبش خلق در جلوی چشمان همه گذشت  
و حاکی از آن بود که با ایدقیام ۲۲ - ۲۱ بهمن راقیای کمی  
شکست خورده شمرده ما در تحلیل خود چند مسئله اساسی را در نظر  
داشتیم اول اینکه ابزار تولید در جامعه ما در دست بورژوازی  
وابسته قرار دارد که خود به مرض بلیدی بنام وابستگی مبتلاست  
که به هر کس منتقل شود او را نیز مبتلا به آن مرض میکند.

بنابراین ما معتقد بوده و هستیم که با دست بردن  
ابزار تولید بورژوازی وابسته نمیتوان مرحله‌ای از انقلاب را  
پشت سر گذاشت و از قید وابستگی رهایی یافت رهایی از قید  
وابستگی در زمینه اقتصادی فقط با یک انقلاب بزرگ و عمیق  
امکان پذیر است که در طی آن بتوان اقتصاد ملی را مبنای  
گذاشت و آن را در مقابل افتخار دایمیرالیستی قرارداد داد.

در نائی انقلاب بدون درهم شکستن ابزار سرکوب حاکمیت  
قبلی ممکن نیست و در جامعه ما فقط با درهم شکستن ارتش بسته  
عنوان سون فقرات امپریالیسم است و آن حاکمیت امپریا -  
لیستی را نابود ساخت. در جریان تحول اوضاع پس از اقیام  
سهمن دیدیم که در زمینه اقتصادی اجتماعی انقلابی رخ نداد  
و اگر از نظر سیاسی تعبیراتی ایجاد شد این نمیتوانست به  
منهوم بقدرت رسیدن طبقه‌ای از خلق بحای طبقه ضد خلقی بشین  
باشد چه همان طور که گفتیم انقلاب اقتصادی - اجتماعی نبود حتی  
اگر خمینی و دارودسته‌اش را بعنوان نمایندگان خرده بورژوازی  
دمکرات حساب می‌آوردیم بهر حال آنان ابزار تولید  
بورژوازی وابسته را دریافت کرده بودند که خواه ما خواه خودشان  
را نیز وابسته میکرد و دیگر نمیتوانستند همچنان نمایندگان  
خرده بورژوازی جدا میرالیست تلقی گردند بنا بر این با اقیام  
سهمن ماه صرفاً در حاکمیت امپریالیستی یک حاکماتی بهره‌ای

صورت گرفت و بعدها نیز سیر واقعیت نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی جز در جهت تحکیم سیستم سرمایه داری در ایران و ترمیم ضربات وارده از طرف جنبش خلق با این سیستم حرکت نمی کند و رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدا با عدم پاسخگویی بخواست کارگران ، با بازپس گرفتن زمین های مصادره ای شده از دست دهقانان ( در این زمینه رژیم علی رغم سیاستی که برای فریب توده ها در پیش گرفته بود کمترین تردیدی بخود راه نداد و حتی جنگی خوین را به دهقانان تحمیل کرد ) ، با کمک به سرمایه داران وابسته ، ادامه قرار دادهای اقتصادی قبلی با امپریالیسم و دعوت از شرکتهای امپریالیستی که در اثر مبارزات مردم با جدی از ایران خارج شده بودند و با حمله به آرادیه های دیگران یک نشان داد که ماهیت همان ماهیت ضد خلقی رژیم وابسته با امپریالیسم می باشد اگر چه در شرایط بحران امپریالیستی وظایف خاصی بردوش داشته و اینرو نیز ما سک ریا و فریب بر چهره خود زده است .

ارتش امپریالیستی در جریان تحول اخیر نه فقط درهم شکسته نشد بلکه رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا در جهت بازسازی ارگانهای آن و ترمیم ضربات وارده آن کوشید و حتی ارگانهای جدیدی را نیز بر آن افزود و کوشید با تبلیغات فریبکارانه جنایت ارتش را لایوشانی کرده و آنرا غسل تعمید دهد .

تحلیل از ماهیت دولت اولین گام در حرکت آگاهانه نیروهای سیاسی است و میدانید تا نیرویی با این مسئله پاسخ صحیح ندهد در عرصه مبارزه دچار سردرگمی گشته و خطاهای جدی از او سر خواهد زد در چهره رسال اخیرا کثرت زمانهای سیاسی این حقیقت را آشکارا ختنند آنها هرگز نتوانستند بیک تحلیل علمی در این مورد دست یابند و همواره هر تحول کوچکی در دستگناه حکومتی منجر به تغییر موضع آنان و پس گرفتن تحلیل قبلی و

ارائه تحلیل جدید می‌شد. در آغاز تحلیل های آنان ماهیت رژیم حینی را ملی و ضد امپریالیست نشان میداد. بعدها حکومت خرده بورژوازی سنتی و سوزواری لیبرال اختراع شد و با زهم از امپریالیسم در این تحلیل ها خیری نبود آنها با حرارت بتوصیف مشخصات این خرده بورژوازی سنتی و سوزواری لیبرال میپرداختند. و بهر تئاقصی که در عدم انطباق تحلیل خود با واقعیات بر میخوردند به برکت وجود این دو موجود اختراعی بگونه ای آنرا برای خود حل میگردند و جالب آن بود که در زمینه زندگی اجتماعی به دیگر خرده بورژوازی سنی وجود داشت و به موجودی بنام سوزواری لیبرال آنها در عصر انحصارات امپریالیستی در جستجوی سوزواری لیبرال بودند. تا توسط آن تمایلات عملی خویش را برای احتمال آریک مبارزه قاطع علیه رژیم جمهوری اسلامی توجه نمایند و با اعراضه موجودی راه ایمن نام با مشخصات عجیب و غریبی که مشاهده می‌شود سوزواری لیبرال مورد نظر لیسنس بنام آفریدند. در این راستا نقل عملی آریک کتاب مستشرقه از طرف «آریک» بنام سوزواری لیبرال ... بی حساب است.

در آنجا که قسم ... آریک بنام سوزواری لیبرال نقطه اتکالی در مقام منکبت نایب بود که یک اهرم کرده ریس را حاکم کند. مرور این نوشته های مابعد آنکه همین امر را در واقعیات جستجو کنید در ذهن خود دو مفهوم حیالی ساخته اند و آن هر چیز را در چندین بزرگ خلق. حاجا میکسدا این دو مفهوم یکی همان سوزواری لیبرال و دیگری خرده بورژوازی سنتی است.

بر اساس همین تحلیل ها که ما زمانهای سیاسی ایران میدادند بدون آنکه متوجه ما شد دست برد سوزواری وابسته داده و به تربیت خلق میپرداختند و به هر سخن و هر حرکت انقلابی مارک آنرا ریشم. دگما تیسم و او را سوزواری می حسابند.

آنها به بورژوازی وابسته در برپایی مجلس خویش ( مجلس خیرگان ) بجای مجلسی که خلق طالب آن بود (مجلس مؤسسان) یاری رسانند و به انتخابات قلابی این بورژوازی وابسته جنبه واقعی و عمومی بخشیدند. آنها توده های مردم را که خود تا حدودی مضحکه بودن " اشغال سفارت " را حس میکردند ( نمیگوئیم تماما مدرک میکردند) از صبح تا شب بطوی سفارت کشیدند و حالت آنکه عده ای از آنان این کار را با ورقه های جعلی و کالت پرولتاریا که برای خود دست و پا کرده بودند انجام می دادند و صف کارگران تظاهر کننده بیکار را که بعنوان اعتراض به وزارت کار میرفتند به کج راه سفارت میکشاندند و ..... در یک کلام با توجه به شرایطی که بعد از قیام بهمین درجا معه ما حاکم بود و وجه مشخصه آن رشد فزاینده جنبش خلق میباشد اگر هم یاری این نیروهای ستائنی سازشکار نشود به احتمال قوی رژیم خمینی نمیتوانست تا این زمان دوام یابد و در دوره جرات باید که قسمت جنبش صدامیریالیستی ما در شرایط بسیار مساعدی قرار گرفته و راه انقلاب هر چه بیشتر هموارتر میشود.

س (۲) اگر شما این رژیم را وابسته تحلیل میکنید و میگوئید در جهت منافع امپریالیسم قدم برمیدارید پس مصادره اموال سرمایه داران را چگونه تحلیل می کنید ؟

ج (۲) - رژیم جمهوری اسلامی رژیمی وابسته با امپریالیسم است و طبقه حاکم در ایران بورژوازی وابسته میباشد این یک واقعیت است و واقعیت دیگرها بطوریکه اشاره کردید اینست که این رژیم بمصادره اموال سرمایه داران دست میرند ولی در همین جا باید روشن کرد که رژیم بمصادره اموال کدام سرمایه داران و به نفع چه کسی دست میزند ؟

ظواهر ادراحتناقصی به چشم میخورد که در حالیکه رژیم برای

انجاد امنیت جهت سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران وابسته به  
وحشیانه‌ترین وجه بدسرکوب جنش خلق میپردازد در شرایطی  
که قراردادهای اقتصادی ننگین دوران شاه را احیاء کرده و با  
خودبه عقدچنان قراردادهائی با امپریالیستها دست میزند  
اموال بعضی از سرمایه‌داران را مورد دستبرد قرار میدهد؟ ولی  
تناقضی در بین نیست .

در اینجا در شرایط بحران شدید اقتصادی - اجتماعی حفظ  
و بقای سیستم سرمایه‌داری وابسته مسئله عمده و اساسی است که  
عمدتاً با تکیه بر بورژوازی وابسته بوروکرات بدست می‌آید .  
اساساً نقش بورژوازی بوروکرات در ایران با توجه به  
تمرکز در آمد حاصل از فروش نفت در دست دولت که خود مهم‌ترین  
درآمد حاصله است ، تعیین کننده است ، و هر روز افزایش می‌یابد .  
و کلاً ماهواره با تسلط نفوذ بورژوازی بوروکرات در تمام  
حوزه‌های اقتصادی - سیاسی - نظامی ..... مواجه هستیم .  
بورژوازی بوروکرات در اوایل دوره دوران شاه برنامه‌های  
وسعی را برای دست‌اندازی به بخشهای جدیدی از اقتصاد  
مخصوصاً بخش توزیع نادرک میدید . فروشگاههای بزرگ سراسری  
و شرکت‌های تعاونی توزیع در این رابطه موجود می‌آمدند .  
بانکهای دولتی در دوره افتاده‌ترین نقاط کشور روابط اقتصادی  
مردم را کنترل میکردند در جریان مدارزات توده‌ها در اوایل  
دوران شاه این بورژوازی آماج صربه‌های مردم بود و سپس ار  
قیام ۲۲ - ۲۱ بهمین عده‌ای از این سرمایه‌داران حتی از ترس  
خشم خلق فراری شدند ولی اگر مدارزات خلق ضرات بزرگی بر  
بورژوازی بوروکرات وارد آمد با استقرار رژیم جمهوری  
اسلامی این بورژوازی سریعاً شروع به سازماندهی دوباره خود  
کرد و حتی بیش از زمان شاه بخشهای مختلف تولید و توزیع را به  
دست گرفت و سهمین دلیل هم مرور ما با گسترش روز افزون نقش

دولت در زندگی مردم مواحه هسیم . واضح است که اینکار به آسانی صورت نگرفته سارماندهی محدود سوزوازی سوروکرات مسوط به نامس خرج دستگاه سركوب وماشس عظیم سوزوگرتیک است اما در شرایط بحران اقتصادی در سطح جهان وبه الطبع آن سقلیل در آمد سبب همراه ما رشد ما ررات توده های مردم که مردم سر شدت بحران می افراید .

سوزوازی سوروکرات جاره ای جرجیا ول هر چه بیشتر خلق بداشت ولی این سبز جاره سار سبود سار این دست اندازی به حیث سرما یه داران غیر سوروکرات لارم میا مدور رژیم برای حفظ بقای سیستم سرما یه داری واسته به اینکار ما درت میورزد .  
والسینه در انجا سرار آن برای مرتب خلق استفاده کرده وآرا حلوهای دیگر ! ارمباررات " صدامیریا لستسی " حوس حا میرند .

س (۴) - در تحلیل گروهها وسلمار ما سهای مختلف سیاسی دیده میشود که خمینی در اتحاد این رژیم نقشی ایفا کرده است بسظر شما امیریا لسم از خمینی چه استفاده هایی برای سربائی این رژیم کرده است ؟

ج (۴) - قبل از پاسخ به سئوال شما یک نکته را یاد آوری میکنم وآن آنکه ما در مقابل کسانی که تحلیل از ما هیست دولت را از افراد شروع میکردند همواره گفته ایم که چنین تحلیلی ما ر کسستی نیست یک تحلیل ما ر کس - بستی از دولت یا ید سیستم موجود ونقش طبقات را در این سیستم بررسی ما یدوشان دهد چه طبقاتی در راس قدرت قرار گرفته اند ودولت بعنوان ابزار سركوب یک طبقه علیه طبقات دیگر در جهت تامین منافع کدام طبقه قرار دارد وحافظ منافع چه سیستمی است .  
سظر میرسد سئوال شما سبسی رابطه ما اس واقعیت نیست که

اکثر سازمانهای سیاسی با دیدن خمینی در راس حکومت با توجه به اینکه برای شخصی پایگاه طبقاتی خرده بورژوازی قائل بودند فریاد برآوردند که ماهیت حکومت فعلی خرده بورژوازی است و یا وجود افراد و اقلیت و ضد امپریالیست را در حکومت که صرفاً به دلیل شرایط خاص در آن قرار گرفته بودند دلیل بر صحت توهمات خود شدند .

با این یادآوری اکنون به نقش شخص خمینی و استفاده‌ای که امپریالیسم از وی نمود بپردازیم . در جریان اوگیری مبارزات توده‌ها در اوایل دوران شاه یک مسئله برای امپریالیسم مشخص شد و آن اینکه حمایت از شاه و حفظ تخت و تاج او ثمره‌ای ندارد امپریالیسم که متوجه شد با سرکوب توده‌ها نمی‌تواند جلوی رشد و گسترش مبارزات آنان را بگیرد ، نقشه جنگی خود را برکاماشتن چهره‌ها بیکه بهر حال بعنوان افراد مبارز ضد رژیم شاه شناخته میشدند بر سر تهت تنظیم نمود و از این طریق کوشید مسیر مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها را منحرف سازد .

در اس‌میان چهره خمینی بیش از دیگران جلوه داشت آن دیگران چندان مورد توجه نوده‌ها قرار نداشتند . سازشکاری آنان در جریان مبارزات گذشته برای توده‌ها تا حدودی معلوم بود ولی خمینی کسی بود که در سال ۴۲ با انگیزه حفظ منافع روحانیونی که تحت فشار رژیم اختناق شاه قرار داشتند در جنبش توده‌ای ۱۵ خرداد ۴۲ شرکت کرد و بدون آنکه برنامهای ارائه کند که مبین منافع قشری اقشاری از خلق باشد صرفاً به دلیل مقاومت در مقابل شاه مورد حمایت مردم قرار گرفت و این از یک طرف بخاطر فقدان رهبری جنبش بود و از طرف دیگر بدین دلیل بود که مبارزه ضدشاهی او با مبارزه ضد امپریالیستی مردمی که عمدتاً دارای تفکر مذهبی بودند تلفیق گشت .

بهر حال خمینی عاملی شد که شرکت کنندگان در قیام



۱۵ خرداد منافع خود را در وجود او منعکس ساختند. از همین رو وی مقام والائی در جریان این مبارزه کسب کرد. پس از آن او دیگر از صحنه مبارزه خارج شد اگرچه هنوز بعنوان یک مبارز شناخته میشد و حتی بعضی از نیروهای مارکسیستی او را بعنوان نماینده خرده بورژوازی قبول داشتند.

در جریان اوگیری مبارزات توده ها در او خردوران شاه امپریالیسم از موقعیت خمینی بیشترین استفاده را نمود به خصوص که روحانی بودن خمینی با سیاست جهانی امپریالیسم که میگوید از مذهب بعنوان عاملی برای قریب توده ها استفاده نموده و از این طریق در صفوف خلق تفرقه اندازد مطابقت داشت. بالاخره خمینی تن به سازش با امپریالیست ها داد و آنها دستگاه های تبلیغاتی خود را بسطع وی بکار انداختند در فقدان رهبری سیستم تبلیغات امپریالیستی کار خود را کرد و خمینی رهبر توده ها معرفی شد و امپریالیسم از طریق او توانست به بزرگترین مکاری نواستعماری دست زده و جنبش خدا امپریالیستی خلق را از مسراطی خود منحرف سازد.

س (۵) - هم اکنون در صف مخالفین رژیم افراد و سازمانهایی سیاسی وجود دارند که برخی از این افراد و سازمانها حتی در بنای این رژیم نقش فعالی داشتند و دولتی اینک در مقابل این رژیم قرار دارند و خواهان سرنگونی آن هستند. شما این مسئله را چگونه تحلیل میکنید و نظرتان درباره آن چیست؟

ج (۵) - سؤال جالبی را مطرح کردید که برای پاسخ به آن باید به ریشه تحولاتی که با سرعتی فوق العاده زیاد در چهار سال گذشته در میهن ما گذشت اشاره نمود.

با توجه بشرایطی که مبارزات مردم در او خردوران شاه به وجود آورد دولت پس از قیام تمام طبقه بورژوازی وابسته بوروکرات و

غیربوروکرات را در بر میگرفت بخش بورژوازی بوروکرات از آنجا که مستقیم ترین آماج جنبش توده‌ای بود در جریان مبارزات مردم قبل از قیام تضعیف شده بود ولی پس از قیام بار دیگر خود را سازماندهی نمود و بخشهای غیربوروکراتیک نیز که بعینه میدیدند بدون حمایت دولت قادر به سروسان دادن به کار و کسب خود نیستند در سازمان یافتن این بخش کمک زیادی نمودند. اصولاً بورژوازی بوروکرات در کشور ما که بیشترین درآمدش یعنی ارزش حاصله از فروش نفت، در دست دولت متمرکز میباشد، بخش قوی بورژوازی وابسته است بنا بر این با قدرت گیری تدریجی این بورژوازی وضع سابق دوباره برقرار شد و بورژوازی بوروکراتیک توانست دیگران را از قدرت براند.

همه تحولاتی را که در سه سال گذشته در بالادرتی این مدت صورت گرفته با یدبا تجدیدقوای تدریجی این بورژوازی و دست اندازی هر چه بیشتر آن بر بخشهای جدیدی از اقتصاد و همچنین در ضرورت سرکوب جنبش توده‌ای در خدمت حفظ منافع امپریا-لیسم جستجو کرد. به این ترتیب است که میبینیم به تدریج کسانی که زمانی از یاران نزدیک خمینی بحساب می آمدند بعدها مورد غضب وی واقع شدند و کسانی که در بنای رژیم جمهوری اسلامی بیشترین فعالیت ضد خلقی را از خود نشان داده بودند بصورت مخالفین سرسخت این رژیم درآمدند و حتی رئیس جمهور "منتخب مردم" این مرد "یازده میلیونی" که همچنان ننگ جنایت دانشگاه و . . . . . رایدهک میکشد و داغ ننگ سرکوبی مبارزات خلق کرد بر پیشانی اوست امروز بعنوان یکی از مخالفین رژیم سراز پارسی درآمد است در اینجا ذکر این مسئله نیز لازم است که در دولت پس از قیام باید قیام خلق را بحساب آورد.

با توجه به شرایطی که رژیم خمینی در آن بر سر کار آمد

دستگاه دولتی می بایست عناصری را نیز شامل میشد که نماینده طبقه یا اقشاری از طبقات خلقی بودند. و وجود آنها برای قریب نوده ها ضرورت داشت. حضور اینها در دولت پس از قیام به آن در نزد توده ها اعتبار می بخشید در عین حال که دستگاههای اجرایی چنان تنظیم شده بود، که نیت آنان هر چه بود. کاری نمی توانست از دستشان برآید بهر حال این افراد ملی بتدریج با جافتادن دستگاه حکومتی یا کنار گذاشته شدند و یا چنان عرصه را بر خود تنگ دیدند که از آن کنار رفتند. این افراد ملی و صدامیربالیست نیز اکنون در مقابل رژیم قرار گرفته و خواهان سرنگونی آن میباشند.

س (۶) - در آغاز روی کار آمدن رژیم اسلامی، اکثر گروهها و سازمانهای سیاسی یا خواهان انحلال ارتش و یا خواهان اصلاح آن بودند ولی اکثر ا کمیته ها و پاسداران انقلاب را ارکانهای مردمی تحلیل می کردند و برعکس امروز ملاحظه میکنیم که اکثر همگان سازمانها، پاسداران و کمیته ها را ضد مردمی و دشمن خلق تلقی میکنند ولی درباره ارتش نظر روشنی ابراز نمیدارند. به نظر شما این اتخاذ مواضع بر چه پایه ای است؟

ج (۶) - اساس اتخاذ چنین مواضع متناقض در عدم درک نقش امیربالیسم در میهن ما و تحلیل غلط از ماهیت دولت وابسته به آن است.

و بی شک تمایلات عملی نیروهایی که خواهان انقلاب! بی درد سر هستند نیز در آن نقش دارد. ما معتقدیم که ایران بعنوان جزئی ارگانیک از سیستم جهانی امیربالیسم درآمده است و تا زمانی که سلطه امیربالیسم بر جا معه ما حاکم است هر دولتی بر سر کار آید وابسته به امیربالیسم خواهد بود.

ولی بنابه یک اصل مارکسیستی هر دولتی متکی به اربابان و سرکوب خود می باشد، در ایران این ابزار سرکوب همان اربابان و زائده های آن می باشد که ستون فقرات حاکمیت امپریالیستی را تشکیل می دهد بنا بر این سپاه پاسداران و هزارگان دیگری از این دست از نظر ما زائده های ارتش هستند و موضع ما در قبال ارتش و زائده های آن نیز روشن است. از نظر ما برای قطع سلطه امپریالیسم باید ستون فقرات آن را که همانا ارتش و زائده های آن می باشد، درهم شکست. بنا بر این ما هرگز نه ارتش، نه سپاه پاسداران و نه کمیته ها را ارگان مردمی تلقی نکرده و نمی کنیم. ولی در مورد اساس موضع گیری بعضی نیروهای سیاسی که گاه ارتش، گاه سپاه پاسداران را مورد حمایت قرار می دهند باید گفت که آنها زمانی ماهیت رژیم خمینی را خرده بورژوازی تلقی کردند و بنا بر این سپاه پاسداران و کمیته ها را که در رابطه با این رژیم وجود می آید مدافعان نهادهای مردمی خوانده و به دفاع از آن پرداختند و بزعم خودشان برای تکمیل " انقلاب " شعار انحلال یا اصلاح ارتش را دادند بدین ترتیب که ماهیت ضد خلقی ارگانهای نظیر سپاه پاسداران روشن شد و بخصوص با توجه به یورش وسیع رژیم توسط این ارگانها به خلق، آنها موضع قبلی خود را پس گرفته اند ولی عدم درک آنان از ماهیت دولت پس از قیام و از ماهیت امپریالیستی ارتش اجازه نمی دهد که موضع قاطع در قبال آن اتخاذ نمایند.

این جریانات در حالیکه چشمهای خود را بر روی عملکرد چهار رساله این ارتش که چیزی جز سرکوب خلقها نیست می بندند، بنابه تمایلات عملی خود ( که همانا سرنگونی " رژیم خمینی " بدون نابودی سلطه امپریالیستی از طریق استفاده از " گرایشات " درون ارتش و از بالا است ) از " یکپارچه " نبودن ارتش و اینکه " سر " آن رفته و در درون آن نیست

" گرایشات " مختلفی وجود دارند سخن میگویند که البته کوشش آنها حذب " اکثر " اس " گرایش " هاست .

س (۷) - گروهها و سازمانهای سیاسی متحداً معتقدند که اکثریت مردم با رژیم مخالفند و خواهان سرنگونی این رژیم هستند اگر چنین است پس چرا مردم واکنش نشان نمی دهند و چرا حرکات توده ای وسیع دیده نمیشود؟

ج (۷) - البته از عدم واکنش توده ها بطور مطلق نمیتوان صحبت کرد چه علیرغم تمام وحشیگریهای رژیم و علیرغم شرایط اختناق توده ها به اشکال مختلف دست به مبارزه میزنند ولی همانطور که گفتید حرکت توده ای وسیع بحشم نمیخورد .

شرایطی مشابه اس وضع در دوران شاه حاکم بود اگر چه توده ها اکنون از آگاهی و تجربه بسیار بالایی نسبت به گذشته برخوردار هستند و دارای روحیه مبارزاتی قویتری میباشند با توجه به اینکه اکنون در منطقه ای از مین ما مبارزه مسلحانه توده ای در جریان است و البته به همان نسبت هم اختناق شدید تر از گذشته مطرح است . در آن شرایط رفیق کبیرما ، مسعود احمد زاده نوشت " عدم وجود جنبشهای خود بخودی وسیع نه ناشی از رشدناکافی تضادها ، بلکه ناشی از سرکوب مداوم پلیس و بسی عملی پیشرو است " و اکنون نیز اساس مسئله را باید در شرایط اختناق موجود و فقدان رهبری انقلابی که قادر به بسیج و سازماندهی توده ها بوده و چشم انداز وسیع انقلاب را در مقابل آنان قرار دهد جستجو کرد .

امروز دیگر این حقیقت آنقدر واضح است که فکر میکنیم هیچ جریان سیاسی نتواند آنرا انکار نماید . و مثلاً از رشدناکافی تضادها و بهبود وضع اقتصادی مردم سخن بمیان آورد ، علاوه بر اینکه شرایط زندگی اقتصادی مردم فلاکت بار تر از آنست که

بتوان از اینگونه سخنان بزبان آورد، آنها حداقل در دوران شاه دیدند درست در زمانیکه تصور میکردند تضادهای رشدکافی ندارند، مردم به خیابان ریختند و پس از آن دیدند که چگونه وقتی سد دیکتاتوری تا حدودی شکسته شد مبارزات توده‌ها اوج گرفت.

بنابراین اینکه توده‌ها واکنشی از خودشان نشان ندادند بنظر ما درست نیست توده‌ها وسیعاً از رژیم متنفر گشته و آنجا را خود را به اشکال مختلف بروز میدهند و وسیعاً مبارزه مسلحانه علیه رژیم را حمایت میکنند. اما اگر منظور از "واکنش" با توجه به وقایعی که در ایران گذشته انتظار تظاهرات چهار میلیونی توده‌هاست که چنین انتظاری را در شرایط فعلی از مردم داشتن انتظار بی جایی است. توده‌ها بر علیه رژیم مبارزه می‌کنند ولی اینکه برای تظاهرات به خیابان‌ها بیایند، منوط به شکاف در ماشین سرکوب است، منوط به وجود رهبری است. و اصولاً اشکال تظاهرات مبارزات توده‌ها همیشه یکسان نیست و بسته به شرایط توده‌ها به اشکال مختلفی، تنفر خود را از امپریالیزم بروز می‌دهند.

س (۸) - در بین نیروهایی که خواهان سرنگونی رژیم خمینی هستند اختلافاتی موجود است که این اختلافات از جمله درباره ترکیب و ماهیت قدرت سیاسی آینده ایران و نیروی رهبری کننده انقلاب می‌باشد عقیده شما در این مورد چیست؟

ج (۸) - در یکسال اخیر تحول مثبتی در جنبش رخ داده است بعضی از نیروها که خود را از مبارزات مردم با رژیم کنار میکشیدند اکنون به مبارزه‌ای خونین برخاسته اند و بعضی دیگر که شعاً سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را نمیدانند اکنون واقعیتها به آنها پذیرش

این شعار را تحمیل کرده است اما اگر این امر تحول مثبتی است در کنارش این امر منفی نیز برجستگی دارد که این نیروها در حالیکه سرنگونی رژیم خمینی را پذیرفته اند اما بعلت عدم درک رابطه این رژیم با امپریالیسم و تمایلات عملی شان از سرنگونی حاکمیت امپریالیستی چشم پوشی میکنند و در این رابطه است که اختلافاتی در نیروی رهبری کننده انقلاب بوجود می آید ما معتقدیم پرولتاریا باید و میتواند رهبری انقلاب ضد امپریالیستی خلق ما را بعهده داشته باشد و اگر چنین رهبری بوجود نیاید از سرنگونی حاکمیت امپریالیستی هم سخنی نمیتوان گفت درباره قدرت سیاسی آینده ایران در حالیکه بین نیروها نیکه معتقد به سرنگونی حاکمیت امپریالیستی هستند توافق هائی دیده میشود و قدرت سیاسی آینده را مایهتای قدرتی ضد امپریالیستی با شرکت کارگران و دهقانان و خرده بورژوازی میدانیند نیروهای هم هستند که در قدرت سیاسی آینده بورژوازی وابسته را هم شرکت میدهند و با توجه به اینکه مهمترین وظیفه قدرت سیاسی آینده قطع نفوذ امپریالیسم است آنچه که آنها میخواهند روی کار بیاورند در نتیجه مایهتای آن جبروی کار است تقابلی نخواهد داشت .

س (۹) - برخی سازمانهای سیاسی تشدید ترور و اختناق توسط جمهوری اسلامی را بکردن سازمان مجاهدین خلق و یا سازمانها و جریاناتی که معتقد به مبارزه مسلحانه هستند و در صحنه مبارزات حاضرند میگذارند و معتقدند که علت اختناق بیسابقه را باید در حرکات ( افراطی) این سازمانها جستجو کرد ، بنظر شما آیا این نظریه درست است ؟

ج (۹) - این حرف جدیدی نیست که می شنویم از سال ۴۹ که مبارزه مسلحانه در ایران توسط بنیانگذاران

سازمان ما آغاز شد ما با این نوع تبلیغات زیاد مواجه بودیم مبتکران سخنان هم حزب توده بود. همه بیاد دارند که چگونه در شرایطی که چریکهای فدائی خلق برای شکست بن بست مبارزاتی و ایجاد ارتباط با توده ها جان برکف نهاده و به مبارزه مسلحانه علیه رژیم وابسته با میریالیسم شاه برخاسته بودند، این حزب که در عین حال برای شهدای چریک اشک تمساح میریخت سعی میکرد که با این عنوان موجب شرایط ترور و اختناق شده اند اعمال جنایت کارانه رژیم شاه را به نحوی توجیه نماید.

و اکنون چه کسی جز مغرضینی میتوانند این حقیقت را کتمان سازند که اگر پس از یورش سرتاسری و وحشیانه رژیم حضور فعال فرزندان مسلح خلق در صحنه مبارزه نبود چه شرایط طاقت فرسائی برای مردم ایجاد میشد و تا چه حد رژیم در ایجاد روحیه یاس و تسلیم طلبی در مردم موفق میگردد پس از ۳۰ خرداد کار بسیار گرانقدری که بخصوص از طرف سازمان مجاهدین خلق انجام گرفت همین انجام عملیات مسلحانه میباشد ( اگرچه مبارزه مسلحانه تحت رهبری سازمان مجاهدین کم عمق " تاکتیکی " و فاقد دورنمای انقلابی است ) این سخنان که اغلب از دهان کسانی شنیده میشود که برای خود رسالتی جز مخالفت با مبارزه مسلحانه نمیشناسند ولی آنها یکبار دیگر دیدند که چگونه در شرایط حاکمیت امپریالیسم راهی جز مبارزه مسلحانه نیست و دیگر اشکال مبارزاتی نیز باعتبار این مبارزه میتواند رشد یافته و مفید و مؤثر واقع شوند.

البته این واقعیتی است که با رشد مبارزه حاکمیت امپریالیستی مجبور میشود ما هیت درنده خوئی خویش را هر چه بیشتر عربیان سازد و این نیز واقعیتی است که برای انقلابیون راهی نیست جز اینکه برملا کردن ماهیت امپریالیسم و دولت های وابسته به آن توده ها را با واقعیات ( هر چند تلخ ) آشنا



ساخته و آنها را برای تغییر آن نسج و سازماندهی نمایند و در یک کلام اگر ما در ایران با سرکوب و حشانه‌ای روبرو هستیم این — حاصل عملیات مسلحانه نیروها بلکه نتایج — انقلاب عظیمی است که خلق ما در چند سال اخیر به آن دست زده است انقلابی که سراسر جهان امپریالیستی را به لرزه درآورد است .

ب (۱۵) - همانطوریکه میدانید وضع اقتصادی رژیم بسیار اسفناک است کاهش درآمد نفت ، خوابیدن جرخهای تولیدی ، هزینه‌های سرمایه‌آم‌آور جنگ ، گرانی ، بیکاری و ... عواملی هستند که در بررسی کوتاه به حرات می توان گفت ، که باعث سقوط رژیم خواهند شد ولی چرا علیرغم این همه مشکلات با زاین رژیم همچنان پایرجایست ، عامل اصلی بقای رژیم در چیست ؟

ج (۱۵) - آری واقعا هم که اینطور است وضع اقتصادی رژیم بسیار اسفناک است ، بیکاری ؟ گرانی پیدا میکند اما راستی ، پس چرا این رژیم سقوط نمیکند .

فکر میکنیم که به مسئله حالی دست گذاشته‌اید . یعنی به مسئله — انکه ذهن خیلی ها و بویژه بعضی با اصطلاح مارکسیستهای دوآتشه را گرفته است . آنها شبکه در ذهن خویش حساب میکنند با این وضع اقتصادی که رژیم دارد دفاعا عدتا با دیدیش از سه سال از پاشیدگی آن گذشته باشد ، و وقتی در واقعیت می بینند که رژیم هنوز با برحاست از این تضاد بین تحلیلهای خود با واقعیت امر دچار تعجب میگردند . اشکال همه این تحلیلها این است که به تنها مسئله‌ای که توجه نمیکنند همان وابستگی این رژیم به امپریالیسم است . منطقا این بیماریها فی که شمردیداگر در هر ارکان نیز معمولی در این ابعاد بود آنرا از پایدی در میآورد اما این نظام روز خود را به شت میرساند چرا که این اقتصاد روی

پای خودنا یستاده که این بیماریها آنرا از پای در آورد .  
رژیم جمهوری اسلامی از طریق وابستگی میتوانست تقریباً تمام  
احتیاجات کشور را اقل تا مدت معینی از طریق تجارت خارج  
تا مین کند و اگر به تبلیغات یکساله اخیر این رژیم دقت کنیم می  
بینیم که با کشورهای مختلف قرارداد های خرید کالا امضاء میکنند  
خرج آنها را هم با ارز و ذخیره های قبلی با از فروش نفت و یا  
میادله مستقیم نفت و یا حتی از فروش طلای پشتوانه تا میسر  
مینماید همه این کارها برای یک اقتصاد سرمایه داری مرگ آور  
است ولی نظام سرمایه داری وابسته با این اوضاع نیمه جان  
بر سر جای خود میماند .

آنها شیکه در بر خورد با مسائل ایران عامل امیرالایسم رادر  
نظر نمیگیرند و یا با آن بعنوان عاملی که به هر حال نقشی  
دارد ، مینگرند هرگز نمیخواهند به عامل واقعی بقای این  
رژیم دست یابند . و میدانیم که وقتی از وابستگی سخن می  
گوئیم ، بدون شک به ریشه مسئله پرداخته ایم و این وابستگی  
چه از نظر اقتصادی و چه سیاسی و نظامی مطرح است و میدانیم که  
عمده ترین عامل بقای سلطه امیرالیستی قدرت سرکوب کننده  
ارتش ضد خلقی است .

س ( ۱۱ ) - بعد از ۳۰ خرداد که مبارزه مسلحانه شهری ابعاد  
وسعی گرفته بود خصوصاً بعد از اعدام انقلابی سران  
حکومت ، بعضی از نیروهای مخالف رژیم از جمله  
سازمان مجاهدین خلق ایران ، این امید را بوجود  
آورده بودند که بزودی رژیم سقوط خواهد کرد و  
سازمان مجاهدین خلق نیز انتظار داشت که تحت  
تاثیر مبارزه مسلحانه شهری ، مردم وسیعاً وارد میدان  
شوند ، ولی علیرغم این ابتکارات ، بنظر می  
رسد که رژیم توانسته است ظاهراً خود را حفظ کند و

توده‌ها را خودواکنشی نشان نداده اند. معاین شرایط را چگونه تحلیل میکنید؟

ج (۱۱) - صحبت‌ها را انجام برای رژیم جمهوری اسلامی در جامعه - اینکه مبارزه در آن لحظه‌ای خاموشی نمیکشید و توده‌ها با جوشی انقلابی به رشد مبارزه و سرنگونی رژیم می‌انداختند چندان درست نیست، چه بسا که ما توانی رژیم در جلوگیری از رشد مبارزات، امیر - یا لیس را مجبور کند این رژیم را با رژیم دیگری تعویض نماید ولی در آنچه مربوط به سازمان مجاهدین خلق و بانبروهاشی است که توهم سقوط رژیم خمینی و "بمروزی" نزدیک را ایجاد کرده بودند.

باید که رژیم اصولاً آنها استراتژی خود را صرفاً سرنگونی رژیم خمینی قرار داده باشد و تصور میکنند که با سقوط این رژیم - امیرالیسیم نیز نابود شده و یک طبقه خلقی که همانا خورده بورژوازی دمکرات باشد قدرت خواهد رسید بر این اساس آنها بازی به مبارزه مسلحانه در روستا نمی بینند و چنین می‌پندارند که قیامهای مسلحانه شهری برای سرنگونی حاکمیت امپریالیستی کارساز بوده و تنها شیوه درست مبارزه است بر مبنای این تفکر وقتی نیروی بزرگی از مجاهدین وارد صحنه مبارزه جنگ چریکی شهری شود موفقیت‌های زیادی کسب نمود از نظر آنها منطقاً دیگر همه چیز برای سقوط رژیم و روی کار آمدن مجاهدین فراهم شده بود

این اساس آن تفکری است که ما زمان مجاهدین را ایجاد امید واهی در مردم بر میانگيخت و این توهمی است که اصولاً خرده بورژوازی در ایران اسیر آن میباشد. خرده بورژوازی در رابطه با سیستم سرمایه‌داری وابسته خود را با تناقضی مواجه می‌بیند که خود قادر به حل آن نیست.

اوازی که طرف شاهد است که چگونه در اثر گسترش سرمایه گذاریهای امیرالیستی بخصوص پس از اطلاعات ارضی کسب و کاری پیدا نموده و وسیعاً رشد کرده است و از طرف دیگری سبب گسترش هر چه بیشتر همین سرمایه گذاریها احداثیات زیادی سراسر و وارد ساخته و حتی وی را تهدید به بی خانمانی میکنند برای اساس هر چند تا مین منافع خرده بورژوازی در نابودی سیستم سرمایه داری وابسته است و بخودی خود نمیتواند آزار درک کند و از طرف دیگر او بیشترین فشار را از جانب دولت مدافع این سرمایه ها که با ایجاد شرایط احتناق او را شدیداً تحت فشار قرار میدهد دریافت میکند بنابراین خرده بورژوازی در ایران بیش از هر چیز خواهان دموکراسی است خواهان دولتی است که فشار سرمایه های امیرالیستی را از سر او برداشته و زمینه کار و کسب پر رونقی را برای وی فراهم نماید

پس او برای بدست آوردن دموکراسی با هر دولت وابسته که پیشاپیش میدانیم احتناق با وجود آن عین میباید خواهد بود جنگید بدون آنکه در اندیشه نابودی کل سیستم باشد ولی بی اندیشه ایجاد دموکراسی بدون نابودی سیستم امیرالیستی توهمی بیش نیست که نمایندگان خرده بورژوازی سراسری سازش با محافظ امیرالیستی میکنند و طرف گدایی را که با حفظ پایگاه خرده بورژوازی خود، ایدئولوژی مارکسیستی را ظاهراً پذیرا شده اند، بعنوان اپورتونیست در جنبش کمونیستی در میآورد. آنها تحت نام طبقه کارگر زمانی نیز مبارزه با دیکتاتوری فردی شاه را پیش میکشند و سپس با تصور اینکه رژیم خمینی، رژیم خرده بورژوازی است او را مورد حمایت قرار داده و همراه او بغریب خلق میبرد از بدو آنگاه که این رژیم بساط دیکتاتوری را در ابعاد وسیع گسترده در سرنگونی آن سخن بگویند میآورد..... در تمام این صدد

آنها یک چیز را بفراموشی میسپارند و آن نابودی کل سیستم  
و وابسته با میریالیسم است آنها بدون آنکه دشمن اصلی آنان  
امیریالیسم و حاکمیت وابسته به آن است صرفاً با دیکتاتوری  
و اختناق سرچنگ دارند .

در شیوه مبارزه نیز یکسانی کاملی بین اینان و نمایندگان  
رسمی خرده بورژوازی وجود دارد با این تفاوت که اینان برای  
کار خویش توجیهات تئوریک " مارکسیستی " میتراشند و در عمل  
از آن دیگری ها عقب میمانند . اینان بنا م طبقه کارگر  
پیروزی انقلاب را در گرو قیامهای شهری تلقی نموده و تئوری جنگ  
توده ای طولانی را تخطئه مینمایند . بنا م طبقه کارگر کشاندن  
مبارزه را بعرضه اصلی آن " روستا " انحراف از مارکسیسم  
خوانده و در عمل از اتخاذ موضع قاطع در قبال ارتش امیریا -  
لیستی باز میمانند .

حرکت در جهت تشکیل ارتش خلق برای نابودی ارتش امیریا -  
لیستی را " آنا رشیسم " و زبان با زبحال " پرولتاریا " -  
جا میزنند و در میان جا روحانلهای تبلیغاتی اینان تنها  
تئوری انقلابی طبقه کارگر " تئوری م - م " " یو پولیسم " -  
معرفی میشود و شوق دستیابی به " دمکراسی " این مدعیان نمایندگان  
طبقه کارگر را به انکار ضرورت تا مین هژمونی پرولتاریا در  
انقلاب میکشاند . . . . . ریشه همه این نظرات را باید در زمینه  
زندگی مادی خرده بورژوازی جستجو کرد .

تئوری هائیکه از طرف آنان ارائه میشود منطبق بر واقعیت  
نیست و موجب سردرگمی مردم میگردد . آنها همواره از دستیابی  
به پیروزی در آینده نزدیک سخن میگویند و گاه برای رسیدن به  
این پیروزی مدت کوتاهی نیز تعیین میکنند . توهمات  
خرده بورژوازی فقط تحت رهبری پرولتاریا زده شده یا مهار  
میشود . از نیروهای وابسته که گاه نمایندگان خرده بورژوازی

با بهادار خوش می‌کنند کاری برای خرده‌بوررواری ساخته‌بست  
آنها مارهایی هستند که این نمایندگان در آستین علمه خود و  
طبقه کارگرمی پروراند در حالیکه رهبری پرولتری تنها ضامن  
پیروزی انقلاب است و تنها در حاکمه مکرانیک نوین بر رهبری  
طبقه کارگر برپا میشود خواه استهای خرده‌بورروازی برحقیق  
میباشد.

ب (۱۲) - بعد از ۳۰ خرداد "شورای ملی مقاومت" بوجود  
آمد و در ابتدا اینطور وانمود شد که این شورا میتواند  
آلترناتیو خوبی در مقابل رژیم باشد اکنون وضع  
این شورا را چگونه می‌بینید. اصولاً آیا این شورا  
با وضعیت کنونی میتواند به امده‌ها مسائل  
ببرد؟

ب (۱۲) - "شورای ملی مقاومت" ار همان ابتدا با حای دادن  
بسی صد در درون خود با وجودی که چه چه  
حائتکارا و برای مردم خطه شده است هیچوقت  
نتوانست به امده‌ها تبدیل شود.  
جمهوری صدر در شور' بودا عدوان بک فرد مطرح نیست بلکه  
حضور او با بگرو خود یک جریان امیریا لیستی در شوراست  
ماهیت برنامه‌های رژیمستی این شورا سیر خوبی. اهداف  
آثار روشن میکند. سازمان مجاهدین طبق اساسی "شورای  
ملی مقاومت" بزرگترین خطای سیاسی را مرتکب شد و اگر حضور  
فعال مجاهدین پاکیا حتمیست از ۳۰ خرداد در حوضه مبارزه ضد  
امیریا لیستی نبود. طبعاً سازمان مجاهدین در موقعیت دیگری  
قرار داشت. درست است که سازمان مجاهدین هم اکنون بسی  
کوشند از مبارزات صدامیریا لیستی اعضا و هواداران خوش در  
جهت پیشبرد برنامه‌های رژیمستی شورا استفاده نمایند ولی اگر  
عمل معیار حقیقت باشد. صرف نظر از اینکه رهبری سازمان

مجاهدین چه هدفی دارند و چگونه فکر میکنند جایز و فداکاری  
 مجاهدینی که حرفه‌های پروری در فضای اختناق پس از ۳۰  
 خرداد آفریدند، در خدمت رشد مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها  
 قرار دارد، این مبارزات باعث آن شده که رژیم در اجرائی  
 برنامه‌های امپریالیستی که ایجاد روحیه یاس و تسلیم‌طلبی  
 در توده‌ها و به وجود آوردن امنیت برای سرمایه‌های امپریا-  
 لیستی بود، ناکام ماند. سازمان مجاهدین، میتواندست  
 ( و میتواند ) با کشیدن مبارزه به پهنه روستا از طریق استفاده  
 از آن همه نیرو و شور مبارزاتی اعضا و هواداران خویش، به  
 مبارزه ضد امپریالیستی ابعاد وسیعی بخشد ولی آنها این خط  
 حرکتی را تعقیب نمودند که از طریق اقدام سران حکومتی و با  
 کمک ارتش امپریالیستی قدرت سیاسی را کسب نمایند، امری  
 که تصور آن برای یک نیروی انقلابی مرگ آور است.

در حال حاضر سازمان مجاهدین سرخستانه از " شورای ملی مقاومت"  
 دفاع میکند. و دلخوشی نسبت با امپریالیست‌ها باعث شده است  
 نتواند به منحنی واقعی و ثابت قدم خویش یعنی کمونیست‌ها  
 نزدیک شود. سیر واقعیت این پند را به سازمان مجاهدین  
 خواهد داد که اگرخواهد ادامه دهد آرزوهای مجاهدین و  
 یاسدار خون شهدای مجاهد باشند باید هر چه زودتر نیروهای  
 وابسته را ترک گفته و بیش از این باعث اغتشاش صف خلق و ضد  
 خلق نگردند.

س ( ۱۲ ) - ممکن است بگوئید چرا هیچ سازمان و نیروی چپ

شناخته شده‌ای در این شورا شرکت ندارد؟

ج ( ۱۲ ) - با توجه به نظراتی که تاکنون داده ایم بطور خلاصه

اگر بخواهیم به این سؤال جواب دهیم باید گفت :

غیر از برنامه‌های رفرمیستی " شورای ملی مقاومت " حضور

نبی صدر به مناسبت یک جریان امپریالیستی در این شورا

تا کیدما هدی بر مذهبی بودن دولت موقت آئیده که خـود را در عبارت جمهوری دمکراتیک اسلامی نشان میدهد ، عواملی هستند که مانع از آن گردیده که نیروی چپ شناخته شده ای در این شورا شرکت نماید .

س (۱۴) - بعد از ۲۰ خرداد از فعالیت سازمانهای کمونیستی در جنبش تقریباً خیری نبود ، یعنی نقش فعالی که در روزهای قیام ۵۷ داشتند در این رورو روزهای بعد از ۲۰ خرداد نداشتند من فکر میکنم جنبش کمونیستی در داخل ایران در نهایت ضعف و پراکنندگی بسر میبرد فکر میکنید این وضع تا کی ادامه خواهد داشت و کلاً بگوئید ریشه و خصوصیت بحران چپ در ایران چیست ؟

ج (۱۴) - اینکه بگوئید " از فعالیت سازمانهای کمونیستی تقریباً خیری نبود " میطر ما درست نیست . اگر به واقعیت ها توجه کنیم و بخواهیم بدون آنکه بیه تعلیل بشییم تصویری از آن ارائه دهیم می بینیم که اولاً روشفکران کمونیست فعالانه در جنبش شرکت داشتند و اگر " جنبش " را به مفهوم واقعی خود یعنی جنبش ضد امپریالیستی خلق در نظر بگیریم بدون اینکه اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک خود را با سازمانهای دیگر نادیده بگیریم باید بگوئیم بی انصافی است که ما فعالیتهای رفقای کوموله و دیگر سازمانهای کمونیستی را در کردستان ، فعالیت رفقای چریکهای فدائی خلق ( ارتش رها بخش خلقهای ایران ) را در جنگلهای شمال نادیده بگیریم و از فعالیتهایی که چریکهای فدائی خلق تاکنون در کردستان و بیدر عباس داشته اند سخنی نگوئیم . همچنین باید به فعالیت خستگی ناپذیر هواداران چریکهای فدائی خلق در وقایع خرداد ارج نهاد .



اینکه سازمانهای کمونیستی عمدتاً نتوانسته‌اند برپراکندگی  
سروهای خود در سراسر ایران فایق آیند و اینکه امکانات  
تبلیغاتی آنان ضعیف است نباید منجر به کم‌بها دادن به  
فعالیت کمونیست‌ها در مبارزات پس از ۳۰ خرداد شود.

البته ما معتقدیم این هم نیستیم که ابعاد این فعالیت‌ها را از  
آنچه که هست بیشتر حلوه دهیم. بیشک کمونیست‌ها باید واقعیت  
را آنطور که هست بررسی نمایند تا توانائی ارائه راه حل عملی  
را پیدا کنند. اما در مورد ضعف و پراکندگی جنبش کمونیستی  
ایران آنرا ناشی از عدول تئوری انقلابی میدانیم همان‌طور  
که میدانید پس از قیام سازمان جریک‌های فدائی خلق تنها  
سازمان کمونیستی بود که با اقبال توده‌ها مواجه گشت و اصولاً  
کمونیسم از سال ۴۹ به بعد با اعتبار مشی انقلابی جریک‌های  
فدائی خلق مقیام والای خود را در انظار مردم بدست آورد ولی  
عدول این سازمان از تئوری م. م. از یک طرف به خط مشی هائی  
که با شرایط ایران انطباق نداشته و انحرافی میباشند فرصت  
حوالان داد و از طرف دیگر بعلمت عدم بساختن کاپی کامل به ضرورت‌های  
شرایط بعد از قیام چه از طرف سازمان‌های کمونیستی به دلیل در  
پیش گرفتن خط مشی‌های انحرافی چه به دلیل فقدان امکانات  
عملی و ضعف سازماندهی یا ردیگر سن توده‌ها و سازمان‌های  
کمونیستی بطور سبی حدایی افتاد.

ایورتونیم یکبار دیگر بر جنبش کمونیستی سلطه یافته و راه  
خلامی جنبش کمونیستی ارتشتت و پراکندگی، از یک طرف تشدید  
یراتیک انقلابی عمدتاً از طریق انجام مبارزه مسلحانه و از طرف  
دیگر دامن زدن به جریان مبارزه ایدئولوژیک بر سر مرم‌ترین  
مسائل جنبش است.

س (۱۵) - به نظر شما چه قشرها و طبقاتی در جامعه ما انقلابی اند  
و نقش این طبقات و گروه‌های اجتماعی را در انقلاب

آینده چگونه می بینید ؟

ج (۱۵) - بر مبنای تضاد اصلی جامعه یعنی تضاد خلق و امپریالیسم ، صف خلق وضد خلق به این ترتیب مشخص میشود ، در صف خلق طبقه کارگر ، دهقانان و خرده بورژوازی شهری قرار دارند و صف ضد خلق را امپریالیسم و نیروهای وابسته به آن ( بورژوازی وابسته بوروکرات و غیر بوروکرات و خرده بورژوازی وابسته ) تشکیل میدهند .

انقلاب دارای خصلتی دمکراتیک و ضد امپریالیستی است که تمام اقشار و طبقات خلق در آن شرکت میجویند ، در این انقلاب خرده بورژوازی علیرغم اینکه از سنت مبارزاتی خوبی برخوردار است ( بخصوص خرده بورژوازی شهری ) بدلیل شرایط مادی تولید خویش نمی تواند رهبری انقلاب را بدست گیرد و آسرا به سرانجام برساند و تازه اگر خود تحت رهبری طبقه کارگر در مبارزه بدر صحنه سیاست دچار سردرگمی گشته و ملعبه دست بورژوازی وابسته قرار میگیرد . طبقه کارگر بعنوان انقلابی ترین طبقه در جامعه ما و بعنوان پیگیرترین دشمن سلطه امپریالیستی ، با اتکاء به تئوری بین المللی م. ل. میتواند دوباره رهبری جنبش ضد امپریالیستی را بعهده بگیرد .

اصولا از یک طرف با توجه به اینکه مبارزه علیه امپریالیسم ، مبارزه علیه سرمایه را در بر دارد ، لزوم رهبری پرولتری هر چه بیشتر آشکار میگردد و از طرف دیگر آنجا که شرط پیروزی انقلاب مبارزه مسلحانه توده ای طولانی است در جریان این مبارزه کمونیستها بعنوان نمایندگان واقعی طبقه کارگر امکان می یابند با دست زدن به اقدامات انقلابی در زمینه اقتصادی - اجتماعی و بردن ایده های انقلابی بعمان توده ها جهت گیری سوسیالیستی انقلاب را تضمین نموده و انقلاب دمکراتیک بوسی

راه پیروزی رساند. طبقه کارگر در این انقلاب باید همه  
اقتدار طبقات خلقی را در یک جبهه واحد ضد امپریالیستی متحد  
ساخته و با ایجاد فرماندهی واحد برای نیروهای مسلح خلقی  
که در پهنه روستا تشکیل میشود رهبری ارتش خلق را بدست گیرد.  
باین ترتیب طبقه کارگر و خرده بورژوازی شهر و روستا در مبارزه  
ضد امپریالیستی فعالانه شرکت کرده و تا مین هژمونی پرولتاریا  
انقلاب راه پیروزی میرساند.

در اینجا لازم است به نقش حیاتی دهقانان نیز در انقلاب  
تاکید کنیم: اصلاحات ارضی مسئله زمین را برای دهقانان  
حل نکرد. علاوه بر این پس از این اصلاحات روستاهای ایران  
عرضه استعمار سرمایه داری وابسته با امپریالیسم گردید.

سرمایه های امپریالیستی به انحاء گوناگون به غارت  
روستاییان مشغولند. بنا بر این در عین حال که خواست زمین  
بعنوان مهمترین خواست دهقانان مطرح است آنها، آنرا با  
قطع روابط امپریالیستی از روستاها طالبند. مبارزه برای  
مالکیت زمین از همان ابتدا دهقانان را به دست زدن به عالی  
ترین شکل مبارزه یعنی م. م میکشاند. چه هرچای پای  
مالکیت زمین آید مبارزه شکل مسلحانه بخود میگیرد از همین  
رو مبارزه دهقانان بعنوان یک مبارزه کاملاً جدی مطرح است  
که با اوگیری خود ارتش را بمصاف طلبیده و ضربات حائکگاه  
بر امپریالیسم وارد مینماید.

در سالهای اخیر ما خود شاهد این امر بودیم. تحریم  
کردستان و ترکمن صحرا به بهترین شکل نقش انقلابی بسیار  
حیاتی دهقانان را در انقلاب معان نشان داد. بنا بر این برای  
طبقه کارگر که وظیفه متشکل کردن خلق را عهده دارد، نیروی  
دهقانان بعنوان یک نیروی مهم مطرح است. دهقانان متحد  
طبیعی پرولتاریا بوده و توان یک مبارزه جدی را دارا میباشند.

روستا عرصه قطعی ترین مبارزه برضدارگانهای سرکوب امپریالیستی است و با توجه به مسأله اساسی انقلاب یعنی قطع سلطه امپریالیستی ، روستا جایست که باید با استفاده از کشاورزی مشکلات ناشی از رهایی از وابستگی را در آنجا حل نمود .

س (۱۶) - برخی از سازمانها و شخصیت های سیاسی این رژیم فاقد برنامه اند و یکی از خصوصیات این رژیم بی برنامهگی آن است . بنظر شما این نظریه درست است ؟

ج (۱۶) - کسانی که فکر میکنند این رژیم فاقد برنامه است اشتباه میکنند ، رژیم جمهوری اسلامی بر اساس برنامه امپریالیسم برای فریب توده ها و سرکوب مبارزات آنان بر سر کار آمد حفظ نظام سرمایه داری وابسته ایران در شرایط بحران جهانی از طریق کنترل و سرکوب مبارزات توده ها برنامۀ رژیم جمهوری اسلامی بود ، در زمینه اقتصادی رژیم از همان ابتدا با سرکوب مبارزات کارگران ، با باز پس گرفتن زمین های صادره شده از دهقانان ، با ملی کردن بانکها و ادامه قرارداد های اقتصادی گذشته و عقد قرارداد های جدید امپریالیستی برنامه حساب شده ای را در جهت حفظ منافع امپریالیسم پیش برده است ، در زمینه مبارزه با تورم از طریق ایجاد رکود که برنامه جهانی امپریالیسم برای مقابله با بحران است این رژیم با ایجاد کنترل دولتی بر امر تولید و بخصوص توزیع طبق برنامه حرکت میکند .

در زمینه سیاسی ، از همان ابتدا حمله به آزادیهای که خلق دلاور ، با دادن هزاران قربانی بدست آورده بود ، رژیم

برنامه حساب شده‌ای را پیش برده است. او حتی پلیس سیاسی را که در اثر مبارزات توده‌ها در دوران شاه متلاشی شده بود — بازسازی کرده و با عنوان سا و اما آرا باحان خلق انداخت. قانون اساسی جدید را تحت پوشش اسلام که به مراتب ارتجاعی تر از قانون قبلی است و با منافع بورژوازی وابسته کاملاً انطباق دارد را نوشت و تحت "ولایت فقیه" دیکتاتوری بورژوازی وابسته رایج‌ترین شکل به نمایش گذاشت. در گذشته بهر حال بعضی مواد قانون اساسی مانع از آن بود که شاه به این دیکتاتوری جنبه رسمی بخشد. همه اینها نتیجه یورش جدید امپریالیسم است که بدسال عقب نشینی تاکتیکی او بر نامه ریزی شده.

پس از ۳۰ خرداد نیز بر نامه رژیم در زمینه سیاسی سرکوب هر چه شدیدتر مبارزات خلق از طریق نابودی سازمانهای سیاسی احاد و روحیه باس در مردم و اشغال مجدد کردستان می باشد. در زمینه نظامی حرکت رژیم در جهت بازسازی ارتش و سرو سامان دادن به دیگر ارکانهای سرکوب خود بود که بیشتر بس نیروی خود را در این زمینه مکاربرد.

در زمینه فرهنگی رژیم کوشیده است فرهنگ امپریالیستی را اس بار تحت پوشش مذهب بر جا معه مستولی سازد. در اینجا تذکر دو مطلب لازم است. یکی اینکه اگر مبارزات توده‌ها در زمینه‌های چندی پیش در برنامه‌های رژیم را با مشکل مواجه ساخته و با اخلاقی در آن وارد ساخته اند در نتیجه حرکت رژیم دارای زیگراکهایی است که این میثی برسی بر نامه می رژیم نیست و تذکر دو م اینست که با بد این تفکر ساده لوحانه را که گویا مردم ایران با مثنی آخوند سروکار دارند که منطقاً نمیتوانند حرکات خود را بر نامه ریزی نمایند بدور انداخت. در اینجا سرو کار ما با سوز و آزاری وابسته است که بر نامه‌های خود را از طریق

" مثنی آخوند " به اجرا در میآورد .

س (۱۷) - قیام بهمن ماه ۵۷ چه تغییراتی در وضعیت نیروها و کیفیت مبارزات توده‌ها بوجود آورده است ؟

ج (۱۷) - قیام بهمن ماه در ساخت اقتصادی - اجتماعی جامعه ما وبالطبع در آرایش نیروهای طبقاتی هیچ گونه تغییری ایجاد ننمود ولی این قیام در ارتقا روحیه مبارزاتی توده‌ها و شناساندن نیروی لایزال آنها بخودشان نقش مهمی ایفا کرد و توده‌ها را وسیعاً به صحنه سیاست کشاند و تجارب ناشی از آن مبارزات آگاهی توده‌ها را وسیعاً رشد داد .

مبارزه مسلحانه بعنوان شکل اصلی مبارزه که قبلاً نیز از طرف مردم پذیرفته شده بود اینبار هر چه ملموس تر با تن و گوشت مردم تنیده شده و با گسترش مبارزه مسلحانه توده‌ای در بعضی از مناطق انقلاب صدا مپریالیستی رشد یافت . میتوان گفت یکی از بزرگترین دستاوردهای قیام ۲۱-۲۲ بهمن همین باشد که مبارزه مسلحانه بعد از آن مقام والای خود را کسب نمود .

بیهوده نیست آن جریاناتی که همواره فریاد زده اند مبارزه مسلحانه این " مثنی چریکی " فرسنگها از ما رکسیسم فاصله دارد و بدون تشکیل حزب نمیتوان دست بسلاح برد ، امروز حیات سیاسی خود را در انجام همین مبارزه مسلحانه می بینند و بدون آنکه قادر باشند انطباق آنرا با تئوری های انحرافی خود نشان دهند به آن مباردت می ورزند . این نیز دستاورد مثبتی است که حاصل تغییراتی می باشد که در مبارزات توده‌ها بوقوع پیوسته است .

س (۱۸) - برای پیروزی انقلاب چه شکلی از مبارزه را عمده میدانید و اصولاً برنامه عمل پیشنهادی شما در این خصوص چیست ؟

ج (۱۸) - م . م . توده ای طولانی شکل عمده مبارزه است که بدون آن انقلاب به پیروزی نمیرسد ، از یک طرف دیگر اعتقاد ما بر این است که بدون استفاده از سایر اشکال مبارزاتی و گمانه بازی کردن آن اشکال در جهت اصلی مبارزه جنگ توده ای سبزرشد نخواهد کرد . بر این مبنا ما ضمن مشخص کردن شکل اصلی مبارزه ، این شعار را مطرح میسازیم که " باید در مبارزات توده ها در هر شکل و سطحی که باشد شرکت کرد و آنرا ارتقاء داد " اصولا همواره برای ما که به جنگ توده ای معتقد بوده و به انجام مبارزه مسلحانه مبادرت میورزیم ، این ساله مطرح بوده است که با ایجاد ارتباط ارگانیک با توده های خلق رسته توده ای شدن مبارزه مسلحانه خود را فراهم نمائیم .

در حال حاضر ما سازماندهی و انجام مبارزه مسلحانه را بعنوان وظیفه عمده اصلی خود در این مرحله میدانیم و معتقدیم این وظیفه از طریق شرکت در جنگ معاً و منتهای خلق کرد ، تشکیل هسته های سیاسی - نظامی در شهرها و ایجاد دسته های متحرک پارتمزانی در روستا تحقق مییابد .

همچنین با توجه به بی ثباتی سیاسی رژیم ، از هم اکنون کوشش میکنیم آمادگی های لازم را برای اتخاذ تاکتیکهای گوناگون در تحول اوضاع سیاسی آینده به وجود آوریم .

س (۱۹) - اگر معتقد به مبارزه مسلحانه هستید ممکن است بگوئید چرا تا کنون این شکل از مبارزه ، یعنی مبارزه مسلحانه قادر به بسیج واقعی توده ها نشده است ؟

ج (۱۹) - این سخن حقیقت ندارد هم اکنون در مناطقی از میهنمان در کردستان ، توده ها برای مبارزه بسیج و سازماندهی شده اند و فکر نمیکنم کسی بتواند آنرا آنکار کند که این امر بدون مبارزه مسلحانه امکان

پذیر بود. در تجربه سه سال گذشته نیز دیدیم هر جا امکان بسیج  
و سازماندهی توده‌ای پیش آمد این امر فقط در پرتو مبارزه  
مسلحانه حاصل شد. روی آوری توده‌ها بسوی سازمان چریک‌های  
فدائی خلق در سال ۵۷ بدلیل پشتوانه ۸ سال مبارزه مسلحانه  
این سازمان بود که بهترین زمینه را در جهت بسیج و سازماندهی  
توده‌ها فراهم آورد و دیدیم که چگونه اعتبار چریک‌های فدائی خلق  
در نزد خلق ترکمن امکان سازماندهی مسلح این خلق و گسترش  
م. م. توده‌ای را بوجود آورد و با زدیدیم عدول این سازمان از  
تئوری م. م. چگونه توده‌ها را از این سازمان جدا نمود.  
ما کماکان اعتقاد داریم که بدون م. م. امکان بسیج و سازمان-  
دهی توده‌ها وجود ندارد. وسیروا قعیت نیز تا کنون صحت این  
نظر را نشان داده است.

س (۲۵) - فکر میکنید چه شکلی از حکومت برای آینده ایران  
مناسب است و قار این رابطه نقش طبقات مختلف را  
توضیح دهید؟

ج (۲۵) - در پاسخ سئوالهای قبلی به نحوی این موضوع را  
توضیح دادیم و در اینجا بطور خلاصه بگوئیم. انقلاب  
در ایران در جریان یک جنگ توده‌ای طولانی که در آن  
ارتش خلق برهبری طبقه کارگرستون فقرات امپیر-  
یالیسم یعنی ارتش را درهم می شکند به پیروزی  
می رسد.

دهقانان و خرده بورژوازی شهری در این انقلاب متحدین طبقه  
کارگر هستند که بدون اتحاد آنان انقلاب به پیروزی نمیرسد.  
پایگاه طبقاتی دولتی که بعد از پیروزی روی کار میآید، همان  
طبقاتی خواهد بود که در انقلاب ضدا امپریالیستی کنونی شرکت  
دارند. کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهری و طبیعتا  
طبقه کارگر در این دولت هژمونی خواهد داشت.



به این ترتیب دولت آینده . دولت جمهوری دمکراتیک نوین  
میباشد .

س (۲۱) - ضامن دمکراسی آینده چیست ؟ فکر میکنید کدام طبقه  
میتواند آن را تضمین کند ؟

ج (۲۱) - ضامن دمکراسی آینده رهبری پرولتری انقلاب است  
که با سرکوب نیروهای وابسته با میریالیسم دمکراسی  
را تضمین کرده و جامعه را در جهت ایجاد دوسوع ترین  
دمکراسی ها پیش می برد .

س (۲۲) - با توجه به این که شرایط بسیار مساعدی برای  
سازماندهی طبقه کارگر در جامعه ما وجود داشته است ،  
پروژه تشکیل حزب طبقه کارگر ایران را چگونه  
می بینید ؟

ج (۲۲) - حزب طبقه کارگر حاصل تلفیق جنبشهای خودبخودی  
کارگری با آگاهی سوسیالیستی است .

پروژه تشکیل حزب همواره قرین بوده است با رشد جنبشهای  
خودبخودی کارگری ، وحدت سازمانهای کمونیستی در عرصه  
مبارزه همه جانبه علیه دشمن و در پروژه مبارزه ایدئولوژیک بین  
آنان و در ارتباط این سازمانها با جنبشهای کارگری جهت  
بردن آگاهی سوسیالیستی به میان آنان .

در شرایط جامعه تحت سلطه ما که بدلیل دیکتاتوری و اختناق  
حاکم جنبشهای کارگری از رشد و گسترش بازمی ماندند طبقه  
کارگر در جریان یک مبارزه مسلحانه طولانی شکل یافته و بخود  
آگاهی میرسد ، در حقیقت در پرتو شرایطی که این مبارزه می  
آفریند جنبشهای خودبخودی طبقه کارگر پیاپی گرفته و گسترش می  
یابد و با این ترتیب امکان تماس روشنفکران کمونیست با  
طبقه خود ایجاد میشود . بطور خلاصه باید گفت حزب طبقه کارگر  
در ایران در جریان اوجگیری مبارزه مسلحانه و در جریان پیوند

یافتن این مبارزه و سازمانهای درگیر این مبارزه با طبقه و بسط و گسترش متقابل مبارزات طبقه کارگر موجود میآید. پس از قیام بهمن جنبشهای خودبخودی کارگری گسترش یافت و در شرایط شبه دموکراسی موجود بهترین زمینه برای بردن آگاهی سوسیالیستی بمیان کارگران بوجود آمد.

این شرایط چگونه میتواندست حفظ شده و اعتلا یابد. مآدر شرایطی که نیروهای اپورتونیست از یکطرف انرژی خود را برای شرکت در مبارزات اقتصادی طبقه کارگر متمرکز کرده و از طرف دیگر بایستی پرنسیپی حیرت آوری این انرژی را صرف رد تئوری انقلابی طبقه کارگر مینمودند، گفتیم که اگر کمونیستها به وظیفه اصلی خویش که همانا شرکت در مبارزه مسلحانه خلقها و گسترش این شکل از مبارزه به روستا است عمل نکنند امپریالیسم یک شبه تمامی ملتینگها، تظاهرات، شوراها و کارگری و..... را درهم خواهد کوبید و هر نوع امکان تاثیر گذاری بر مبارزات طبقه کارگر را برای این شکل از زمین خواهد برد.

بهر حال با غلبه اپورتونیسم بر جنبش کمونیستی و بازماندن کمونیستها از انجام اصلی ترین وظیفه خود یعنی سازماندهی مسلح توده ها حکومت سرنیزه یکبار دیگر بر فضای میهن ما سایه انداخت و بار دیگر شرایط مناسبی که برای ارتباط روشنفکران کمونیست با طبقه کارگر بوجود آمده بود، از بین رفت و باز باید تا کید کرد که یکبار دیگر ثابت شد که پروسه ساختن حزب طبقه کارگر در ایران پروسه ای است طولانی و متناظر است با پروسه ساختن ارتش خلق.

س (۲۳) - درباره جنگ ایران و عراق بگوید این جنگ را چگونه تحلیل میکنید، آیا این جنگ در بقای رژیم اسلامی نقشی داشته است. و در مبارزات توده ها چه تاثیری گذاشت. و تدویم آن چه سودی برای رژیم

اسلامی ایران دارد ؟

ج (۲۳) - جنگ ایران و عراق جنگی امپریالیستی است ولی امپریالیستی بودن این جنگ بمفهوم آن نیست که امپریالیستها برای الحاق مناطق یا تجدید تقسیم مناطق تسخیر شده بین خود همانند جنگ جهانی اول و دوم با یکدیگر به نزاع پرداخته باشند .

همچنین این جنگ را نمیتوان با منافع بورژوازی وابسته دو کشور تعیین کرد . حتی این جنگ نتیجه تضاد امپریالیستها با رویزیونیستها نیست . جنگ ایران و عراق جنگی است که با توافق امپریالیستها و رویزیونیستها و تحت کنترل آنها گسترش یافته است و هدف از آن فراهم کردن زمینه برای کنترل جنبش توده ها با ملیتاریزه کردن منطقه میباشد . ما ارتش عراق را در سرزمین خودبخشی از ارتش امپریالیستی میدانیم که با هدف سرکوب مبارزات خلق به سرزمین ما یورش آورده است اگر خوزستان را بعنوان منطقه ای که بخشی از اهداف این جنگ در آن پیاده شده در نظر بگیریم ، می بینیم که در اثر این جنگ چه بر سر خلق مبارزان این منطقه وارد آمد .

خوزستان منطقه ای بود که مبارزات کارگران شرکت نفت که خود از آگاهی و سنت مبارزاتی خوبی برخوردار بود ، با مبارزات توده بزرگی از کارگران این منطقه و با مبارزات خلق عرب آن پیوند می خورد بخصوص که واقعه جنایتبار سینما رکس آبادان هم انگیزه مبارزاتی برای این خلق فراهم نموده بود . مدتی مدنی جلاد به نمایندگی از رژیم جمهوری اسلامی کوشید از رشد و گسترش مبارزات این خلق جلوگیری بنماید و حتی پیش از مناطق مشابه دیگر در آنجا حمام خون به پا ساخت ولی مبارزات مردم اوج گرفت و رژیم را در اهداف خود ناکام ساخت .

با این حال دیدیم که چگونه جنگ ایران و عراق به همه ایمن

مسائل مبارزاتی باصطلاح پایان داد و مسئله جنگ و آوارگی ناشی از آن را بعنوان اصلی ترین مسئله زندگی در مقابل آنان نهاد. رژیم جمهوری اسلامی پس از آغاز جنگ ایران و عراق دستاویز خوبی برای سرپوش گذاشتن بوضع نابسامان اقتصادی پیدانمود. دولت توزیع ضروریات زندگی روزمره مردم را اساسا بدست خود گرفت و بجیره بندی این مواد پرداخت و در زمین سیاستی یکبار دیگر فرصت خوبی برای سرکوب مبارزات مردم پیدانمود و هر اعتراض را به این عنوان که فعلا در حالت جنگی بسر میبریم خاموش ساخت.

رژیم جمهوری اسلامی بنام جنگ با عراق و دفاع ارمیهن به موفقیت بزرگی در زمینه انسجام بخشیدن به ارتش نائل آمد.

بیش از جنگ با توجه به فعالیت مبارزاتی برسرا نقلابی و مترقی ارتش در درون آن کسبختگی بوجود آمده بود که در جریان جنگ انسجام لازم بدست آمد. همچنین اگر در این جنگ افراد بیشعاری جان خود را از دست داده اند در عوض نیروی بزرگی از ارتشیان و سپاه پاسداران که در جریان جنگ کارگشته گشته اند در اختیار امیرالایم برای سرکوب خلقها قرار خواهد گرفت.

س (۲۴) - سؤال بعدی درباره کردستان است. چنانکه

میدانید در بخش وسیعی ارمیهن ما، یعنی کردستان

مبارزه مسلحانه جریان دارد و قریب چهار سال است

که ارتش و سپاه و کمیته ها نتوانسته اند خلق قهرمان

کرد را بزانو در آورند و به موفقیت های چشمگیری

برسند. به نظر شما این مبارزه در رابطه با انقلاب

ایران چگونه است و کلا بگوئید بدانیم که درباره

خودمختاری و تامین حقوق خلقهای ستمدیده ایران

چگونه میاندیشید و چه پیشنهادی دارید؟

ج (۲۴) - مبارزات قهرمانانه خلق کرد در چهار سال اخیر

نقش بسیار مهمی در انقلاب ضد امپریالیستی خلقهای میهنمان داشته و دارد. مبارزه خلق کرد علیه تمام فرازونشیبها و ضعف رهبری تاکنون دلاورانها را دامیافته و به همین دلیل نیز بزرگترین امید انقلاب ما را تشکیل میدهد. کوششهای رژیم وابسته با میریالیسم جمهوری اسلامی برای سرکوب این مبارزات تاکنون موفقیت چندانی نداشته و مبارزه مسلحانه توده ای در کردستان منجر به آزاد شدن مناطق وسیعی گشته است.

برنامه رژیم پس از قیام، سازمان دادن نیروها و ایش برای هجوم قطعی و سرکوب کامل مبارزات توده ها بود، ولی مقاومت سرسختانه خلق کرد به اعتبار مبارزه مسلحانه ای که میکند کوششهای رژیم را در این زمینه با موانع بسیاری مواجه ساخته است. با این اعتبار مبارزه مسلحانه توده ای کردستان بحق نقشی بسیار مهمی در انقلاب ما ایفا میکند. به همین دلیل ما جنبش خلق کرد را در چهار سال اخیر کانون اصلی انقلاب ایران می دانیم. در رابطه با مسئله خودمختاری بر اساس اصل حق ملل در تعیین سرنوشت خویش خواهان خودمختاری برای کردستان هستیم و با توجه به اینکه رهایی پرولتاریا شرط ضروری رهایی ملی است این آگاهی را بدرون خلق کرد میبریم که بدون قطع سلطه امپریالیسم و تحقق جمهوری دمکراتیک نوین، خودمختاری بمعنای واقعی کلمه قابل تحقق نخواهد بود و در نتیجه مبارزات خلق کرد را برای خودمختاری در جهت قطع سلطه امپریالیسم هدایت میکنیم.

س (۲۵) - نظر شما درباره دخالت مذهب در حکومت چیست؟

و هما نظوریکه میدانید سا زمان مجاهدین در مذهبی بودن دولت آینده اصرار دارد، در این باره چه فکر می کنید؟

ج (۲۵) - مذهب امر خصوصی افراد است هر کس آزاد است همیشه

مذهبی داشته باشد و یا اصلاً مذهبی نداشته باشد برای —  
مسئله تا میں حقوق دمکراتیک مردم در تمام وجوه ایجاب میکند  
که در یک حکومت دمکراتیک مذهب دخالتی نداشته باشد .

در مورد اصرار سازمان مجاهدین خلق هم بر روی مذهبی  
بودن دولت آینده باید بگوئیم که این سبب یکی دیگر از اشتباهات  
مجاهدین است آنها به بهانه اسلامی بودن ایدئولوژی خود و  
مسلمان بودن مردم ایران برای اصرار میورزند . شاید  
آنها تصور کنند که با این ترتیب هژمونی خویش را تا میسر  
می نماید و غافل از آنند که متحدین واقعی آنان کمونیست ها  
هستند نه محافل بورژوازی وابسته و مادام که در این راه قدم  
بردارند راه انقلاب هموار نمیشود .

آنها در مقابل اعتراض کمونیست ها به این شکل اتحاد  
مناسفانه به بدترین شکل به یا سخگویی می پردازند و اصرار  
آنها مراه کمونیستها میزند که گویا در این مؤذدیا حریاسات  
وابسته بطور " موضعی هم که شده " " همسو و هم جهت و یا همدل و هم  
نظر " میباشد . این نکته را باید به مجاهدین تذکر داد که ما  
هیچ وجه معتقد به مبارزه " ضد مذهبی " نیستیم و اگر کسانی  
بنام کمونیسم بشیوه نادرستی با مسئله مذهب و اسلام برخورد می  
کنند مورد تا بید ما نبوده و نیست و با بدای سگونه برخورد هارا  
به حساب همه کمونیستها گذاشت همانطور که ما اسلام خواهی  
سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را بحساب مجاهدین نمیگذاریم  
و بقول خود مجاهدین " هیئات که در جهان واقعیات هرگز نمی  
توان اشتباهی را با اشتباه دیگر جبران کرد . " اگر مجاهدین  
سهمین حرفشان با بیند بودند هرگز نمی بایست به آنگونه  
تلیغیات غلط علیه کمونیستها دست برنند و از امروز تاریخ  
آینده را بنویسند و بگویند اگر ما شکست نخوریم ، تقصیر

کمیونتهاست وار " نداعی دوران مرحوم مصدق " نام بیرسد .  
ار نظر مایکی ار مسائلکی که در این سراط حساس انقلاب صد  
امیرالایسی ما را هدید می کند همین پراکندگی بیروه های  
انقلابی است و کوشش همه بیروها شیکه واقعا قلبشان بی برای  
انقلاب ایران می پیدا بد مصروف اتحاد بین همه بیروه های صد  
امیرالایستی گردد . محاهدین از تجربه " مصدق " درس غلطی  
گرفته اند تاریخی که بیورژواری واسته در این مورد می نویسد  
است که مصدق شخصی ملی بود که قدرت رسید ولی آنقدر  
کمیونتهادر کارس کارشکی کردند که بالاخره ساقط شد .

انها در محاسبات خود حرت توده را " کمیونتها " حامیزند و  
وقایع تاریخی را سیرکلا و از کوبه خلوه میدهند اگر عوام فریبان  
کمیونتها سلاطین لوجان بنا ور کردند که مصدق را صرفا کارشکی های  
حرب توده سیرگون کرد اما امیرالایسم میداست که مصدق را ارتش  
سیرگون کرد . حرب توده خائنها به در مقابل اقدامات ضدا میریا -  
ایستی مصدق ایستاد در اس حرفی نیست ولی مصدق میخواست  
دولت ملی را یکمک ارتش ساهتاهی بنا کند . میخواست  
مناره ضدا میریا ایستی را با وجود حفظ فتوای ایسم صورت دهد و  
میخواست اصلاحات مورد نظر خود را به سانه خلق بلکه از راه  
پانسون و مجلس انجام دهد .

انها بود که حکومت ملی او را غیر ممکن میکرد و اینهاست درسی  
که محاهدین باید از تاریخ بگیرند .

س (۲۶) - در اوایل روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی موارد  
متعددی دیده شد و هم اکنون بیزجسته گریخته ادامه  
دارد که رژیم بماداره اموال بعضی از سرمایه داران  
می پردازد شما این مسئله را در رابطه با ماهیت رژیم  
چگونه تحلیل میکنید ؟

ج (۲۶) - در سوال سوم شما با این مسئله پاسخ گفتیم .

س (۲۷) - همانطور که میدانید رژیم جمهوری اسلامی مدتی  
مصکحه اشغال سفارت آمریکا را بر راه انداخت . به  
نظر شما این عمل چه منافی برای رژیم در برداشت .  
موضع شما در آن زمان در این مورد چه بود و اکنون  
آنرا چگونه بررسی میکنید ؟

ج (۲۷) - رژیم مصکحه تسخیر سفارت آمریکا را در شرایطی بر راه  
انداخت که مبارزات ضد امپریالیستی توده ها هر دم  
اوج میگرفت .

تهاجم نظامی رژیم به ترکمن صحرا و کردستان و مقاومت ———  
سختانه این خلقها در مقابل آن و بخصوص جنایاتی که رژیم در  
کردستان مرتکب شد چهره پلید رژیم را در انظار خلق افشاء ساخت  
با اوجگیری مبارزات توده ای در اقصی نقاط میهن و عدم تحقق  
خواسته های مردم از طرف رژیم باعث آن شد که بتدریج قشرهای  
وسعی از مردم از رژیم جدا شوند . بخش های آگاه خلق بتدریج  
پی به ماهیت ضد خلقی رژیم میبردند و بخش های دیگر گویی که از  
خواب سنگینی بر میخیزند تا با و رانه به آنچه جلوسوی  
چشمانشان میگذشت مینگریستند و احساس اینکه فریب خورده اند  
هر دم در آنان شدت میگرفت . رشد مبارزات توده ها اساس  
حکومت جمهوری اسلامی را با خطر مواجه ساخت و جناحهای هیئت  
حاکمه را بجان هم انداخته بود اگر چه هم آنان در سرکوب جنبش  
توده ای و حفظ سیستم متفق القول بودند ولی ارائه راه حل های  
متفاوت برای حفظ سیستم از طرف هر یک از جناحهای درون  
هیئت حاکمه تضادهای آنان را تشدید می نمود .

لازم بود مبارزات خلق با شدت بیشتری کوبیده شود و راه حلی  
برای پایان دادن به تضادهای درون هیئت حاکمه اتخاذ گردد  
در چنین اوضاع و احوالی فقط یک سیاست نواستعماری یعنی  
سیاستی که با ظاهری آراسته هدفی امپریالیستی را محیلانه به



سمايش بگداردميتوانست چاره ساز باشد. تسخير سفارت آمريکا همان سياست نواستعماري بود که بر زمين جمهوري اسلامي امکان داد بکنار ديگر خود را رژيمي ملي و صداميرياليست و انتمسود ساخته و بفریب توده ها دست بريد و در عين حال تحت ميبارزه صداميرياليستی کذابی مبارزه صداميرياليستی توده ها را سرکوب سازد. اشغال سفارت آمريکا بصورت حوض مقدس در آمد که همه کسانیکه دستشان بخون خلق و بخصوص خلق کردآلوده بود. دستشان را در آن شسته و آب نمک بر سر خویش ريختند.

همچنين با اين عمل تصفيه هاي در درون دستکاه حکومتي بوجود آمد و جناحي سردیگران تفوق يافت. اين تحليلي بود که ما در همان روزهاي اول پس از مضحکه اشغال سفارت در ميان کار و حالهاي تلميعاتي رژيم ارائه داديم. همچنين ما نشان داديم که چگونه اميرياليستها و بخصوص اميرياليست آمريکا از آن براي بسج افکار عمومي جهان در جهت منافع خود استفاده کردند و چگونه آمريکا کوشش کرد در زمينه رواني مداخله نظامي مستقيم در منطقه را که با توجه با ثرات منفي مداخله نظامي او در ويتنام روي مردم آمريکا آن احتياج داشت فراهم نمايد.

در آلمان نقریبا اکثر جريانات سياسي موجود که هم صدام رژيم تسخير سفارت را یک اقدام صداميرياليستی از طرف رژيم جمهوري اسلامي قلمداد ميکردند نظرات ما را چپ روانه خوانده و در عين حال که وسيعا همراه رژيم بکار فریب توده ها مشغول بودند ما را در نزد توده ها بعنوان دگماتيست و آنارشيست معرفی نمودند و لي نه سياست نواستعماري و نه بازار گرم تلميعات عوامفريبانه جريانات سازشکار عليه ما هرگز باعث نشد که ما لحظه اي از ذکر واقعيت اباکنيم. چريکهاي فدائسي خلق يکبار ديگر نشان دادند که منافع جزمنافع خلق ندارند و بدین جهت هرگز از بازگويي حقايق بمردم خویش باز نهي مانند

مادر میان فریادهای تبلیغاتی رژیم و جریان‌های سازشکار شعار میدادیم " مرگ بر آمریکا مرگ بر فریبکاران " بعدها که سیر واقعیت پرده از سیاست نواستعماری درید و حقایق آشکار شد هیچیک از جریان‌های سازشکار صافانه به انتقاد از خویش نپرداختند و حتی سازمان مجاهدین که بیشترین نقش فریبکارانه را در جریان سفارت داشت و بقول خودبوی خوش وحدت و طعم شیرین انقلابی از آن جستجو میکرد، با کمال تعجب مدعی شد که از همان ابتدا به‌کنه مسئله پی برده است و با حق بجانبی شروع به انتقاد از دیگران کرد .

مواضع مادر ۴ مقاله تحت عنوان " مرگ بر آمریکا مرگ بر فریبکاران ۱ و ۲ و ۳ " و " تسخیر سفارت آمریکا و موضع مجاهدین " که در مقاطع مختلف که مضحکه سفارت جریان داشت نوشته شده، روشن است و ما اکنون نیز بر آن نظرات پایداری می‌فشاریم و همان‌طور که گفتیم سیر واقعیت حقانیت مواضع ما را آشکار ساخت .

س (۲۸) - مرحله و ماهیت انقلابی کنونی ایران را چه میدانید و مناسبات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی را پس از سقوط رژیم اسلامی چگونه پیش بینی میکنید؟

ج (۲۸) - در نیم قرن اخیر که سلطه امپریالیستی بر میهن ما حاکم گردید، تمام تضادهای جامعه تحت الشعاع یک تضاد اصلی که همان تضاد خلق و امپریالیسم است قرار گرفته است .

باین ترتیب مرحله انقلاب در ایران، دموکراتیک و ضد امپریالیستی است و با حل این تضاد امپریالیسم نابود گردیده و دیکتاتوری دموکراتیک خلق برقرار میشود بنا بر این در صورتیکه سقوط رژیم خمینی همراه با سقوط بورژوازی وابسته ایران و قطع سلطه امپریالیستی باشد مناسبات اقتصادی

سیاسی و اجتماعی آینده همان خواهد بود که در یک دولت دموکراسی  
نویسند و در صورتیکه همانند قبل مثل دوران شاه  
سرنوشتی رژیم خمینی صرفاً بمعنی سربازگیری جدیدا میرالیسم  
باشد حتی اگر معروفترین چهره‌های ملی نیز در راس آن قرار  
بگیرند مناسبات همان خواهد بود که در دوره شاه بود و اکنون نیز  
برقرار است .

س (۲۹) - بنظر شما سیاست خارجه ، دولت انقلابی آینده ایران  
بر چه مبنایی باید استوار باشد " سیاست عدم تعهد "  
" تکیه بر اردوگاه سوسیالیزم " ، " دوستی با کشورهای  
سرمایه داری " ؟

ج (۲۹) - دولت انقلابی آینده ایران ، سیاست خارجی خود را  
باید بر اساس عدم وابستگی به هر قدرت خارجی و کمک  
به نهضت‌های آزادیبخش سراسر جهان استوار سازد .  
رایطه جمهوری دموکراتیک خلق ما با همسایگان و کشورهای دیگر  
نیز باید بر اساس احترام متقابل بحق حاکمیت و عدم مداخله  
در امور داخلی یکدیگر استوار باشد . ما اعتقاد داریم که هیچ  
نیروی انقلابی نمیتواند اساساً جز به نیروی خلق خویش برای  
پیشبرد برنامه‌های خود تکیه کند .

س (۳۰) - آیا به نظر شما " اردوگاه سوسیالیسم " به مفهوم  
واقعی خود ، اکنون در جهان وجود دارد ؟ اگر  
دارد نام ببرید . ؟

ج (۳۰) - امروز دیگر از " اردوگاه سوسیالیسم " سخن گفتن  
با واقعیت انطباق ندارد زمانی این اردوگاه  
واقعاً وجود داشت و بر اساس آنترناسیونالیسم  
پرولتری استراتژی حمایت از جنبش‌های رهاثیبخش  
و کمک به پرولتاریای کشورهای متروپل را تعقیب  
میکرد ولی بعدها با پیدایش رویزیونیسم خروشچافی

در احزاب کشورهای سوسیالیستی ، اردوگاه سوسیالیسم متلاشی  
شد با پروز اختلافات جدی بین احزاب کمونیست چین و شوروی  
و اختلافاتی که هندوچین گسترش یافت حتی به درگیریهای  
نظامی کشیده شد . دیگر چیزی بنام اردوگاه سوسیالیسم واقعیت  
ندارد و ما نمیتوانیم بوجود چنین اردوگاه موهومی معتقد  
باشیم ، ما نمی توانیم حکام چین را در کنار غارتگران آمریکا  
و در مقابل خلقها ببینیم و باز بوجود چنین اردوگاهی معتقد  
باشیم .

ما نمیتوانیم شوروی را در صحنه جهانی در بند بست های  
امپریالیستی در کنار ارتجاعی ترین نیروها ببینیم و باز  
به اردوگاه سوسیالیسم معتقد باشیم .

ما همه حقایق را آنچنانکه هست به خلقها میگوئیم و دشمنان  
و متحدین دشمنان نشان را با آنها نشان میدهیم و در عین حال  
دشمنان اصلی و فرعی آنها را از یکدیگر جدا میکنیم .

ولی اگر چه ما معتقد به وجود اردوگاه سوسیالیسم نیستیم  
ولی معتقدیم در جهان دو جریان بزرگ وجود دارد ، یکی جریان  
سوسیالیسم و دیگری جریان امپریالیسم و هیچ جریان سومی در  
کار نیست ، نهضت های رها شیخ به جریان سوسیالیسم تعلق  
دارند و جریانهایی که در مقابل این نهضت قرار دارند به  
جریان امپریالیستی متعلقند .

# سازمان مجاهدین خلق

## ایران

س (۱) - زمینه‌های مادی - تاریخی وجود آمدن رژیم ارتجاعی  
آخوندی در ایران را چگونه ارزیابی میکنید ؟

ج (۱) - بیاد داریم که تحت خفقان شدیدی که شاه ایجاد کرده  
بود، نیروها و احزاسی از میدان خارج شدند. زیرا  
دیگر عرشان بیایان رسیده بود، پس مبارزه انقلابی  
شروع شد. اساساً در این صحنه خود ما یعنی مجاهدین  
مانده بودیم و چریکهای فدائی و این آقایان خط  
اما می امروز هم که اصلاً از دور خارج بودند و ناگزیر  
ریزگر رهبری مجاهدین قرار گرفتند، هم‌بخاطر کسب  
حیثیت و همین‌طور بخاطر تضادهایی که بطور طبیعی و  
تاریخی که با شاه داشتند. خلاصه در آن سالها علی‌رغم  
همه غرولندها، آنها مجاهدین را قبل از ضربت  
اپورتونیستها از نظر سیاسی کاملاً پذیرفتند. اما  
همان‌طوریکه در اعلامیه دوازده ماده‌ای سال ۵۵ هست،  
جریان اپورتونیستی و خائنانه چپ‌نما، با متلاشی  
کردن مجاهدین در یک مقطع، این نیرو را بر علیه  
ما برانگیخت، از زیر کنترل نیروی انقلابی ما خارج  
کرد و همچنین شدت بمباربزه زد. بطوریکه در آستانه  
قیام، ما علی‌رغم طیف نسبتاً وسیع حمایت اجتماعی

از نظر تشکیلاتی ضعیف بودیم . مردم ، فرریدان و سانسدگان  
 و راهبران واقعی شان را نمی شناختند . در چنین شرایطی ،  
 کارتر هم روی کار آمد . شعار اصلی اش " حقوق بشر " بود .  
 روی شاه برای باز کردن فضای سیاسی فشار میآورد .  
 بطوریکه حتی خیلی از مردگان سیاسی را خلاصه در ایران رسیده  
 کرد . خوب در این موقع که احزاب سنتی ارضحه خارج شده اند ،  
 سازمانی که تا آن موقع در راه انقلاب قرار داشت ( یعنی محاهدین )  
 شدت ضربه خورده ، شرایط عینی انقلاب آماده است . شرط  
 ذهنی و عنصر رهبری کننده چنانکه باید وجود ندارد . خلاصه رهبری  
 و عنصر ذهنی چشم گیر است .

اما یک شبکه آخوندی بطور سنی در کشور هست . که سه دو  
 دلیل هنوز باقی است . یکی بخاطر اینکه در سارس سنی ( بعضی  
 حاهم در سارس مطلق ) با شاه و رژیم حاکم بوده ( به خیلی ها نشان  
 میدادند که پاکت پول می رسند ) از طرف دیگر خصوصیت ویژه  
 جامعه هم غلبه عنصر فرهنگی اسلامی است . در چنین شرایطی  
 خمینی میآید این سهاد سنتی را به یک ابزار افعال قدر  
 سیاسی تبدیل میکند . خلاصه رهبری را بر می کند و عبارت دیگر  
 رهبری را می دزد . روی موج جنبش مردم سوار میشود و در یک  
 کلام ، انقلاب را سرقت و غصب میکند و بعد هم از رور اول روی همه  
 مانع میکند .

س ( ۲ ) - تقریباً ۴ سال است که از عمر رژیم جمهوری اسلامی  
 میگذرد و نظریات مختلفی در این چهار سال از طرف  
 گروهها و سازمانها درباره ماهیت و عملکرد آن بیان  
 شده ولی اکنون اینطور به نظر میرسد که اکثر این گروه  
 ها و سازمانهای سیاسی دیگر نظر سابق خود را ندارند .  
 میخواستم بدانم نظر شما درباره ماهیت رژیم کنونی  
 چیست ؟

ج (۲) - ما از همان روز بقدرت رسیدن خمینی پایگاه طبقاتی رژیم را خرده بورژوازی سنتی یعنی دست راستی ، مرتجع ، قشری با مشابَهت های ماقبل سرمایه داری تلقی میکردیم . قدم بقدم هم در مسیر پیشرفت دیدیم که یکی از دجال بازیهای خمینی و سایر شرکاء خائش این است که از موضع مادون و ماقبل سرمایه داری ، شعارهای ترقی خواهانه بعد از سرمایه داری را لوٹ کنند و به ابتدال بکشانند از نظر تاریخی ، این نیرو ، نیروی پشتوانه خمینی ، نیروهای عقب مانده و بیرون کشیده شده از اعماق تاریخ جامعه ما بودند با صفت خشک اندیشانه ، متظاهر و ریاکارانه و فرمالیستی مدهبی . مثل غولی که سالیان دراز در بند و به زنجیر کشیده شده و حالا آزاد شده باشد .

س (۲) - اگر شما این رژیم را وابسته تحلیل میکنید و میگوئید در جهت منافع امپریالیسم قدم بر میدارید پس مصادره اموال سرمایه داران را چگونه تحلیل میکنید ؟

ج (۲) - اردو موضع میشود با امپریالیسم برخورد کرد ، یکی از موضع انقلابی ، از موضع ترقی خواهانه که علوم ، فنون و تکنولوژی را در خدمت وسیعترین اقشار مردم ، در خدمت زحمتکشان ، در خدمت کارگران قرار بدهیم و دیگری هم که موضع مادون و ماقبل سرمایه داری است ، خراب کردن ، بهم ریختن ، شلوغ کردن و توی سر علوم و فنون زدن ، توی سر رشد تولید زدن برای چی ؟ مثلاً برای رسیدن به سوسیالیسم ؟ ! نه ! برای بازگشت به دوران ماقبل سرمایه داری ، دوران برده داری و توحش .

وانگهی امروز چه کسی نمیداند که در بسیاری جهات ،

بخصوص در انهدام وقتل عظیم‌ترین سرمایه‌های مزارات  
 دمکراتیک و استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی (یعنی سرمایه -  
 های انسانی ، یعنی محاهدین و مبارزین ) ، خمینی تا کجا  
 در خدمت منافع امپریالیسم بوده ؟ بقدری که مجموع حراب -  
 کارها و قتل کشتارها و آواره‌سازیها و فسادهای ناشی از خمینی  
 را با مجموعه آثار منطقه‌ای و بین‌المللی اش ( که همیشه در  
 خدمت ما و رای ارتجاعی‌ترین جناح‌های امپریالیستی بوده )  
 در نظر بگیریم ، بلا تردید در تاریخ معاصر هیچ‌کس به اندازه  
 خمینی به امپریالیسم خدمت نکرده و نخواهد کرد . و در ضمن باید  
 توجه کرد که اگر اموال چند سرمایه دار صادره شده یک حریبان  
 اصل و انقلابی نیست بلکه صادره اموال مخالفان سوسی که  
 در اس‌رزم یا خمینی مخالف کردند و با وانسگان به رژیم  
 شاه بودند ، البته همه از طرف دیگر کرده‌اند که می‌تواند  
 که حکومت سرمایه‌دارانی که از وانسگان خود رژیم هستند حکومت  
 به تاراج اموال خلق متعولند ، در اشکال جدید و اگر با دیدن  
 با دیدن کار در سال ۱۳۵۹ حریبان جی‌اول مالی منافع کلان  
 بود سرمایه‌هایی که تحت نام " سازمان اقتصاد اسلامی " توسط  
 سوسی حاش و اعوان و شرکانش تشکیل شده بود اتمام کردند .  
 س ( ۲ ) - در تحلیل گروه‌ها و سازمان‌های مختلف سوسی دیده  
 میشود که خمینی در اتحاد اس‌رزم یعنی اتحاد کرده  
 است . نظر شما امپریالیسم از خمینی چه استفاده‌هایی  
 برای سربازی اس‌رزم کرده است ؟

ج ( ۲ ) - همانطوریکه در آموزشها و کتب سازمان هم وجود دارد ،  
 هدف در آن موقع این بود که نگذارند دور بندست  
 انقلابیون و نیروهای ترقی خواه و ملیون و دمکراتها  
 واقعی بیفتند و اس‌رزم را در مجموع و بطور استراتژیک  
 صلاح خودشان دیدند و با توجه به پاسخ سؤال اول



دیدیم که خمینی با چه سهولتی توانست در حقیقت با استفاده از یک تاس و فرصت ( در یک طرف کارت و در طرف دیگر آن آسیب‌هایی که تا آن موقع به انقلاب خورده بود ) این رهبری را غصب کند پس از یک طرف عوام‌فریبی های خمینی و خصوصیات مذهب‌سی جامعه و از طرف دیگر بسته بودن دست شاه بدلیل سیاست کارت و فرصت لازم را برای خمینی مهیا کرد .

کنه مهم که می‌خواهیم اشاره کنیم اینست که چطور عا مل خارجی یعنی امیرالایم کمک کرد که خمینی سوار شود . این کمکها هم الان ادامه دارد ، البته برای سرکوب مجاهدین .

س ( ۵ ) - هم اکنون در صف مخالفین رژیم افراد و سازمانهایی سیاسی وجود دارند که برخی از این افراد و سازمانها حتی در بنای این رژیم نقش فعالی داشتند ولی اینک در مقابل این رژیم قرار دارند و خواهان سرنگونی آن هستند شما این مسئله را چگونه تحلیل میکنید و نظرتان درباره آن چیست ؟

ج ( ۵ ) - رژیم خمینی پس از سرنگونی رژیم شاه در جریان انقلاب مردمی بهمن ۵۷ ، روی کار آمد و در واقع در فقدان حضور آماده سازمان رهبری کننده انقلاب ، خمینی رهبری آنرا غصب کرد .

در جریان انقلاب بهمن خمینی بمثابه آلترناتیو عملی رژیم شاه و در راستای سرنگونی او میبایست مورد حمایت همه نیروهای مردمی قرار گیرد . اما از فرادی سقوط شاه پروسه تجزیه صف بندی نیروهای سیاسی که بر سر سرنگونی شاه به یک وحدت موضعی رسیده بودند شروع شده و قطب بندیهای سیاسی آغاز گردید که خوبی میتوانند مضمون طبقاتی و سیاسی مرز - بندیهای مورد بحث شما را توضیح دهد .

سازمان ما در نخستین موضعگیریهای سیاسی خود

مرزهای ایدئولوژیکی، تاریخی و سیاسی خود را با خمینی روشن ساخت پس از آن رژیم خمینی همان میزان که از مسیر و ضرورت‌های واقعی انقلاب فاصله میگرفت میبایست — ایزولاسیون اجتماعی و جدایی از نیروها و شخصتهای سیاسی و حتی متحدین خودتن دهد و این پیروهای کاملاً طبیعی و قانونمند و قابل فهم است.

س (۶) - در آغاز روی کار آمدن رژیم اسلامی، اکثر گروهها و سازمانهای سیاسی یا خواهان انحلال ارتش و یا خواهان اصلاح آن بودند ولی اکثر کمیته‌ها و پاسداران انقلاب را ارگانهای مردمی تحلیل میکردند و برعکس امروز ملاحظه میکنیم که اکثر همان سازمانها، پاسداران و کمیته‌ها ضد مردمی و دشمنان خلق تلقی میکنند ولی در باره ارتش نظر روشنی ابراز نمیدارند. به نظر شما این اتخاذ مواضع بر چه پایه‌ای است؟

ج (۶) - سازمان ما همان آغا را استغرا از رژیم خمینی با ارزیابی درست از ماهیت رژیم خمینی و نتایج‌های درونی آن هیچگاه حجاج ارتجاعی غالب و نهادهای آن و منجمله پاسداران و کمیته‌ها را انقلابی ندانسته است حال آنکه در آلمان همانطور که شما اشاره کرده - اند بسیاری نیروهای سیاسی ارجح "جده بورژوازی انقلابی!" و نهادهای آن در درون رژیم سخن میگفتند و از موضع عمده کردن تضاد خودشان با لیبرالها، از پاسداران و کمیته‌ها به عنوان نهاد - های نظامی جناح به اصطلاح انقلابی رژیم یاد میکردند. این یک انحراف عمده در ارزیابی ثنوریک ارتقاها و جناحهای رژیم خمینی بوده که ما پیوسته راجع به آن هشدار داده و روشنگری نموده‌ام و همین مساله بعنوان

موضوع عمده در سلسله مصاحبه‌های برادر مجاهد مسعود در حوضی  
مورد بررسی و تحلیل عمیق قرار گرفته است .

البته بعدها در جریان عمل صحت نظریات مجاهدین  
کاملاً به اثبات رسید و امروز روشن است که محمل‌های عینی و  
عملی دستگاری، پاسداران ارتجاع هستند، پاسداران که  
حاضران اصطلاح بسنه و فغل کرده اند و اگر بیا داشته باشید  
در اولس موضعگیری رسمی سازمان پس از انقلاب، در روز  
۲۲ اسفند ۵۷ در دانشگاه تهران اعلام کردیم و در همه روزنامه‌ها  
هم منعکس شد که این " پاسداران " نهایتاً " شکارچی انقلاب  
و انقلابیون جامعه " خواهند شد .

و این دردومین هفته انقلاب بود که هنوز جنس‌دان  
تخمینی از پاسداران سیاه پاسداران نبود و حتی هم به روشنی  
اسم و رسمی هم برای سیاه در میان نبود . اما حالا شما بوضوح  
می‌بینید که در همه جا قبیل از هر جیر، حضور پاسدار، حضور  
رژیم را محسوس میکند . صورتش را یکنید اگر بگویی پاسدار  
نیاست ( چه بالای سرمبشای ما ، چه بالای سر انقلابیون ما ،  
چه بالای سر محل توزیع سیریس یا اجناس دکه داروای آخر )  
چه خواهند شد ؟

ارسوی دیگر تحمل پرسنل ملی و میهن پرست و  
مردمی ارتش برای خمینی خیلی مشکل است ( کما اینکه در هر  
جای دیگر و بطریق اولی در ارتش ) اما بهر حال در ریرفضای  
سرکوب مطلق ، خمینی توانست ارتش را نیز مثل سایر جاهای  
کشور ، هم مهار کند و هم در مرز با عراق ، در انتظار بگذارد . و همانطوریکه  
میدانید درجه آگاهی در فضای نسبتاً دمکراتیک بعد از انقلاب  
در صفوف ارتش ، خیلی بالا رفت . وانگهی خود نظام خمینی  
همچنانکه نمیتوانست لیبرال‌ها را تحمل کند - ارتشی راهم که  
پرسنل آن ( صرف نظر از نعود مختصر تئمه‌ی شاه ) عمدتاً و بطور

معنوی بین لیبرالها و نیروهای انقلابی تقسیم شده بود، نمی توانست تحمل کند. علیهذا خودخمیی هم در مهار کردن ارتش و در درجه دوم قراردادن نقش آن به نسبت یاسداران ارتجاعی - اش، منافع جدی داشت که در نتیجه از درجه کودتاخیزی چنین ارتشی (لااقل در کوتاه مدت) بسیار میکاهد و آنرا با ارتشهایی که فی المثل درشلیلی یا در ترکیه کودتا کردند، خیلی متفاوت میکند.

س (۷) - گروهها و سازمانهای سیاسی متحدا معتقدند که اکثریت مردم با رژیم مخالفند و خواهان سرنگونی این رژیم هستند اگر چنین است پس چرا مردم واکنش نشان نمیدهند و چرا حرکات توده‌ای وسیع دیده نمی شود؟

ج (۷) - وقتی احضاری مطلق حاکم است و توده مردم نمیتواند تکان بخورد (همان توده مردمی که در ۳۰ خرداد، با نصد هزارش به صحنه آمده بود) یک ناظر سطحی که قضایا را اسکولاستیکی و با بصورت "پدیدارشناسانه" میبیند و مسایل را "هوهویه" تحلیل میکند و "رادرخود آن نمی بیند، قدم بقدم به اس نتیجه خواهد رسید که، خوب مردم با مدند، پس مردم ناخمنی اند، .....

در حالیکه بنظر ما دیکتاتوری است که مانع اصلی است چنانکه اگر شاه هم دستش در همان اواخر، اینطوری باز بود و کارتر - سالای سرش نبود، کار به خیزش توده‌ای نمیرسید و خمینی نمی توانست به این سادگی سوارکار شود.

س (۸) - در بین نیروهایی که خواهان سرنگونی رژیم خمینی هستند اختلافاتی موجود است که این اختلافات از جمله در باره ترکیب و ماهیت قدرت سیاسی آینده ایران

و سروی رهبری کننده انقلاب میبا شد عقیده شما در این مورد  
چگونه است؟

ج (۸) - مسلماً را اختلافات نیروهای نا وابسته صحبت میکنند .  
البته اختلافاتی وجود دارد اما در مقابل وحدتی که  
شکل گرفته یگانگانه آلترنا تیو دموکراتیک سراسری و  
مدیریت در اشکال داده است خیلی مهم و وحدتی تراست .  
اینکه ارجاع و آلترنا تیوهای وابسته و ضد دمکراتیک در تخطئه  
و تحریف سوابق ملی مقاومت از هیچ چیز فرو گذار نمیکنند ،  
البته کاملاً قابل انتظار و قابل فهم است ، آنها در چه  
شورا و بویژه در سماعی بیروی محوری آن ( مجاهدین ) همه  
امدهای صد مردمی خود را بر یاد گرفته می بینند . اما دیگر ،  
سیاست تحریف و تلاش شورا را در زیر چتر دعاوی غلیظ چپ نمایانند ،  
سیاستی که غیر غیر مبرک کرد ؟

این حاست که نباید نگاه به تبلیغات و نحوه برخورد جنسین  
نیروهای سر علیه شورا یا مجاهدین با واقعیت بسیار دردناک  
و بلخی مواجه می شویم : فراموش کردن بنیسی ( و حتی مطلق )  
ارجاع و امیریا المسم و آلترنا تیوهای وابسته و ضد دمکراتیک و  
اصلی کردن نضاد سائروهای جنبه خلق )

س (۹) - برخی سارما سهای سیاسی تشدید ترورو اختناق توسط  
جمهوری اسلامی را بگردن سازمان مجاهدین خلق  
و با سارما سها و جریاناتی که معتقدند مبارزه مسلحانه  
هستند و در صحنه مبارزات حاضرند میگذارند و معتقدند  
که علت اختناق بی سابقه را با یاد در حرکات ( افراطی )  
این سارما سها جستجو کرد ، بنظر شما آیا این نظریه  
درست است ؟

ج (۹) - ارزیابی این اعتقاد که : علت اختناق بی سابقه  
را با یاد در حرکات افراطی مجاهدین جستجو کرد

" از زاویه نگرفتن " پیام " ۳۰ خرداد با سفارشات استظار  
 دهتی ار اس " زیباتر "؟! ایده آلیسم با رومی سمید ( ۴ )  
 وکی نیست که به اس رفقا گوید " چند و چرا؟ " ی قصه را باید  
 از خمینی - که هنوز هم بسیاری از شما من غیر مستقیم آب به آسباب  
 او میریزید - بپرسید ولی فقط اس را ندانید که اگر مجاهدی  
 نبودند نمی جنبیدند. چه با باید به فاصله ۱۵ خرداد ۴۲ تا  
 ۲۲ بهمن ۵۷ و بلکه بیشتر به انتظار میماندند و اصولاً مسرر  
 تاریخ ایران ممکن بود طور دیگری رقم زده شود .

س (۱۰) - همانطوریکه میدانید وضع اقتصادی رژیم بسیار  
 اسفناک است گاهش در آمدت ، خواستدن خرجهای  
 سوابدی ، هزینه های سرمایه و حرکت و گرانسی ،  
 نیکاری و ..... عواملی هستند که در سرری گونا  
 به حرات منوالی گفت ، که ساعت سقوط رژیم خواهد شد  
 شدولی چرا علی رغم اس همه مشکلات با اس رژیم  
 همچنان با سر جاست ، عامل اصلی بقای رژیم  
 در چیست ؟

ج (۱۰) - علت اصلی ، دلیل سیاسی و حاکمیت سرور و احتیاق  
 بی حد و حصر است .

النته حماسهای بین المللی از رژیم خمینی و تاراج نفت  
 ارران توسط خمینی برای ترمیم باسما مانیهای اقتصاد پس  
 را سر با بد در نظر داشت البته خمینی در فروش ارران نفت با  
 با رفما رهای بین المللی اش با رهم از کسبه احتیاق و سرور رژیم  
 داخلش میخورد .

مطابق گزارشات مستند و موثق در اوایل رستان سال ۶۰ رژیم  
 به آنچنان بولی داشته و به آنچنان سلاحی که بتواند هم اریس  
 بحران اقتصادی شدیدی که گریبا نگیردش بود . بر با بد و هم از  
 پس جنگهایی که بعداً با عراق کرد . زیرا رژیم یک قلم ماها سه

۱/۲ - دلار اردلان مصرف ارز خارجی ( عمدتاً هم برای واردات )  
لمکن در آن تاریخ کل ذخایر ارز ۶۰۰ - ۷۰۰ میلیون دلار  
بسیتر بود ، خوب حالا میشود گفت که طلا فروخته ، اخاذی کرده  
و دستاورد مردم آورده ، همه آنها درست ، اما بالاخره یک کمکها  
و اعداد را در خارج کلاسی هم در کار برده و در مورد سلاح هم  
با ارز خارجی به سرعت خیلی تعجب آوری بنفع رژیم وارد  
سدکه کوبای بسیاری از مطالب آشکار و نهان است .

اما بالاخره دیدیم که فی المثل هم از سوریه حمایت  
مادی و معنوی ( سیاسی ) دریافت میکرد و هم از همان زمان از  
اسرائیل اسلحه و بخصوص سلاحهای پیچیده میگرفت ولی حتما  
حمایتها یبیر المللی که حمیتی بدست آورده ، تا حدود بسیار  
زیاد - محصول اختناق داخلی در صحنه قمارهای بین المللی  
است والا وضعیت کاملاً فرق نمیکرد .

ب ( ۱۱ ) - تعداد ۴۰ خردا که مبارزه مسلحانه ی شهری ابعاد  
وسعی گرفته بود خصوصاً بعد از اعدام انقلابی سران  
حکومت ، بعضی از نیروهای مخالف رژیم از جمله  
سازمان محاهدین خلق ایران ، این امید را سه  
وجود آورده بود ، سدکه بزودی رژیم سقوط خواهد کرد  
و سازمان محاهدین خلق نیز انتظار داشت که تحت  
تأثیر مبارزه مسلحانه ی شهری مردم وسیعاً وارد میدان  
شوند ، ولی علیرغم این ابتکارات ، بنظر میرسد  
که رژیم توانسته است ظاهراً خود را حفظ کند و توده ها  
از خود واکنشی نشان نداده اند شما این شرایط را  
چگونه تحلیل میکنید ؟

ج ( ۱۱ ) - البته این عوامل را سازمان بطور آگاهانه ، جمع -  
بندی شده و فرموله و شوربزه شده ایجاد کرده بود  
از خود سازمان ( بحثها به یک تحلیل ) بیرون نیامده

بود. این بیشتر ناشی از سرق تهاجمات و ضربات کوبنده استراتژیکی اولیه بر علیه رژیم بود. ضمن اینکه الان هم حرفمان این نیست که رژیم، آنقدر قدرتمند و تثبیت شده است که برای سرنگون شدنش، زمان خیلی زیادی میخواهد نهد، جنس جبری نیست و تا آنجا که شما و مردم ما بر میگردد. منطقی-ترین، امکان پذیرترین و عینی ترین شق ممکن برای سقوط رژیم مستلزم اینست که قیام بشود. اما برای قیام هم بایستی از یک مراحل رده تان دست بیاید.

س (۱۲) - بعد از ۳۰ خرداد "شورای ملی مقاومت" بوجود آمد و در ابتدا اینطور وانمود شد که این شورای میتواند آلترناتیو خوبی در مقابل رژیم باشد اکنون وضع این شورای چگونه می بینید. اصولا آیا این شورای وضعیت کنونی میتواند اصلاح شده ها مندل گردد؟

ج (۱۲) - امروزه در سطحی داخلی و جبهه در ابعاد بین المللی، شورای ملی مقاومت، جدیدترین آلترناتیو ممکن برای ایران بکلیا رجه و دمکراسیک میباشد.

به اس ترتیب با پیشهاد تشکیل و با تاسیس شورای ملی مقاومت، مایک قدم تاریخی را در جهت اتحاد همه نیروهای خواهان آزادی و استقلال و تعاضد ایران برداشتم و به ضرورت اتحاد این نیروها، پاسخ عملی دادیم و یکی از مهمترین دلایل شکستهای قبلی را کنار زدیم و البته فکر میکنیم که منطبق با این مرحله از انقلاب، جبری کیفی بهتر از این هم ممکن نبود که ما این که من همیشه از آنهایی که خواب برهم ردن و متلاشی کردن شورا را می بینند، خواسته ام که اگر آلترناتیو بهتری دارند، ارائه کنند.

س (۱۳) - ممکن است بگوئید چرا هیچ سازمان و نیروی چپ شناخته شده ای در این شورا شرکت ندارد؟



ج (۱۴۱) - این زبان‌اندازنروهايي که از آن سه عنوان  
 - بروی حدش احده شده - نام میکنند بپرسید

۱۱ - فکر میکنم قبل از این سؤال شاید بهتر باشد که در  
 نروهای مورد نظرمان بپرسیم که در صحنه مقاومت و مبارزه  
 با رژیم محمدیان در افغانستان حالی است . البته اینها دلایل  
 صحت کلامی است . ۵۶ - بپرسید در و رای سپاه حوثیهای کودکاسته ،  
 نعلها مانند کلهای معرط ساعی و اسیرانیزیکي را نشان میدهند  
 که در و در کرازان بر ما غافلانی که " شناختندگی " مورد  
 نظر شما هم معطوف بدان است چیزی باقی نگذاشته است . اما  
 قابل توجه اینست که در و رای طواغیر و الفاظ ، اکنون هرگز  
 صاحب نظرانکا دور هم نیستند و واضح و مبهم است که در میان  
 ما اینها را باقی ایران در سببها می حمل نموده . با مسئولیت  
 حد معنای کلامی کلامه ادراک این مطلع حساب از این تاریخ  
 میباشد . بپرسید

ج (۱۴۱) - بعد از ۲۰ خرداد تا فعالیت ما سببهای کمونیستی  
 ۱ - جنس غیر ساحری نبودند یعنی نقش فعالی که  
 ۲ - روزهای قیام ۵۷ داشتند در این دور و روزهای  
 بعد از ۳۰ خردادند از سبب من فکر میکنم جنس  
 کمونیستی در داخل ایران در نهایت ضعف و پراکنده  
 که بر سر سردنگر میکنند این نوع تاکی اداسه  
 خواهد داشت و کلا نگوئید ریشه و خصوصیت بحران  
 چقدر ایران چیست ؟

ج (۱۴۱) - نظر شما درست و واقعی است ، این وظیفه خود نیست و -  
 های مارکسیست - لنینیست است که بحران موجود را  
 ریشه‌یابی و مرتفع کنند .

نظر ما اینهاست که قایومند و محاربانان بودیها میکی نیست  
 بآوردن اصول مبارزاتی مراحل مختلف مبارزه است ، اصولی

که خود در پرتو عمل اصولی انقلابی پیوسته قابل درک و تعمیق هستند. تطبیق تئوریهای عام بر شرایط خاص ایران در خصوصیات جامعه و آغاز کردن ارسایل و ضرورتها و وظائف مبرم انقلابی در داخل کشور بر سر رشد سیاسی و انقلابی را تشکیل میدهد.

گاه دیده میشود که در این نیروها تئوری و عمل خیلی فاصله دارد و اغلب آنان از تضادهای تئوریک و سیاسی در بلوک بندیهای جهانی شروع میکنند. تا از وظائف انقلابیشان در داخل کشور. ما (مجاهدین) پیوسته خواستار شکوفایی و حضور نیروهای انقلابی و اصولی مارکسیست - لنینیست بوده‌ایم و اینکه انرژی و توان مبارزاتی آنان بدرستی بفع مبادره خلق کانالیزه شود و پدید بیاید. تا آنجا که توان داشته‌ایم با کوبیدن چپ و راست آنرا از خط سیاسی راه، راه را برای نیروهایی که میخواهند در یک خط اصولی حرکت کنند را کرده‌ایم. بنا بر این بحران مورد اشاره شما ناشی از فقدان استراتژی و تاکتیک متناسب انقلابی و عدم توانایی تحلیل شرایط و عدم مرز بندی و تسلیم طلبی در برابر ابرویوسم را است و حباب همان فردای قیام سهم ماه می باشد.

پس از آغاز مبارزه انقلابی مسلحانه و تاسیس شورای ملی مقاومت، با رد دیگر سازمان مجاهدین خلق ایران برای همه نیروهای مورد بحث فضای رست اجتماعی، سیاسی و مبارزه فعال کشور دلکن متافان برخی از آنها قدراس فرصت را میسر نشاخته و همچنان در پیرویه نخریه و اصطلاح عرقه شدند. روندی که امیدواریم رود تر متوقف شده و به مسراطی نگراید.

س (۱۵) - به نظر شما چه قشرها و طبقاتی در جامعه ما انقلابی اند و نقش این طبقات و گروههای اجتماعی را در انقلاب

آینده چگونه می بینید؟

ج (۱۵) - انقلاب ایران در این مرحله یک انقلاب دموکراتیک -  
- صدامیربالیستی است . که با شرکت تمام طبقات  
خلق نایده نیروی برسد .

کارگران ، دهقانان ، خرده بورژوازی ( بجز فئودالها و ایسته  
به خمینی ) و نیمه بورژوازی ملی در این انقلاب نقش دارند .  
الیه به سرفت انقلاب ، سوی دموکراسی و استقلال اجتماعات و  
اساساً به طبقات کارگران و دهقانان زحمتکش ایران منکمی  
خواهد بود .

س (۱۶) - برخی از سارمانها و شخصیتهای سیاسی این  
رژیم فاقد سیرا مه اند و یکی از خصوصیات این رژیم  
بی برنامه گی آن است . به نظر شما این نظریه درست  
است ؟

ج (۱۶) - بله البته این بی برنامه گی از یک سوره در  
آثار شیم ماهوی رژیم خمینی دارد و از طرف دیگر  
سویژه در رابطه با رشد مقاومت و مبارزه ، انقلابی  
است که شدت با رز شده است و از یک چنین رابطهای  
بخوبی میتوان آثار شیم و بی برنامه گی های رژیم  
را درک کرد .

س (۱۷) - قیام بهمن ماه ۵۷ چه تغییراتی در وضعیت نیروها  
و کیفیت مبارزات توده ها بوجود آورده است ؟

ج (۱۷) - پس از قیام بهمن ، پیرو س تجربه نیروهای سیاسی  
و اجتماعی که برای سرنگونی شاه در زیر جتر خمینی  
متحد شده بودند آغاز گردید .

در صورت حضور یک سارمان رهبری کننده تمام نیروهای خلق  
که در صورت یک جبهه متحد میهنی و بر محور یک سازمان انقلابی  
میوانست شکل گیرد اتحاد وسیع مردمی توانست با انجام  
بیشتر راهگشای دموکراسی و استقلال باشد . اما خیانت خمینی .

وی باعث رشد سریع قطب‌بندیهای سیاسی و انحراف و انفعال بسیاری از نیروهای محرکه انقلاب از نظر اجتماعی شد .  
س ( ۱۸ ) - برای پیروزی انقلاب چه شکلی از مبارزه را عمده میدانید و اصولاً برنامه عمل پیشنهادی شما در این خصوص چیست ؟

س ( ۱۹ ) - اگر معتقد به مبارزه مسلحانه هستید ممکن است بگوئید چرا تا کنون این شکل از مبارزه ، یعنی مبارزه مسلحانه قادر به سیخ واقعی توده ها نشده است .

ج ( ۱۸ - ۱۹ ) - ما به مبارزه انقلابی مسلحانه به عنوان شکل اصلی و محوری مبارزه در این مرحله معتقدیم و برنامه عملی آن نیز به تفصیل در جمع‌بندی برادر ما محمد مسعود رجوی فرماندهی عالی سیاسی - نظامی محاهدین از یکسال مقاومت انقلابی مسلحانه آمده است .

در حقیقت برخلاف نظریاتی که با اصطلاح " شکل برادر بس درختان جستجو میکنند " مبارزه انقلابی مسلحانه با ابعاد بسیار گسترده و عمیق خود کاملاً حضور حمایت و سیخ توده‌ای منکبی است و خرد را در این رابطه در چسب ابعاد می‌توانست ادامه یابد . در اینجا شما راه قسمتی از جمع‌بندی یکساله مقاومت انقلابی مسلحانه ارجاع میدهم !

" ..... اگر چه همه با طیلی که ضمن یکسال بر علیه مبارزه مسلحانه سر هم‌بندی شده ، برای کسی که دستش توی کار است و از نزدیک با واقعیت جامعه تماس دارد ، حتی خواندنش بعضی وقتها چندان آوار است و بعضاً هم واقعا مضحک ، با این همه ما را مان ما اس حوصله را بخرج داد که تمام این حرفها را مکرر در مکرر مورد مطالعه و دقت و ارزیابی و بحث قرار بدهد و دست آخر هم آنطور که در مناسبتی که تا بحال استناد کردم ( مصاحبه‌ها

( پیامها ) دیده اید و آشنا هستید به این نتیجه رسیدیم که بدون مبارزه مسلحانه ، نه فقط هیچ شکل دیگری از مبارزه ( البته مبارزه واقعی برای سرگونی خمینی و نه بازی بازی کودکانه تحت عنوان مبارزه ) امکان نداشت و هنوز هم ندارد ، بلکه اصولا محافظ خودمان و موجودیت و بقای خودمان و آنهایی را که حتی در مورد مبارزه مسلحانه ، نمک به حرامی میکنند ، یعنی نمک مبارزه مسلحانه را میخورند و نمکداننش را می شکنند ، قبل از هر چیز ، مدیون و مرهون مبارزه مسلحانه ، مشروع و گسترده و سراسری سازمان مجاهدین خلق ایران هستیم . فراتر از این ، در آینده و در مراحل بعدی هم که انشاء الله هر فضایی برای سایر اشکال مبارزه فراهم شود ، قبل از هر چیز و قبل از هر کس مدیون خون شهدایمان در سراسر کشور هستیم ، طبعاً وقتی میگوئیم مبارزه مسلحانه ، منظورمان شکل محوری نبرد است که اصلاً سایر اشکال ، حول آن میتوانند وجود پیدا کنند و معنا داشته باشند و الا منظورمان مطلق کردن ، و اینکه فقط سلاح ولا غیر نیست .

بدلیل اینکه حتی کار سیاسی نیز طی یکسال گذشته هیچکس بیشتر از همین نیروهای مسلح مجاهد نکرده است . یعنی اگر امکان روشنگری و افشاگری و هدایت سیاسی هم بوده ( در حدی که دیکتاتوری و خفقان اجازه میداد ) باز هم بالاترین کمیت و کیفیت در طول همین شکل محوری نبرد انجام گرفته است . . . . " س ( ۲۰ ) - فکر میکنید چه شکلی از حکومت برای آینده ایران مناسب است و در این رابطه نقش طبقات مختلف را توضیح دهید ؟

ج ( ۲۰ ) - ما آلترناتیو و برنامۀ دولت مورد نظرمان را اعلام کرده ایم و شما را به اسناد مربوط به شورای ملی مقابله و مت و برنامۀ دولت موقت جمهوری دمکراتیک

اسلامی ایران ارجاع میدهم .

س (۲۱) - ضامن دمکراسی آینده چیست ؟ فکر میکنید کدام طبقه میتواند آن را تضمین کند ؟

ج (۲۱) - هیچ تضمین واقعی برای پیروزی انقلاب جز جهت گیری و رشد ذاتی و وجود ندارد و بعبارت دیگر برای تضمین آزادی و تداوم استقلال ، تمامی مردم ایران بایستی متحداً بسیج شوند تا با کار و تلاش هر چه بیشتر میهن خود را بپا بگردانند و از مناسبات وابسته ساز استعماری مصون بدارند .

اینهمه یک مبارزه توأم با سازندگی و ایدئولوژیکی است که اهمیت آن هرگز از مبارزه با خطر کسب استقلال و آزادی کمتر نبوده و عین تداوم آنست . اما چنین مبارزه ای تنها در مسیر رشدی مستقل ( و نه وابسته ) در چارچوب احاطه هرگونه ستم و استعمار میسر است که خود احتمالاً ملازم با انکار به انبوه دهقانان و کارگران محروم ایران میباشد .

س (۲۲) - با توجه به این که شرایط بسیار مساعدی برای سازماندهی طبقه کارگر در جامعه ما وجود داشته است ، پیروسته تشکیل حزب طبقه کارگر ایران را چگونه می بینید ؟

ج (۲۲) - اصولاً چه از لحاظ شرایط عینی و یافتن وساحت اجتماعی و اقتصادی و چه از جهت ذهنی مفهوم کلاسیک مورد بحث شما چنین چیزی نمیتوانست تشکیل شود .

ضمناً اطلاع دارید که ما نظریاتی را که به " خط تشکیل حزب طبقه کارگر " راه میدرد از همان آغاز پیروزی انقلاب بهمن مردود دانسته ایم . و " تشکیل پیشیای خلق " و " جنبه متحد خلق " را پاسخ شرایط مرحله ای انقلاب دانسته ایم .

س (۲۳) - درباره جنگ ایران و عراق بگوئید این جنگ را چگونه تحلیل میکنید ، آیا این جنگ در بقای رژیم اسلامی نقشی داشته است . و در مبارزات توده ها چه نقشی گذاشت . و تداوم آن چه سودی برای رژیم اسلامی ایران دارد ؟

ج (۲۳) - حال دیگر خمینی تنها کسی است که به ادامه آن علاقه دارد و حیات رژیم خمینی هم اکنون تا حدود زیادی به ادامه جنگ بستگی دارد و الا به هیچ وجه و یا هیچ بهانه ای نمیتواند اریس خواستهای عادلانه مردم برآید .

جنگ سرپوشی برای همه مشکلات خمینی و سرکوب مخالفین است . مثلا تنها به این بهانه میتواند افراد خود را به بهانه کنترل مصرف گاربا اندازه گیری حجم مخزن نفت خانه ها ( و به بهانه صرفه جویی در قبایل جنگ تحمیلی ) به داخل خانه مردم ( برای جاسوسی ) بفرستد . ما طرفدار صلح عادلانه هستیم ، ما سیاست ارتجاعی مدورمکانیکی انقلاب را محکوم میکنیم و در این رابطه سرمقاله مجاهد شماره ۱۳۴ و بنیانه مشترک برادر مجاهد مسعود رجوی و طارق عربی و ما و ن نخست وزیر عراق کا ملنریس پاسخ به سوال شماست که ضمیمه است

س (۲۴) - سوال بعدی درباره کردستان است چنانکه میدانید در بخش وسیعی ارمیهن ما ، یعنی کردستان مبارزه مسلحانه جریان دارد و غریب چهار سال است که ارتش و سپاه و کمیته ها نتوانسته اند خلق قهرمان کرد را بزا سودر آورند و به موفقیت های چشمگیری برسند . به نظر شما این مبارزه در رابطه با انقلاب ایران چگونه است و کلا بگوئید بدانیم که درباره خود مختاری و تامین حقوق خلق های ستمدیده ایران چگونه می اندیشید و چه پیشنهادی دارید ؟

ج (۲۴) - بدیهی است که پایداری تمامیت ارضی و وحدت

ملی این مبین دقیقا از رابطه با احقاق حقوق حقه تمام ملی عناصر و بخشهای تشکیل دهنده آنست . به این ترتیب خود مختاری داخلی بمفهوم رفیع ستم مصاعف از همه شاخه ها تنوعات ملی وطنمان و تمامین جمیع حقوق و آزادیهای فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی برای آنها در جا رجوب و وحدت ، حاکمیت و یکپارچگی تجزیه ناپذیر کشور ضرورت جدی دارد .

دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی همچنین تلاش خواهد کرد تا قومیت محلی ( مثلا کردستان ) را با احقاق حقوق حقه آن ، بصورت بخشی از ملی گزایی مترقی خواهانه تمام ملت ایران تنبیت نموده و ایندو را برای همیشه از بغراض با یکدیگر خارج سازد . این تلاش از سوی دیگر با مبارزه دمکراتیک - ضد امپریالیستی سراسری و مبارزه برای ساریدگی و نوسازی ملی مرتسط و در جا رجوب آن امکان بدر است .

س ( ۲۵ ) - نظر شما درباره دخالتی مذهب در حکومت چیست ؟ و همانطوریکه میدانید سازمان مجاهدین در مذهبی بودن دولت آینده اصرار دارند ، در این باره چه فکر میکنید ؟

ج ( ۲۵ ) - اگر چه من بعنوان یک مجاهد ، مسلمان ولی قصد تحمیل عقیده خود به دیگران را ندارم .

پس این فقط یک نامگذاری موقت است . رژیم جدید چه در محتوا و چه در نام بایستی بوسیله موسسان منتخب مردم انتخاب شود . شرط ورود به شورانیزا اعتقادات اسلامی نیست و ما هم در ضد ایجاد یک حکومت مذهبی ( بمعنی ضد دمکراتیک و خمینی گرایانه ) نیستیم . ثانیا ، صرف نظر از اینکه ما مسلمانیم و درست در نقطه مقابل خمینی به یک اسلام واقعی و دمکراتیک معتقدیم ، برداشتن کلمه اسلام از نام دولت موقت در عمل یعنی بهترین کادو برای خمینی است یعنی تقدیم بلا معارض اسلام



به او و این هم بهترین بهانه برای اوست تا توده‌های کم  
اطلاع را ( در کشوری که اکثریت قاطع آن مسلمانند ) بفریبد  
و خیلی‌ها را سبغ خود وارد کار و یا خنثی ویی طرف کند .  
س ( ۲۶ ) - در اوایل روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی موارد  
متعددی دیده شد و هم اکنون نیز جست‌وجو گریخته ادامه  
دارد که رژیم به مصالحه در راه موال بعضی از سرمایه‌داران  
می‌پردازد شما این مسئله را در رابطه با ماهیت رژیم  
چگونه تحلیل میکنید ؟

ج ( ۲۶ ) - جواب این سوال هم همان پاسخ سوال سوم شماست !  
س ( ۲۷ ) - همان‌طور که میدانید رژیم جمهوری اسلامی مدتی  
مضحک‌اشغال سفارت آمریکا را برآه انداخت . به  
نظر شما این عمل چه منافعی برای رژیم در برداشت .  
موضع شما در آن زمان در این مورد چه بود و اکنون آن را چگونه  
بررسی میکنید ؟

ج ( ۲۷ ) - نظرات تحلیلی ما را جع به جریان گروگانگیری چه  
در انتقادات و تحلیل‌های مربوط به آن و چه در  
سیاست‌های موضعی برخورد با آن کاملاً آشکار است .

اولاً هرگز به معجزه مبارزه ضد امپریالیستی از رژیم خمینی امید  
نیستیم و هیچ اعتمادی نداشته‌ایم ، ثانیاً سیاست‌های موضعی  
برخورد افشاگرانه را آن‌هم با ضرورت آگاه‌گرانه مردمی ( و نه  
سکتاریستی ) به نحوی پیش بردیم که در هر قدم ضمن مشروط  
نمودن جریان گروگانگیری به پاسخگویی به ضرورت‌های واقعی  
مبارزه ضد امپریالیستی مشت رژیم خمینی و گردانندگان این  
ماجرار اناز کرده و سرانجام نیز در پایان آن طی چند سرمقاله  
و یک مقاله مبسوط افشاگرانه در " مجاهد " پروسه این برخوردها  
را با موفقیت و روشنی و آموزندگی مکفی به پایان رسانده‌ایم  
در واقع این برخورد از یک طرف ارزیابی و تحلیل تئوریک با

اشراف به فقدان محتوی ضد امپریالیستی و مقاصد قدرت -  
پرستانه و عوام فریبانه آن متکی بوده و از طرف دیگر طبعی  
پروسه‌ای از موضعگیری های مرحله‌ای در جهت افشای محتوی  
واقعی آن پیش رفته است .

س (۲۸) - مرحله و ماهیت انقلاب کنونی ایران را چه میدانید و  
مناسبات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی رایس از  
سقوط رژیم اسلامی چگونه پیش بینی میکنید ؟

ج (۲۸) - با وفاداری بهمان عامترین انتظارات تمامی  
ملت ایران از انقلاب ۱۹۷۹ ، خصوصیات انقلاب  
آزادبخش و استقلال طلبانه را عینا ملی ، دمکراتیک  
و ضد امپریالیستی تعریف میکنیم ، خصوصاتی که به  
اعتقاد ما مسلمانان راستین دقیقا در جهت اسلام  
واقعی بوده و تحقق عملی آنها توسط خمینی بزرگترین  
جنایات ضد اسلامی او محسوب میشود .

شورای ملی مقاومت برای استقلال و آزادی جمهوری دمکراتیک  
اسلامی نیز بر پایه همین مبانی مشرک ملی ، دمکراتیک و ضد  
امپریالیستی حبه تمام خلق استوار شده است بر سمیت شناختن  
محتوا و خصوصیات دمکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب احباب  
میکند که برخلاف سطحی نگری و فرمالیسم نظام خمینی ، کلیه  
ضوابط ، ساختارها ، قوانین و مناسبات اجتماعی کمیرادوری  
و ارتجاعی ملغی و بجای آن مناسبات نوین استقلال طلبانه  
و دمکراتیک مستقر گردد .

تنها با از میان برداشتن چنین مواضعی میتوان  
سهروری کامل انسان از استعدادات و آزادیهایش را امکان پذیر  
ساخت . پس در سازمان ایران فردا سرمایه داری وابسته به  
خارجی و نه فتوای بسم جایی نداشته و اندیشه های ضد دمکراتیک  
ضد اسلامی خمینی و قشر اجتماعی پشتیبان او نیز امکان رشد

خواهد یافت .

س (۲۹) - به نظر شما سیاست خارجه ، دولت انقلابی آینده

ایران بر چه مبنایی باید استوار باشد " سیاست

عدم تعهد " تکیه بر اردوگاه سوسیالیزم " ،

" دوستی با کشورهای سرمایه داری " ؟

ج (۲۹) - سیاست خارجی دولت موقت جمهوری دمکراتیک

اسلامی ایران بر مبنای استقلال و عدم تعهد

و کناره گرفتن از همه پیمانهای سیاسی و نظامی

استعماری و حفاظت از منافع و آب و خاک ملی از

اصول زیر پیروی میکند :

الف : عدم دخالت در امور داخلی سایرین و ممانعت از دخالت

دیگران در امور داخلی کشور .

ب : همزیستی ، صلح و همکاریهای بین المللی و منطقه‌ای

ج : احترام به منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر

د : محکوم کردن همه سیاستها و خط مشی های نژادپرستانه

وفاشستی

ه : حمایت از تمامی جنبشهای آزادیبخش ضد استبدادی ،

ضد استعماری و ضد استثماری در سراسر جهان

# سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران کومله

س (۱) - زمینه‌های مادی - تاریخی بوجود آمدن رژیم -  
ارتجاعی آخوندی در ایران را چگونه ارزیابی  
مکنید ؟

ج (۱) - انقلاب کنونی ایران که بر زمینه بحران اقتصادی  
اواسط دهه پنجاه شکل گرفت در اولین مراحل خود  
و با قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ رژیم سلطنت را که مدافع آشکار  
استعمار و ارتجاع امپریالیستی در ایران بوده  
برکشد .

اما بدلیل فقدان صف مستقل پرولتاریا و عدم آمین رهبری او  
بر جنبش انقلابی ، رهبری حسن در اختیار جریانی قرار  
گرفت که از همان پیش از قیام خواستار مصون داشتن دستگاه  
دولتی و ژواری از ضربات انقلاب و حفظ پایه‌های اساسی  
حاکمیت سرمایه امپریالیستی در ایران بودند .

و جرائی این مطلب را که مذهب‌یون افراطی توانستند  
بر سر قدرت نمایند . در این می بینیم که در زمان اوچگیری بحران  
سالهای ۵۶ و ۵۷ بدلیل خفقان نام و تمام زمان حکومت آریامهر  
تشکلات منسجم و مبارزه انقلابی نتوانسته بود شکل بگیرد و در  
غیاب تشکلات انقلابی پرولتری ، مذهب‌یون که از شبکه عظیم  
و جافته‌ای برخوردار بود در شرایط ویژه‌ای قرار گرفتند

که سادگی و استندازایی ابرار خود جلب نظر کشورهائی امیرالینسی را نموده و با تمام توان خود برای تعویض قدرت اربالا و بحاطر جلوگیری از طغیان ازپائین کوشیدند، هرچند بنواستنداز قیام جلوگیری کنند اما توانستند با در دست گرفتن قدرت و ابتکار عمل نقش خود را از بدو استقرارشان در مخالفان رشد و گسترش انقلاب و سرکوب جنبش انقلابی و بالاخص جنبش کارگری و کمونیستی ایفانمایند. و بعبارت دیگر تنها آلتراتیو مناسب برای جلوگیری از رشد انقلاب رژیم ضد انقلابی کنونی بود.

س (۲) - تقریباً ۴ سال است که از عمر رژیم جمهوری اسلامی میگذرد و نظریات مختلفی در این چهار سال از طرف گروهها و سازمانها درباره ماهیت و عملکرد آن بیان شده ولی اکنون اینطور به نظر میرسد که اکثر این گروهها و سازمانهای سیاسی دیگر نظر سابق خود را ندارند میخواستیم بدانیم نظر شما درباره رژیم کنونی چیست؟

ج (۲) - سازمان ما قبل از قیام در شهریورماه ۵۷ در اولین کنگره سازمانی خود احتمال به قدرت رسیدن مذهبیهون متشکل و افراطی را تشخیص داد و در همان زمان آنرا ضد انقلابی ارزیابی نمود. و از همان آغاز بوجود آمدن این رژیم خود را برای مبارزه ای طولانی آماده میکرد، اعلامیه های ما بعد از قیام، راجع به پیشتیمایی حکومت موقت آن زمان از مزدوران ملامصطفی بازرانی و اعلامیه ای درباره نطق خمینی بنام " قلمها را بشکنید" مواضع صحیح ما را بیان میدارد.

و چنانکه در پاسخ به سؤال اول اشاره کردم رژیم جمهوری

اسلامی راه مناسبه یک رژیم بورژوازی آریایی می‌کند که از بدو  
استقرار خود مخالفت ارز شد و گسترش انقلاب و سرکوب جنبش  
انقلابی و بالاخر جنبش کارگری و کمونیستی را در دستور کار خود  
قرار داده و برای تحقق این هدف ضد انقلابی جوش به هـ  
جنایتی دست زده است .

س (۳) - اگر شما این رژیم را وابسته تحلیل می‌کنید و می‌گوئید  
در جهت منافع امپریالیسم قدم بر میدارید پس مصادره  
اموال سرمایه داران را چگونه تحلیل می‌کنید ؟

ج (۳) - اولاً ما ایران را کشوری سرمایه داری و تحت سلطه  
امپریالیسم می‌دانیم . و حطبت مشخصه ما سـ  
تولیدی آنرا استثمار شدید و وسع نیروی کار  
ایران طبقه کارگر تشکیل می‌دهد .

سهره گئی از اس نیرو کار را از این جزء لاینفک و شرط ضروری  
انسانیت متعارف سرمایه داران اسـ . این شرایط و مناسبات  
که منبای آنرا سلطه امپریالیسم بر تولید اجتماعی و بازار  
داخلی تشکیل می‌دهد . تا اس بگوش می بینیم که اگر  
بخشهایی از سرمایه انحصاری که در زمان شاه توسط عواملی  
در گردش بود و به دلائلی بحران سالهای نیمه دوم دهه پنجاه کارائی  
بگهداری دولت مطلوبشان ( شاه ) را بداشتند و اکنون همین  
سرمایه ها در شرکت عظیم تری مثل سیمان مستضعفین و با سیمان  
علوی متمرکز شده است به حطبت و به عملکرد اجتماعی آن تغییر  
نکرده است و مصادره چند شرکت و ادعای آن در یک شرکت بزرگتر  
تعمیری در سیمان سرمایه داری آن نداده است .

و از آن گذشته در سؤال مربوط به مصادره اموال  
سرمایه داران مطرح شده است که بطور عام با واقعیت تطبیق  
ندارد . فقط بخشی از سرمایه انحصاری در ایران در سیمان  
مستضعفین جمع پیدا کرده است اما اموال سرمایه داران

س (۴) - در تحلیل گروهها و سازمانهای مختلف سیاسی دیده میشود که حمینی در ایجاد این رژیم نقشی ایفا کرده است بنظر شما امیرالاسم از حمینی چه استفاده‌هایی برای سربازی این رژیم کرده است؟

ج (۴) - نقش حمینی به مثابه محوری برای تجمع قشریون مذهبی و استحکام سازمانی آن مؤثرترین شخصیت بوده است و رژیم جمهوری اسلامی با استقرار حکومت مذهبی و بکارگرفتن قوانین و نهادهای مذهبی برای مشروعیت بخشیدن به دیکتاتوری بورژوازی در سرکوب انقلاب، با تلاش در تطهیر و بازسازی ارتش و بوروکراسی مافوق مردم، و ایجاد ارگانهای جدید سرکوب طبقات بورژوازی از قبیل سیاه‌پاداران، با پیش‌گرفتن دستاوردهای دمکراتیک قیام و ممانعت از اعمال اراده دمکراتیک نوده‌ها در تعیین سر-بوش و اداره امور خود و نیز با تحمیل مفروضات کذب جدید به توده‌های کارگروزمکنش نقش جداانقلابی خود را در خدمت اعاده اوضاع مطلوب بورژوازی و امیرالاسم ایفا نموده است.

س (۵) - هم‌اکنون در صف مخالفین رژیم افراد و سازمانهایی سیاسی وجود دارند که برخی از این افراد و سازمانها حتی در سایه این رژیم نقش فعالی داشتند و دولتی اینک در مقابل این رژیم قرار دارند و خواهان سرنگونی آن هستند. شما این مسئله را چگونه تحلیل میکنید و نظر شما در باره آن چیست؟

ج (۵) - اسبک واقعیت است که بیان کرده‌اید، اما تا آنجا که به سازمان ما مربوط است ما صرفاً ارزیابی این نیروها را بر صرف پیشبینی گذشته‌شان از

جمهوری اسلامی نمی‌کنیم بلکه با در نظر گرفتن آن اشتباهات آنچه مهم است برنامه و عملکردشان در حال و آینده است، مثلاً قسمت اعظم این طیف که نام بردید اکنون در شورایی ملی مقاومت گردآمده اند که ما نظر مشخصی درباره آنها داریم که در قطعنامه مصوبه کنگره سوم در اردیبهشت ۶۱ تصویب شده است و بعداً راجع به آن صحبت خواهیم کرد.

س (۶) - در آغاز روی کار آمدن رژیم اسلامی، اکثر گروهها و سازمانهای سیاسی یا خواهان انحلال ارتش و یا خواهان اصلاح آن بودند ولی اکثر کمیته‌ها و یاسداران انقلاب را ارگانهای مردمی تحلیل می‌کردند و برعکس امروز ملاحظه می‌کنیم که اکثر همگان سازمانها، یاسداران و کمیته‌ها را ضد مردمی و دشمنان خلق تلقی می‌کنند ولی درباره ارتش نظر روشنی ابراز نمی‌دارند. چه خطر شما این اتحاد مواضع بر چه پایه‌ای است؟

ج (۶) - این سؤال هم بهمان گونه سؤال پیش است. عدم درک این سازمانها و گروهها از پیرویه مبارزه و عدم شناخت بنیادهای سرکوبگر که منطبق با بنیادهای طبقاتی خودشان بوده است موجب چنین چرختهاشی شده و ماحول دقیق آرایه‌ها را سازمانها و گروهها واگذار می‌کنیم و نه تفسیر آن در این حاشیه برداریم ولی آنچه که مربوط به سازمان ما است ما از همه آنان اول طالب انحلال ارتش بوده و سیاه‌یاسداران و کمیته‌ها را هم بنیادهای سرکوبگر ارزیابی کرده‌ایم. که نمونه‌های آن در همان اوایل حکومت موقت در نوروز خونین سنندج (نوروز ۵۸) همراه با مردم قهرمان سنندج توانستیم سند تاریخی این راسته



اهدای شورای انقلاب وقت ( طالقانی ، بهشتی ، بنی صدر ،  
 روحانی ... ) بر سائیم که در آن سداخلال کمیته‌های  
 اسلامی سیدج نصیح شد و با در مریوان در برابر تشکیل سپاه  
 پاسداران در ۲۳ سپرماه ۵۸ همراه با مردم مریوان و یارما -  
 ندهی آمان ، علاوه بر برافکندن سپاه پاسداران تازه تاسیس  
 در مریوان کوچ نارنجی اعبرانی مردم شهر مریوان راهم علیه  
 تشکیل سپاه پاسداران سازماندهی ورهبری کنیم ، و معتقدیم  
 که هیچ حکومتی در آینده نمیتواند مکرانیک باشد مگر  
 سازمان ارتش جدا از مردم مسلح شده و جای آسان طلیح همگانی  
 و ارتش بوده ای نگیرد .

ب (۷) - گروهها و سازمانهای سیاسی متحدان معتقدند که اکثریت  
 مردم با رژیم مخالفند و خواهان سرنگونی این رژیم  
 هستند اگر چنین است پس چرا مردم واکنش نشان  
 نمی دهند و چرا حرکات توده ای وسیع دیده نمیشود ؟  
 ج (۷) - ارزیابی نارضا یینی عمومی از حکومت اسلامی چندان  
 مشکل نیست ، زیرا بر زمینه بحران اقتصادی موجود  
 با امسی اجتماعی و حقان و حشماک ادامه جنگ  
 ایران و عراق و ..... جایی برای رضامندی  
 بوده ها از حکومت جمهوری اسلامی باقی نمی گذارد ،  
 اما اسکه چرا شاهد حرکات وسیع بوده ای نیستیم این  
 نکته را متذکر میشویم که نارضا یینی عمومی به تنهایی  
 باعث طعبان و اعتراضات وسیع نخواهد شد ، پارامتر -  
 های دیگر از جمله کارائی حکومت در سرکوب ، یاس  
 بعد از سرکوب قیام بدلیل سردرگمی نیروهای فعال  
 احتماعی و حرکات تند و جدا ارتوده ها ( ترورهای وسیع )  
 که عملا نقش مهمی در کنار رردن توده ها از شرکت  
 مستقیم و عملی در مبارزه سیاسی و ایجاد بی تفاوتی

و انفعال و انتظار تغییر از بالا ایفا کرده است ، و عیبره عواملی هستند که مانع از رشد جنبش توده‌ای و نظاهرگسردن آن گردیده‌اند . اما در عین حال با تمام فشار و خفقان و سرکوب بی سابقه‌ای که در ایران وجود دارد هر حرکت اعتراضی ممکن است به تنهایی کوچک باشد اما در این شرایط خیلی بزرگ است . مثلا در مدت یکسال گذشته حرکات اعتراضی دواب آهسن ، اتوبوسرانی تهران ، حرکات اعتراضی کارگران در کارخانه‌ها جبهه و گریخته بچشم میخورد . تازه این اعتراضات در خارج از کردستان است . حرکات انقلابی خلق کرد و اعتراضات و حرکات توده‌ای در شهرهای کردستان و پشتیبانی توده‌های غیرکرد از آنها ، همگی بیانگر خشم و نفرت توده‌ها از حکومت جمهوری اسلامی است .

س (۸) - در سینه نیروهای که خواهان سرنگونی رژیم خمینی هستند اختلافاتی موجود است که این اختلافات از جمله در باره ترکیب و ماهیت قدرت سیاسی آینده ایران و نیروی رهبری کننده انقلاب میباشد عجله شمس در این مورد چیست ؟

ج (۸) - همانطور که میدانید هر سال زمان و نیروی اجتماعی بنا بر بنسب و خواسته‌های طبقاتی خود به سرنگونی حکومت مینگرد و وجود اختلاف امری بدیهی است . اما عده‌ای که شور و اسطی مقاومت هم جزو آنهاست بسمه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که ما همین‌اکنون می‌توانیم و حفقان شده است .

فقط به سرنگونی خمینی می‌اندیشند و بهمین خاطر است که ما در دادن شعار سرنگونی هم این امر را در مدنظر داریم که برای توده‌ها روشن سازیم که شعار مرگ بر خمینی فقط صف مخالفان و موافقان حکومت را از یکدیگر جدا میکند ولی به هیچ وجه

چه کسانی حکومت آینده را بدست خواهند گرفت را مشخص نمیکند ،  
همانگونه که مرگ سرشاه را نجره کردند بدون اینکه تغییر حکومت  
بدست مریمعیس جدید را در نظر داشته باشند ، ما طالب سرنگونی  
رژیم جمهوری اسلامی و جایگزینی آن توسط جمهوری دمکراتیک  
انقلابی هستیم . کدازگان و حواستهای سیاسی و اقتصادی آن  
را در برنامه حداقل ، پرولناریای ایران ، یعنی در برنامه  
حزب کمونیست فرموله کرده ایم که در اردیبهشت ۶۱ از تصویب  
سومین کنگره سارمائی گذشت .

ب (۹) - برخی سارمائیهای سیاسی شدید تر و رواجتاق توسط  
جمهوری انقلابی را کردن سارمان مجاهدین خلق و یا  
سارمائیها و جریانی که معتقدیه مبارزه مسلحانه  
هستند و در صحنه مبارزات حاضرند میگذارند و معتقدند  
کدنلت اقتصاد بی سابقه را باید در حرکات (افراطی)  
این سارمائیها جستجو کرد ، بنظر شما آیا این نظریه  
درست است ؟

ج (۹) - اولاً یک آریداین مطلب را روشن کنیم که ، سرور و  
حقان و سرکوب عربیان عمل کردند نه تنها جمهوری اسلامی  
بلکه هر حکومت سرمایه داری در کشورهای ، تحت سلطه  
امپریالسم است و ما این را در برنامه خود به دقت  
بیان داشتیم و در نتیجه با نظراتی که گویای اکثر  
مبارزه ای باشد حکومتهای سرمایه داری در کشورهای  
تحت سلطه به رحم آمده و سرکوب نخواهند کرد . . . . .

یک نظریه ارجاعی با سوسیالیسم و ضد انقلابی است ، و سرعکس  
فقط با قدرت گرفتن انقلاب و سربردهای انقلابی است که قبل  
از سرور و انقلاب دمکراتیک هم حکومتها محور به عقب نشینی  
و فرمهای میشوند . اما نحوه مبارزه کردن با این حکومت و  
استقادی که ما سر عملیات سرورستی و بد جای مردم عمل کردن

داریم ، انتقادی است که بر نیروهای مثل محاهدین داریم ، و این نه به این عنوان که عامل خفقان شده اند بلکه در شرایطی که میبایست و میتوانستند با پشتوانه توده‌ای در برابر گسترش خفقان و سرکوب مقابله کنند و این مبارزه را هر چه توده‌ای تر وسیع تر کنند در تسلیم توده‌ها به حکومت جمهوری اسلامی نقش مؤثری را ایفا کردند و وقتی که نوبت سرکوب خود آنها شد ، با دست زدن به عملیات وسیع تروریستی که طبیعتاً مدت آن هم کوتاه بود در عقب نشان دادن توده‌ها از ادامه مبارزه نقش منفی خود را بازی کردند .

س (۱۰) - همانطوریکه میدانید وضع اقتصادی رژیم بسیار اسفناک است کاهش درآمد صنعت ، خوابیدن جرجهای تولیدی ، هزینه‌های سرسام‌آور جنگ و گرانمایی ، بیکاری و ... عواملی هستند که در بررسی کوتاه‌بجرات میتوان گفت ، که باعث سقوط رژیم خواهند شد ولی چرا علیرغم این همه مشکلات ما زایس رژیم همچنان پابرجاست ، عامل اصلی بقای رژیم در چیست ؟

ج (۱۰) - منظر بخشی از جواب سؤال فوق را در جواب همین سؤال داده‌ام و برای تکمیل جواب این سؤال این را اضافه کنم که زمانی که با رضایسی عمومی بسبب اعتراضات مشهور ، تبدیل گردد و حکومت کارائسی سرکوب آنرا نداشته باشد و آل‌ترناتیو حکومتی هم وجود داشته باشد که جای حکومت در حال سقوط را سه - گیرد امکان جابه‌جایی قدرت وجود دارد ، اکنون می بینیم که آل‌ترناتیو متشکلی که امروز استوار است چنین وضعی را داشته باشد موجود نیست اما در حال شکل گرفتن است ، بنا بر این همراه بار شد و گسترش

انقلاب فقط انقلابی بدل به یک آلترناستوی خواهد شد  
و سازمانها و جریانها بورژوازی هم تلاش میکنند که در زمان  
معین با اتکال بر نیروهای طبقاتی خود جایگزین حکومت  
گردند. یعنی در ضمن مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری  
اسلامی در بطن این مبارزه، مبارزه طبقاتی برای تثبیت  
یک آلترناستو در جریان است که در نهایت یا به شکلی از تسلط  
بورژوازی خواهد انجامید و یا اینبار حکومت دمکراتیک  
انقلابی یا به پای خود را مستحکم خواهد کرد.

س (۱۱۱) - بعد از ۳۰ خرداد که مبارزه مسلحانه‌ی شهری ابعاد  
وسعی گرفته بود خصوصا بعد از اعدام انقلابی سران  
حکومت، یعنی ارباب‌های مخالف رژیم از جمله  
سارمان مجاهدی خلق ایران، ابن امیدر است  
و چون آورده بودند که بروی رژیم سقوط خواهد کرد و  
سارمان مجاهدی خلق نیز انتظار داشت که تحت  
سایر مبارزه مسلحانه‌ی شهری مردم وسیعا وارد میدان  
شوند. ولی علیرغم این انگیزات، بنظر میرسد  
که رژیم توانسته است ظاهرا خود را حفظ کند و بوده‌ها  
از خود واکنشی نشان نداده اند شما این شرایط  
را چگونه تحلیل میکنید؟

ج (۱۱۱) - من وارد این صحبت نمی شوم که چه نیروها یا چه  
کسانی با از بین رفتن چند مهره حکومتی به سرنگونی  
حکومت امیدوار بودند و یا چه دلایلی داشتند.

بنظر ما مجاهدین خلق تا قبل از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ سیاست  
ممانعت حویانه با رژیم جمهوری اسلامی را در پیش گرفته  
بودند و بوده‌های مردم را از گسستن قطعی از رژیم جمهوری  
اسلامی و مبارزه انقلابی با آن با امید داشتند و بعد از آن تاریخ  
با اتحاد ناکتیک سرور گسترده عملا نقش مهمی در کنار ردن

توده‌ها از شرکت مستقیم و عملی در مبارزه سیاسی و ایجاد بی‌تفاوتی و انفعال و انتظار تغییر از بالا باری کردند .

س (۱۲) - بعد از ۳۰ خرداد " شورای ملی مقاومت " بوجود آمد و در ابتدا اینطور وانمود شد که این شورا میتواند آلترناتیو خوبی در مقابل رژیم باشد اکنون وضع این شورا را چگونه می بینید . اصولا آیا شوراها وضعیت کنونی میتوانند به امید توده‌ها مدل گردد ؟

ج (۱۲) - همانطوریکه میدانید رژیم جمهوری اسلامی که از ابتدا سیاست عوام‌فریبی و تکیه بر توهم توده‌ها را پیش گرفته بود با روی آوردن به سیاست کشتار و ترور آشکار در سراسر کشور یورش وسیع و وحشیانه‌ای به جنبش انقلابی و جنبش کارگری روی آورد و اختناق بی سابقه‌ای را بر کشور حاکم کرده است در جنبش وضعیتی طیف وسیعی از ایوزسیون های گوناگون که طبقات و اقشار اجتماعی ایران را نمایندگی می کنند بوجود آمده است .

یکی از این ایوزسیونها شورای ملی مقاومت است . شورای ملی مقاومت که پیوند بین مجاهدین خلق ، بسی صدر و حزب دمکرات کردستان ایران و عراق و برخی نیروها و روشنفکران لیبرال دیگر است بیانگر این واقعیت است که خرده بورژوازی متزلزل در شرایطی که صف مستقل و نیرومند پراولتری وجود نداشته باشد که آنها را بسوی دمکراتیسم انقلابی جلب کند . به زیر پرچم لیبرالیسم بورژوازی خواهند افتاد و همین جماعت هم به شورای ملی مقاومت دل بسته اند . ولی همانکه از برنامۀ شورای ملی مقاومت پیداست این نیروها بعنوان کردن جمهوری اسلامی از دیگرگونی رژیم بوسیله توده‌ها هراسان است و روش و عملکرد نیروهای متشکله آن هم نشان داده است که چشم به تغییر

در این باره، علاوه بر دولتی، چنانکه می بینیم، این سیاست سارس -  
دارای همان برنامه بورژوازی لیبرالی عدم کفایت خود را در  
این دنیا امتحان کرده است. و بنا بر این شورا به تنها امید  
و اعتماد بوده، هم اکنون بلکه کارائی جذب خورده بورژوازی  
بنا بر این اعماردند. داده است زیرا عناصر خورده بورژوازی  
بنا بر این با آرزوهای بزرگ سروری سریع اکنون به ما بوسه  
و بنا بر این با امید

بر (۱۳۱) - ممکن است بگوئید چرا هیچ سازمان و نیروی چپ  
به این صحنه ای در این شورا شرکت ندارد ؟

ج (۱۱۳) - شما منظورتان از نیروی چپ نیروهاشی است که  
لااقل خود را مارکسیست - لنینیست میدانند و یا حتی  
خود را مارکسیست میدانند.

اگر منظورتان این باشد طبیعی است که هیچ مارکسیستی مادام  
که خود را مارکسیست میدانند طالب جمهوری دینی نخواهد بود  
بگذریم، خود میرزا مهتور اصلی مقاومت که قبلا به آن اشاره  
کردم که کاملاً بورژوازی است.

س (۱۱۲) - تعداد ۳۰ خردا دار فعالیت سازمانهای کمونیستی  
در جنبش تقریباً حیرت آمیز بود. یعنی نقش فعالی که  
در روزهای قیام ۵۷ داشتند در این روز و روزهای  
تعداد ۳۰ خردا داشتند من فکر میکنم جنبش  
کمونیستی در داخل ایران در نهایت ضعف و پراکندگی  
سرمسرد فکر میکنم این وضع تاکی ادامه خواهد  
داشت و کلاً بگوئید ریشه و خصوصیت بحران چپ در  
ایران چیست ؟

ج (۱۱۲) - اگر اطلاع داشته باشید سازمان اتحادیه سارران  
کمونیست که قبلاً بنام سپید مقالات و حرواحات تشوینک  
ارزنده ای منتشر کرد در این طرح مسئله بیولوژیسم

که بطور کلی تریگویم با افکار خورده بورژوازی درون جنبش کمونیستی که نقش صف پرولتاریا را تا حد هم سرنوشتی با خورده - بورژوازی و بخشی از بورژوازی (بنام بورژوازی ملی) تنزل میداد و علیرغم شعارهای به ظاهر چپ بخشی از بورژوازی را تطهیر مینمود اعلان جنگ داد طرح این مطلب در سازمان ماکه همواره در طی سالیان مبارزه مستمرش در تکامل بوده و همواره زمینه پذیرش مارکسیسم انقلابی را داشت باعث تثبیت این نظریه شده یعنی ما با طرفدار افکار التقاطی (پوپولیستی) گام بزرگی در تحکیم مارکسیسم انقلابی و صف مستقل پرولتاریا برداشت جنبش کمونیستی ایران بدلیل همین ضعف اساسی بینشی علیرغم شکوفائی ظاهری سازمانها و گروههای مختلف نتوانست قطب مستقل و مبارزی برای دفاع از دستاوردهای قیام را تشکیل دهد، نمی توانست به برنامه مستقل پرولتاریا برای مبارزه با بورژوازی برسد، و در نتیجه تکرار میکنم نمیتوانست به شکل در سازمان آگاه و رزمنده پرولتاریا یعنی حزب کمونیست دست یابد.

و عدم کارائی این سازمانها و گروهها در ادامه مبارزه خود صحت نظریاتمان را اثبات میکند، توهم نسبت به بورژوازی که بخشی از آن را انقلابی دانستن و ارذهنیت خود بخش مترقی را در دولت جمهوری اسلامی دیدن، و دهها انحراف دیگر ناشی از این بینش نادرست این سازمانها در ادامه مبارزه ناتوان میساخت، سازمان چریکهای فدائی خلق قبل از توانائی دولت در سرکوب گسترده به آنچنان سرنوشتی مبتلا شد، سازمان رزمندگان، از هم پاشید و..... ولی در عین حال از بطن این مبارزه مارکسیسم انقلابی متولد شد.

و سازمان ماکه در فروردین ۶۰ اولین برنامه خود را تصویب نمود و در ادامه و تکامل آن درکنگره سوم برنامه



حزب کمونیست را به تصویب رساند و گام بلندی در تثبیت  
 مارکسیسم انقلابی در ایران برداشت. در طی این چهار سال  
 دوران تازه‌ای به روی انقلابیون مارکسیست گشوده شده است،  
 پوپولیسیم و یاسینش خرده بورژوازی مارکسیستی عدم کفایت خود  
 را نشان داد هر چند این دستاورد به قیمت بسیار گزافی برای  
 پرولتاریا و انقلابیون کمونیست تمام شده است اما در جهت  
 دستیابی به برنامه و تحکیم صف مستقل پرولتاریا دوران پسر  
 باری بود. به نظر من چه قبل و چه بعد از ۲۰ خرداد مارکسیسم  
 انقلابی در حال شکوفایی بود و بعد از آنهم قدرت رزمندگی سازمان  
 ما بطور مشخص و سازمان اتحاد مبارزان کمونیست و انقلابیون  
 کمونیست دیگری که با درک انحراف بینشی حاکم برجسته  
 کمونیستی به مارکسیسم انقلابی روی آوردند و به افزایش بود  
 و شکست و عقب نشینی سازمان‌هایی که بعنوان مارکسیست معروف  
 بودند نه عقب نشینی و شکست کمونیسم بلکه شکست و عقب نشینی  
 انحرافات ایدئولوژیک آن بود و تکرار می‌کنیم که از بطن این  
 مبارزه مارکسیسم انقلابی با ارائه برنامه حزب کمونیست اکون  
 هر روز شکوفاتر ارگشته به پیش می‌رود و بحق میتوان مدعی شد  
 تا به امروز هیچ وقت مارکسیسم لنینیسم به قدر تمندی امروزی  
 در ایران وجود نداشته است.

س (۱۵) - به نظر شما چه قشرها و طبقاتی در جامعه ما انقلابی اند  
 و نقش این طبقات و گروه‌های اجتماعی را در انقلاب  
 آینده چگونه می‌بینید؟

ج (۱۵) - فکر میکنم جواب سؤال با صحبت‌هایی که تا کنون  
 کرده ایم روشن باشد. تنها طبقه‌ای که بالقوه تا به  
 آخر انقلابی است و کارایی ادامه مبارزه را به سر  
 انجام رساندن سوسیالیسم را می‌باشد تنها طبقه  
 پرولتاریاست و ستاد آگاه و رزمنده آن یعنی حزب

کمونیست فقط با تکیه بر این طبقه است که میتواند بر ما مـ  
انقلاب را راه داده و سایر اقشار رزخمتکشان و توده محروم را  
به دور آن جمع نماید . یعنی با ارائه برنامه پرولتاریا  
برای انقلاب ایران ( فرموله کردن خواستهای انقلاب ایران  
و درک قانونمندی این مبارزه ) است که میتوان رهبری  
پرولتاریا را تضمین و اقشار غیر پرولترو توده های محروم در این  
شرایط است که از زیر سلطه احزاب و سازمانهای بورژوازی  
بیرون خواهند آمد و انقلاب پیروز مندمکراتیک تحقق پیدا  
خواهد کرد . وگرنه اگر حزب کمونیست موجود نباشد تنهـ  
اقشار خرده بورژوازی بلکه پرولتاریای نا آگاه هم به انقیاد  
حکومت و نیروهای بورژوازی خواهند افتاد .

س ( ۱۶ ) - برخی از سازمانها و شخصیت های سیاسی  
این رژیم فاقد برنامه اند و یکی از خصوصیت این  
رژیم بی برنامه گی آن است . به نظر شما این نظریه  
درست است .

ج ( ۱۶ ) - بنظر من حکومت جمهوری اسلامی اساسی ترین و  
اصلی ترین رسالت خود را تا آنجا که در قدرت دارد  
انجام میدهد ، آنهم سرکوب پرولتاریا و کمونیستها  
و انقلابیون دیگر است ، و این مهمترین و حیاتی ترین  
بخش زندگی این حکومت است و بهمین خاطر است که  
که می پرده ترین و عریان ترین سازمان وحشت و  
ترور بورژوازی را به وجود آورده است .

و اگر مثلا برنامه ریزی دقیق اقتصادی و ..... ندارد ، نه  
بعلت اینکه خصوصیتش در بی برنامه گی با شد بلکه اساسا دولتهای  
بورژوازی بالاچار تابع جریان سرمایه داریند و طبیعا در  
شرایط بحران با درهم ریختگی مکاسم سرمایه داری برنامه  
آنها هم مختل خواهد شد و کارائی کوتاه مدت ترین برنامه ها را

هم اردست میدهند .

س (۱۷) - قیام بهمن ماه ۵۷ چه تغییراتی در وضعیت نیروها و کیفیت مبارزات توده‌ها بوجود آورده است ؟

ج (۱۷) - بنظر من اگر بخواهیم تحلیل مفصلی از تغییرات اجتماعی که بر اثر قیام بوجود آمده است بدست بدهیم در حوصله این گفتگونیست . ولی در ضمن تغییرات روش و سببهای که برای هر کس قابل لمس است را میتوان مختصراً چنین بیان داشت :

بالا رفتن سطح آگاهی کارگران و توده‌های محروم و ستمدیده . تکامل مبارزات عام و همه‌گیر به سازمان یافته‌شدن و ایکنه‌گر و هها و سازمانها هر یک بنا بر وضعیت خود رشد عظیمی کردند . معنی مکاسیم قیام و سیاسی شدن توده‌ها باعث رشد و وجود آمدن سازمانها و گروهها شد . در مرحله بعد میرسیم به چگونگی این سازمانها و گروهها و چگونگی ادامه مبارزه‌شان ، که هر سازمان و گروهی بنا بر پیش طبعاتی خود سعی در ادامه مبارزه به تنوع خود و با سازش با حکومت شد و این دوران که پراز نجارت فراوان انقلابی است . در واقع سره از ناسره جدا میشود . حرده بورژواهای منززل با سازش با حکومت و گاه تظاهرات مبارزات نمایی سخواستندپارهای هر چند کوچک را از حکومت بگیرند ، مانند سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بخش " اکثریت " تماماً تسلیم حکومت بورژوازی گشته و عملاً هم‌جزء خائنین و مدافعان قویون در آیند ، و آنهایی که نتوانستند خود را از قیود بیشه‌ای حرده بورژواری برهانند تا توان از ادامه مبارزه قیل از سرکوب به انحلال کشیده شدند .

مثل سازمان وحدت انقلابی ..... رزمندگان .. .

ویانات مبارزه با شرایط سخت دیکتاتوری بورژوازی حاکم را با آورده و عملاً از صحنه مبارزات اجتماعی ایران بکنار

زده شدند .

س (۱۸) - برای پیروزی انقلاب چه شکلی از مبارزه را عمده میدانید و اصولاً برنامه عمل پیشنهادی شما در این خصوص چیست ؟

ج (۱۸) - فعالیت تشکیلاتی و سازماندهی منسجم پرولتری وهم چنین بوجود آوردن ورهبری تشکلات توده‌ای را امری ضروری می شماریم . و در ضمن این راهم اضافه کنم که ما تمام اشکال مبارزه را برای پیشبرد انقلاب بکار خواهیم گرفت همچنانکه تا کنون چنین کرده‌ایم .

س (۱۹) - اگر معتقد به مبارزه مسلحانه هستید ممکن است به گوئید چرا تا کنون این شکل از مبارزه ، یعنی مبارزه مسلحانه قادر به بسیج واقعی توده‌ها نشده است ؟

ج (۱۹) - ما از آغاز فعالیتمان ( ۴۹ - ۴۸ ) با مرز بندی با مشی مبارزه مسلحانه جدا از توده‌ها (آوانگارد - هائی که برای به حرکت درآوردن توده‌ها دست به عملیات نظامی علیه حکومت میزنند) فعالیت سازمانیمان را شروع کردیم و در طی پیرویه تکاملی آن به صحت نظرات خود مطمئن تر شدیم .

در نتیجه جواب بخش دوم سؤال شما روشن است .

س (۲۰) - فکر میکنید چه شکلی از حکومت برای آینده ایران مناسب است و در این رابطه نقش طبقات مختلف را توضیح دهید ؟

ج (۲۰) - ما در برنامه مصوبه کنگرسوم ( برنامه ح——رب کمونیست ) شکل مناسب حکومتی آینده را جمهوری دمکراتیک انقلابی آریایی کرده‌ایم که در آن :

الف - حاکمیت مردم مبتنی بر دمکراسی شورائی

ب - بر حیده شدن ارتش و سایر نیروهای مسلح حرفه‌ای جدا  
 از مردم و جایگزین شدن آنها با تسلیح عمومی مردم  
 ج - بر حیده شدن بوروکراسی دولتی مافوق مردم و جایگزینی  
 آن توسط نظام دمکراتیک اداره کشور  
 با در نظر گرفتن ارکان فوق می بینیم که اکثریت عام توده‌های  
 مردم که مرکب از کارگران و زحمتکشان و توده‌های ستمدیده  
 هستند امکان اعمال اراده خود را دارند. و این انقلاب بدون  
 درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی ( دیکتاتوری بورژوازی )  
 امکان پیداوری نخواهد داشت .

ب ( ۲۱ ) - با این دمکراسی آینده چیست ؟ فکر میکنید کدام  
 طبقه میتواند آنرا تضمین کند ؟

ج ( ۲۱ ) - در درجه اول پرولتاریا و سازمان آگاه و ورزمننده  
 او ( حزب کمونیست ) بنابه ماهیت مترقی خود  
 احصای مبرم به دمکراسی دارد که میتواند آگاهی  
 و شکل طبقاتی خود را هر چه وسیعتر فراهم نماید .  
 همچنین زحمتکشان و افشاریهی دست شهرورزیها که با برافکندن  
 دیکتاتوری بورژوازی ریشه رشد نیست اجتماعی خود را در همه  
 عرصه‌ها در اعین میکند. بنابراین در سوراخهای مسلح برترکترین  
 ماشین این دمکراسی خواهند بود .

ب ( ۲۲ ) - با توجه به اینکه شرایط بسیار مساعدی برای  
 سازماندهی طبقه کارگر در جامعه ما وجود داشت .  
 برویه تکمیل حزب طبقه کارگر ایران را چگونه می  
 بینید ؟

ج ( ۲۲ ) - چنانکه در سئوالات فوق بدان اشاره کردم بنای  
 تسلط ذهنیت خرده بورژوازی ( بویولستی ) بر  
 سازمانها و گروههای مدعی مارکسیسم سالها بود که  
 کارائی مبارزین کمونیست برای رسیدن به حزب

کمونیست عملاً سد شده بود. همچنانکه اشاره کردید که شرایط مساعدی وجود داشت ولی به همان دلیلی که ذکر شد حزب نتوانست تشکیل شود. اما از سال ۶۰ به بعد با روشن شدن نقطه گری این سدی یعنی دستیابی به برنامه و تدوین برنامه حزب کمونیست راه دستیابی به حزب کمونیست هموار شد و به نظر ما حزب کمونیست ایران با شکل انقلابیون کمونیست حول برنامه حزب کمونیست تشکیل خواهد شد.

س (۲۳) - درباره جنگ ایران و عراق بگوئید این جنگ را چگونه تحلیل میکنید، آیا این جنگ در بقای رژیم اسلامی نقشی داشته است. و در مبارزه نوده ها چه تأثیری گذاشت و تا دم آن چه سودی برای رژیم اسلامی ایران دارد؟

ج (۲۳) - مادر فروردین ۵۹ (۶ ماه قبل از وقوع جنگ) جزوهای درمورد جنگ ایران و عراق نوشتیم.

چون پیش بینی جنین جنگی کاملاً امکان پذیر بود، ما جنگ ایران و عراق را جنگی ارتجاعی ارزیابی کردیم و تلاش حکومت جمهوری اسلامی در دادن زدن به این جنگ برای موجه جلوه دادن سرکوب انقلاب کاملاً چشمگیر است. رژیم جمهوری اسلامی برای سرپوش نهادن بر بحران اقتصادی که تا دم بحران سالهای آخر حکومت شاه بوده و همچنین به بهانه جنگ سرکوب عربیان و بی سابقه ای را علیه کوچکترین حرکت انقلابی بکار برد و اکنون هم با عوارضی که در نتیجه جنگ بدان مبتلا گشته است از خاتمه جنگ هراسان است چون خاتمه دادن به جنگ بدون پیروزی احتمال سقوط حکومت جمهوری اسلامی را احتمالی میسازد، و از طرف دیگر ادامه جنگ با فشار فراوان اقتصادی که در حکومت جمهوری اسلامی میآورد، کارائیش را در ادامه آن کاهش داده است. رژیم جمهوری اسلامی در یک تناقض و بس است

شیر کرده است و علاوه بر اسباب سراسر ارقام توده ها خطری جدی است که حکومت را تهدید میکند. در این گیرودار می بینیم که حکومت جمهوری اسلامی خود را ناچار از ادامه جنگ می بیند.

س (۲۲) - چنانکه مینداید در بخش وسیعی از میهن ما، یعنی کردستان، مبارزه مسلحانه جریان دارد و قریب ۴ سال است که ارتش و سپاه و کمیته ها نتوانسته اند خطی همزمان کرد را بر سر آورند و به موفقیت های چشمگیری برسند. بجزرتهما این مبارزه در ارتباط با انقلاب ایران حکومت است و کلاً بکوشید تا ببینیم که در باره خود مختاری و نامین حقوق خلقهای ستمدیده ایران حکومت مینداید چه پیشنهادی دارند ؟

ج (۲۲) - در مورد مبارزات خلق کرد این نکته را بگویم که علاوه بر اینکه این جنبش بر اساس جنبش ملی دمکراتیک رشد و گسترش یافته است اما راه حل بیرونی ریاضی برای رهبری و ادامه آن بر آن را تبدیل به جنبش انقلابی خلق کرد نموده است و خود را از انقلابی سوسیالیستی که در کردستان ارأما حکومت جمهوری اسلامی با کنیون برای حفظ و گسترش دست آورده های پیام جنبش موشی داشته است و اکنون در واقع سبب انقلاب ایران کردستان است.

درست است که مبارزات خلق کرد در صورت کلی اگر بآن بنگریم به تمهایی نمیتواند حکومت را سرنگون کند اما در شرایط ویژه کنونی شکست حکومت در کردستان ضربه مرگباری بر آن محسوب خواهد شد و به دلیل نبود مبارزاتی وسیع خلق کرد کامی در بنیاد دمکراسی و گسترش انقلاب در ایران خواهد بود.

در مورد خود مختاری و حقوق خلقها ما ندیکوم که ما در شرایط کردستان ایران خود مختاری وسیع و دمکراتیکی را طالبیم که

حداکثر منافع کارگران و زحمتکشان را تامین کند و برای آنها هم  
برنامه خود مختاری برای کردستان را درکنگره سوم به تصویب  
رسانده ایم و خود مختاری را شکلی از رفع ستم ملی میدانیم و  
در عین حال حق ملل را در تعیین سرنوشت خویش به عنوان یک  
بند از برنامه خود خواستاریم .

س (۲۵) - نظر شما درباره دخالت مذهب در حکومت چیست ؟  
و همانطوریکه میدانید سا زمان مجاهدین در مذهبی  
بودن دولت آینده اصرار دارد، در این باره چه  
فکر میکنید ؟

ج (۲۵) - جدائی دین از دولت را بعنوان یک اصل دمکراتیک  
میدانیم و تسلط دین بر دولت به هر عنوان و رنگ  
و روغنی که باشد مثل دمکراتیک اسلامی و غیره را  
ارتجاعی میدانیم و اصرار مجاهدین را در مذهبی  
بودن ناشی از خصوصیت سازشکارانه آنها میباشد  
و علیرغم تجربه تلخ توده ها از تسلط دین بر دولت ،  
به عیب برای ایده ارتجاعی یای میفشارد .

س (۲۶) - در اوایل روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی موارد  
متعددی دیده شد و هم اکنون نیز چسبته گریخته ادامه  
دارد که رژیم به مصادره اموال بعضی از سرمایه داران  
میپردازد شما این مسئله را در رابطه با ماهیت رژیم  
چگونه تحلیل میکنید ؟

ج (۲۶) - همانطوریکه در سؤال ۲۵ به نوعی دیگر مطرح شده  
بود گفتم که مصادره اموال مخالفین رژیم جمهوری  
اسلامی که عده ای از آنها هم ممکن است سرمایه دار  
باشند بهر بهانه ای ، هیچ تغییری در ماهیت  
بورژوازی حکومت نمیدهد ، و مصادره کردن اموال  
عده ای سرمایه دار توسط یک سرمایه دار بررکنگر



( حکومت جمهوری اسلامی ) خود یک پدیده عادی رواسط  
بورژوازی است .

سرمایه داران هم دیگر رami بلعیدیا با رقابت و توطئه . . . . .  
و با بارور و اعمال قدرت و . . . . . در عوض بقاها های مکرر  
وقواسین مکرر علمای اعلام راهم داریم که برای ترغیب و جذب  
سرمایه ها تلاش میکنند .

س ( ۲۷ ) - همانطور که میدانند رژیم جمهوری اسلامی مدتی  
مضحکة اسغال سفارت آمریکا را بر آه انداخت . به  
نظر شما این عمل چه منافع برای رژیم در برداشت .  
موضع تعداد آن زمان در این مورد چه بود و اکنون آن  
را چگونه بررسی میکنید ؟

ج ( ۲۷ ) - در ایران هم ما این پدیده را صرفاً دروغ و مضحکهای  
برای تحریک بوده ها ارزیابی کردیم و دیدیم که  
چگونه بسیاری از سازمانها و گروهها حتی آنها تیکه  
خود را ما رگسیم می شناسند در دام این مضحک  
گرفتا رشتند و حکومت با این تعداد بسیاری تاریخی  
توانست برای مدتی معفها و اختلافات داخلی و  
شکست را در کردستان بیوشاند و در بر سر با به فحاشی  
به آمریکا خود را برای سرکوب جنبش پرولتاری و  
انقلاب آماده کند .

س ( ۲۸ ) - مرحله و ماهیت انقلاب کنونی ایران را چه میدانید  
و مسابسات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی را پس از  
سقوط رژیم اسلامی چگونه پیش بینی میکنید ؟

ج ( ۲۸ ) - چنانکه در سوالات بالا اشاره کردم ، مرحله کنونی  
انقلاب را دمکراتیک ارزیابی میکنیم و خواستار  
جمهوری دمکراتیک انقلابی ایران هستیم و موی  
کوشیم با فراخواندن و تشکل پرولناریا و کمونیستها

به زیر پرچم حزب کمونیست آلترناتیو انقلابی ای در برابر سقوط رژیم موجود بیاید، و لی بعد از سقوط حکومت اسلامی اگر انقلاب نتواند پیروز شود شکل دیگر از حکومت بورژوازی بر سر کار خواهد آمد. و ما چشم انداز وجود آمدن قطب انقلابی را ممکن میدانیم و هم اکنون در کردستان طلوع آنرا مشاهده میکنیم.

س (۲۹) - به نظر شما سیاست خارجه، دولت انقلابی آینده ایران بر چه مبنایی باید استوار باشد "سیاست عدم تعهد" "تکیه بر اردوگاه سوسیالیزم" و "دوستی با کشورهای سرمایه داری" ؟

ج (۲۹) - بی شک ما خواهان سیاست متکی به احترام متقابل، عدم دخالت در امور داخلی دیگران هستیم.

س (۳۰) - آیا به نظر شما "اردوگاه سوسیالیسم" به مفهوم واقعی خود، اکنون در جهان وجود دارد ؟ اگر دارد نامش چیست ؟

ج (۳۰) - ما کشورهای کنونی شوروی و اتحاد آن چین و غیره، را سوسیالیست ندانسته و آنها را جزو کشورهای امپریالیستی ارزیابی میکنیم و کلمه اردوگاه سوسیالیستی را که اکنون به شوروی و کشورهای اروپای شرقی اطلاق میشود یک اسم بی مسمی دانسته و این کشورها را سوسیالیستی ارزیابی نمیکنیم.

جواب سئوالات توسط نماینده کومله

در اروپا داده شده است

## چریکهای فدایی خلق ایران ( ارتش رهایی بخش خلقهای ایران )

س ( ۱ ) - زمینه های مادی - تاریخی بوجود آمدن رژیم ارتجاعی  
آخوندی در ایران را چگونه ارزیابی میکنید ؟  
ج ( ۱ ) - قبل از پاسخ به این سؤال یک نکته را تذکرده ایم  
و آن اینکه اصطلاح " رژیم ارتجاعی آخوندی " را نام -  
گذاری درستی برای رژیم فعلی نمیدانیم . زیرا  
این واژه ماهیت این رژیم را مشخص نمیکند و حتی این  
رژیم در تداوم خود نمیتواند آخوندی ( به مفهوم مصطلح  
آن ) نباشد . همانطور که در ابتدا نیز کاملاً این چنین  
نبود .

از نظر ما این رژیم یک رژیم وابسته به امپریالیسم است و اساساً  
با رژیم قبلی یعنی رژیم وابسته شاه تفاوتی ندارد .  
واژه همین زاویه میتوان زمینه مادی روی کار آمدن آنرا نیز  
توضیح داد . با توجه به اینکه جامعه مایک جامعه تحت سلطه  
است ، خواه ناخواه برای حفظ این سیستم ، رژیم سیاسی نیز ،  
جزیک رژیم وابسته چیز دیگری نمیتواند باشد . اما اگر منظور  
تما این است که به چه دلیل این رژیم در این شرایط چنین  
خصوصیاتی را خود گرفته است ، در پاسخ باید به شرایط  
مبارزاتی جامعه در جریان مبارزات توده ای سالهای ۵۷ - ۵۶  
اشاره ای بکنیم .  
همانطور که میدانید در این مبارزات که اساساً خلعت

امپریالیستی داشت، خرده‌بورژوازی پیشقدم بود. و با توجه به وجود سنت‌های مذهبی در جامعه ما مخصوصاً در میان همیمن قشر خرده‌بورژوازی و بعلاوه با توجه به اینکه مذهب پوششی است که ظرفیت پذیرش ارتجاعی‌ترین محتوی را دارد، امپریالیسم از این پوشش برای پیشبرد منافع خود استفاده کرد و در این رابطه تلاش نمود کسی را بیاورد که هم از نظر مردم بعنوان یک عنصر ضد امپریالیست شناخته شده باشد و هم معتقد به مذهب با ارتجاعی‌ترین محتوای ممکن باشد و این شخص خمینی بود.

س (۲) - تقریباً ۴ سال است که از عمر رژیم جمهوری اسلامی میگذرد و نظریات مختلفی در این چهار سال از طرف گروهها و سازمانها درباره ماهیت و عملکرد آن بیان شده و البته اکنون اینطور به نظر میرسد که اکثر این گروهها و سازمانهای سیاسی دیگر نظر سابق خود را ندارند و میخواستند تا به این نظرشان درباره ماهیت رژیم کنونی چیست؟

ج (۲) - متأسفانه اکثر سازمانها نتوانسته‌اند در قبال رژیم کنونی موضع درستی اتخاذ کنند و این ضعف جنبش انقلابی را در جامعه ما نشان میدهد.

اما ما هیچوقت جز این اکثریتی که گفتید ننموده‌ایم. ما از همان ابتدای شکل‌گیری مجدد خود در خرداد ماه ۵۸ اعلام کردیم که این دولت یک دولت وابسته به امپریالیسم است و برای این ادعای خود دلایلی داشتیم. عملکردهای سه چهار ساله این رژیم نشان داد که ما اشتباه نمی‌کردیم و اکنون نیز برای این موضع پای میفشاریم و این رژیم را یک رژیم وابسته به امپریالیسم می‌شناسیم.

س (۳) - اگر شما این رژیم را وابسته تحلیل میکنید و میگوئید در جهت منافع امپریالیسم قدم بر میدارید پس

مصادره اموال سرمایه داران را چگونه تحلیل میکنید ؟  
ج (۳) - بطور کلی این تذکره لازم میدانیم که بعضی از عملکرد  
- های طبقات حاکم ، اگر بدون توجه به وضعیت مبارزه  
طبقاتی بررسی شوند یا به هیچ وجه قابل توضیح  
نیستند یا اینکه ماهیت آنها کاملاً قلب میشود .

مثلاً امپریالیسم اگرای به انحراف کشانیدن مبارزات  
توده ای قربانی کردن بهترین مهره های خود را نیز ضروری  
بینند . مسلماً این کار را خواهد کرد و اگر جز این باشد یا بدعجیب  
به نظر برسد ، اما در رابطه با سؤال فوق اولاً یک اصطلاح کوچک  
را ضروری میدانیم و آن اینست که بجای مصادره اموال سرمایه -  
داران باید گفت " مصادره اموال بعضی از سرمایه داران " .  
در این رابطه این رژیم با یک تیردوشان رازد :

اولاً بوانست خود را بر جمیع مبارزه ضد امپریالیستی جا بزند  
و ثانیاً اگر توجه کنید بیشتر این سرمایه داران ، از عناصر  
وابسته دربار یا بهر حال بوروکراسی حاکم بودند . که ریخت  
و پاشهای بی حد و حصر آنها ، امپریالیسم را از بخش عظیمی از  
منافع خود محروم داشته بود که با این مصادره ها دولتی کردن  
آنها ، این ثروتها بطور فعالی میتوانند در مدار سرمایه  
امپریالیستی قرار گیرند .

ب (۴) - در تحلیل گروهها و سازمانهای مختلف سیاسی دیده  
میشود که خمینی در ایجاد این رژیم نقشی ایفا کرده  
است بنظر شما امپریالیسم از خمینی چه استفاده هایی  
برای برپائی این رژیم کرده است ؟

ج (۴) - همانطور که قبلاً گفتیم از نظراً امپریالیستها بهر حال  
انحراف مبارزه\* ضد امپریالیستی ، تحت یک پوشش  
مذهبی مطرح بود .

برای چنین هدفی می بایست عناصری را به میدان می آوردند

که هم از نظر مردم مورد قبول باشد و هم از نظر خودشان! از نظر مردم عناصری مورد پذیرش بودند که مبارز بودندشان، مجمل باشد. که خمینی این را داشت یعنی آن روزه، بی محتوا و بی رنگ و بوی سال ۴۲ بهر حال کار خود را کرده بود (فعلا دلایلش بعاند) و از نظر مردم خمینی دارای یک موضع مبارزاتی بود و در عین حال در واقعیت تمام شرایطی را که برای نجات سیستم و انحراف جنبش لازم بود، در خود داشت از همین روستا دستگاہها<sup>۴</sup> تبلیغاتی وابسته به امپریالیسم این وظیفه را به عهده گرفتند تا او را در راس جنبش قرار دهند و بدین ترتیب توانستند این جنبش را از محتوای انقلابی خویش تهی سازند.

س (۵) - هم اکنون در صف مخالفین رژیم افراد و سازمانهای سیاسی وجود دارند که برخی از این افراد و سازمانها حتی در بنای این رژیم نقش فعالی داشتند ولی اینک در مقابل این رژیم قرار دارند و خواهان سرنگونی آن هستند. شما این مسئله را چگونه تحلیل میکنید و نظرتان در باره آن چیست؟

ج (۵) - این افراد و سازمانهایی که میگویند برای شرایط خاصی آمده بودند و بعد از اینکه وظایفشان را انجام دادند میبایست میرفتند که رفتند.

در شرایطی که حیات سیستم امپریالیستی میرفت که به خطر بیفتد، تمام کسانی که نفعی در حفظ این سیستم داشتند بیهمین میدان آمدند و هر چه در چنته داشتند در طبق اخلاص گذارند تا مشترکاً بهر حال کاری انجام دهند. و وقتی در هر صورت وظایف خود را انجام دادند دوباره تضادهای قدیمی گل کرد و بجان یکدیگر افتادند و برنده هم کسی بود که گذشته از چیزهای دیگر، حمایت مستقیم ربا ب رانیز با خود داشت حتی خود رژیم جمهوری اسلامی با این خصوصیات بنظر میرسد که وظیفه پیشبرد آخرین

مرحله را استراتژی امیرالیستی . برای تثبیت اوضاع بعد از قیام رابعه ده دارد در صورت موفقیت در انجام این وظیفه که یکی از قسمتهای مهم آن کنترل اوضاع کردستان است . احتمالا در آینده منتظر محاکمه سران همین رژیم نیز خواهیم بود .

س (۶) - در آغاز روی کار آمدن رژیم اسلامی ، اکثر گروهها و سازمانهای سیاسی یا خواهان انحلال ارتش و یا خواهان اصلاح آن بودند ولی اکثر ا کمیته ها و پاسداران انقلاب را ارکاهای مردمی تحلیل می کردند و برعکس امروز ملاحظه میکنیم که اکثر همان سازمانها ، پاسداران و کمیته ها را ضد مردمی و دشمنان خلق تلقی میکنند ولی درباره ارتش نظر روشنی ابراز نمیدارند . به نظر شما این اتخاذ مواضع بر چه پایه ای است ؟

ج (۶) - ببینید تا وقتی که یک سازمان اهداف روشنی را رودر روی خود نداشته باشد ، و بر اساس این اهداف برنامه روش و خط مشخصی را در پیش نگیرد ، دچار نواسانات و احراقات زیادی خواهد شد و عملا دورتر از نوک بینی خود را خواهد دید .

اس سازمانهایی که مورد نظر شما هستند ، نه فقط در مورد ارتش و پاسداران چنین زیگزاکیهایی را زدند ، بلکه در قبال بیشتر مسائل اجتماعی ، مواضعی متناقض و مبهم اتخاذ نمودند . در این دوسه سال بی پرنسیبی اپورتونیسم آشکارا به نمایش گذاشته شد و علت بلا واسطه این وضعیت که میگویید در همین جا سهفته است که خود این نیز ناشی از مواضع طبقاتی غیر پرولتری است . بهر حال در این مورد نیز سازمان ما هیچگاه دچار توهم نشد و سپاه پاسداران و ارتش را در یک صف و جزئ نیروهای سرکوبگر رژیم ارزیابی نمود و هم اکنون نیز چنین موضعی را

در قبال آنها دارد .

س (۷) - گروهها و سازمانهای سیاسی متحد معتقدند که اکثریت مردم با رژیم مخالفند و خواهان سرنگونی این رژیم هستند اگر چنین است پس چرا مردم واکنش نشان نمیدهند و چرا حرکات توده‌ای وسیع دیده نمیشود ؟

ج (۷) - این واقعیتی است که اکثریت مردم از این رژیم ناراضی اند .

اما همیشه ناراضی توده‌ها بصورت مبارزات وسیع توده‌ای خود را نشان نمی‌دهد ، عوامل مختلفی ممکن است آنرا بیه تاخیر بیا نندازند در این مورد مشخص به نظر ما از یک طرف دیکتاتوری و خفقان حاکم و از طرف دیگر پراکندگی و تشتت و بی برنامه‌گی سازمانهای سیاسی و تاثیرات آن بر ذهنیت توده‌ها ، نقش مهمی را ایفا کرده است البته این عوامل می‌توانند مبارزات وسیع توده‌ای را بیه تاخیر بیا نندازند و مسلماً مادر آینده‌ای شاید چندان دور شاهد چنین مبارزاتی خواهیم بود در ضمن ذکر این نکته راهم ضروری میدانیم که با توجه به مبارزات وسیع خلق کرد ، و مبارزات پراکنده توده‌ها در نقاط مختلف گفتن اینکه توده‌ها واکنش نشان نمیدهند ، قسری بی انصافی است .

س (۸) - در بین نیروهایی که خواهان سرنگونی رژیم خمینی هستند اختلافاتی موجود است که این اختلافات از جمله درباره ترکیب و ماهیت قدرت سیاسی آینده ایران و نیروی رهبری کننده انقلاب میباشد عقیده شما در این مورد چیست ؟

ج (۸) - ما معتقد به جمهوری دمکراتیک خلق هستیم و بنا بر این نیروهای طبقاتی مختلف میتوانند در این دولت سهم شونند ، به شرط آنکه دارای موضع ضد



امیرالایسنی با سند

اما به اعتقاد ما رهبری این حکومت با پرولتاریاست و بنا بر این چنین حکومتی اساساً یک حکومت پرولتری است. البته این وضعیت ماباره طبقاتی است که تعیین میکنند در موقع کسب قدرت سیاسی دقیقاً چه نیروهایی و تاجه خدمتوانند در این دولت سهیم باشند اما آنچه امروز روشن است، اینست که دهقانان و اقشاری از حرده سوزواری سهر و سعه پرولتاریای روسا دارای موضع ضد امیرالایسنی هستند و جز متحدین پرولتاریا به حساب نمی آید.

س (۹) - برخی سارماهای سیاسی تشدید ترور و اختناق توسط جمهوری اسلامی را بکردن سارمان مجاهدین خلق و با سارمانها و جریاناتی که معتقد به مبارزه مسلحانه هستند و در صحنه مبارزات حاضرند میگردانند و معتقدند که علت اختناق بی سابقه را با بد در حرکات (افراطی) این سارمانها جستجو کردند. نظر شما آیا این نظریه درست است؟

ج (۹) - مسلماً ما چنین نظری را نمیتوانیم قبول داشته باشیم زیرا همانطور که میدانی سارمان ما معتقد به مبارزه مسلحانه است و اعتقاد دارد که باید توده ها را احول چنین مبارزه ای تسیح کرد و عملاً بیش از سه سال است در مبارزه مسلحانه خلق کرد شرکت دارد و یکسال است که مبارزه مسلحانه را از جنگلهای شمال ایران آغاز کرده است و در این مدت رفقای ما ضربات متعددی را به ارگانهای سرکوب رژیم در ما زندران وار کرده اند علاوه در شهر نیز ما عملیات مسلحانه داشته ایم و در نظر داریم در صورت امکان آنرا نیز گسترش دهیم.

این نظرا ریک را و به هم میتواند درست باشد اما نتیجه ای که

از آن گرفته میشود درست برعکس آن چیزی است که سازمانها نتیجه میگیرند. زیرا رژیم حاکم مسلما وقتی با مبارزه‌ای روبرو شود که موجودیت آن را به خطر میاندازد عکس العمل نشان خواهد داد و بر شدت سرکوب خود خواهد افزود و برعکس اگر فرض کنیم که در جامعه هیچ مبارزه‌ای که طبقه حاکم را به خطر اندازد وجود نداشته باشد، مطمئنا شدت سرکوب هم به همین حد کم خواهد شد. البته در یک جامعه تحت سلطه این فرض محالی است زیرا بعلمت ماهیت نظام همیشه امکان گسترش مبارزات "خطرناک" برای طبقه حاکم وجود دارد اما به فرض امکان چنین حالتی، آیا یک سازمان انقلابی باید یک حرکت بی رنگ و خاصیت رادریش گیرد تا رژیم به خطر نیفتد و در نتیجه عکس العمل نشان ندهد یا اینکه دقیقا بعلمت انقلابی بودن خود باید مبارزه‌ای رادریش گیرد که حاکمیت را به خطر میاندازد ؟

فکر میکنیم جواب روشن باشد فقط از این که رژیم گاهی به سراغ بی خطر ها هم میرود متاسفیم !

س (۱۰) - همان طوریکه میدانید وضع اقتصادی رژیم بسیار اسفناک است کاهش درآمد نفت، خوابیدن چرخهای تولیدی، هزینه‌های سرسام آور جنگ و گرانسی، بیکاری و... عواملی هستند که در بررسی کوتاه بجزرات میتوان گفت، که باعث سقوط رژیم خواهند شد ولی چرا علیرغم این همه مشکلات با زاین رژیم همچنان پابرجاست، عامل اصلی بقای رژیم در چیست ؟

ج (۱۰) - علت اصلی بقای رژیم عدم وجود مبارزات مسلحانه وسیع توده‌ای و سازمان یافته است و علت این امر راهم در پاسخ سؤال هفتم شما بطور خلاصه توضیح دادیم اما یک نکته را باید تاکید کنیم و آن اینکه به اعتقاد ما مبارزات توده‌ای در صورتی میتواند یک

بحول انقلابی در جامعه ایجاد کند که رهبری آن با پرولتاریا باشد . در غیر این صورت به انحراف کشیده خواهد شد .

س ( ۱۱ ) - بعد از ۳۰ خرداد که مبارزه مسلحانه‌ی شهری ابعاد وسیعی گرفته بود خصوصا بعد از اعدام انقلابی سران حکومت ، بعضی از نیروهای مخالف رژیم از جمله سازمان مجاهدین خلق ایران ، این امید را بوجود آورده بودند که ورود رژیم سقوط خواهد کرد و سازمان مجاهدین خلق نیز انتظار داشت که تحت تاثیر مبارزه مسلحانه‌ی شهری مردم وسیعا وارد میدان شوند ، ولی علیرغم این ابتکارها ، بنظر میرسد که رژیم ————— توانسته است ظاهرا خود را حفظ کند و توده‌ها از خود واکنشی نشان نداده اند شما این شرایط را چگونه تحلیل میکنید ؟

ج ( ۱۱ ) - در سوالات شما چند جا از سازمان مجاهدین نام برده شد لازم است در مورد وضعیت سازمان مجاهدین توضیحی بدهیم .

بنظر ما سازمان مجاهدین بعد از قیام بهمن ماه ، آن سازمان مجاهدین نیست که در دههٔ پنجاه در جامعه مبارزه میکرد . این سازمان بعد از قیام در بسیاری از زمینه‌ها ، از مواضع رادیکال پیشین خود عقب نشست و چون همان سابقه مبارزاتی درخشان ، توده‌های وسیعی را به طرف این سازمان کشیده بود ، عملکردها و مواضع انحرافی این سازمان توهمات زیادی را در بین زحمتکشان جامعه مادام زنده . این سازمان ابتدارهبری خمینی را تا بید نمود . از مضحکهٔ اشغال سفارت پشیمانسی کرد ، حاضر شده پیشهاد خمینی ، بشریه خود را تعطیل نماید و در بسیاری از مایشات انتخاباتی رژیم شرکت کرد و با بنی صدر " شورای ملی مقاومت " آنچنانی تشکیل داد و ..... که

بررسی همه جانبه، این حرکات جای بحث دیگری دارد .  
 حتی این سازمان مدت‌ها نه فقط هیچ نقش مثبتی در مبارزه خلق  
 کرد ایفا نکرد بلکه بطور ضمنی آنرا حتی در مواردی محکوم نمود .  
 آن توهمی که بعد از ۳۰ خرداد بوجود آمده بود نیز یک چشمه از  
 کارهای همین سازمان است . البته ما حما سه‌هایی را که بسیاری  
 از مجاهدین در شهرها آفریدند نادیده نمی‌گیریم اما تا کتیک‌های  
 قهرآمیز حتی اگر به بهترین نحوی هم پیاپی شونده‌ای در خدمت  
 برنامه‌های رفرمیستی باشند، نمیتوانند نتایجی انقلابی به  
 یاری آورند و این هشدار است که مجاهدین باید بدان توجه  
 کنند بنظر ما همانطور که گفتیم، جز در جریان جنگ نبوده‌ای  
 طولانی به رهبری پرولتاریا، امکان نابودی حاکمیت  
 امپریالیسم در جامعه ما وجود ندارد .

رهبری پرولتری در حقیقت تضمین کننده جهت‌گیری و برنامه  
 انقلابی این مبارزه است . خوب اگر صحبت از یک تحول انقلابی  
 در حاکمیت سیاسی است، جز این راه دیگری وجود ندارد اما اگر  
 سخن از تغییر و تعویض مهره‌ها و گروه‌های ارتجائی و وابسته  
 است، میتواند دلایل مختلف و در شرایط مختلف چینی  
 تغییراتی بوقوع بپیوندد، اما این مورد چه مسئله‌ای را می  
 خواهد برای انقلاب حل کند؟ چه پاسخی می‌خواهد به خواست  
 توده‌ها بدهد؟ ما هیچگاه چنین انتظاراتی نداشته‌ و نداریم  
 که چند روزه و چند ماهه رژیم سرنگون شود و اگر همین اتفاق  
 بیفتد مطمئنیم که فقط یک جابجائی از بالا است .

توده‌ها را به چنین تغییراتی دلخوش کردن، و بوجود آوردن  
 توهمات از این قبیل اهمیت بیش از حد برای آن قائل  
 شدن، سنگ اندازی بر سر راه انقلاب است . با توجه به این  
 توضیحات فکر میکنیم، به این سؤال جواب داده باشیم که چرا  
 " علی‌رغم این ابتکارات " رژیم‌ها را توانسته است انسجام

خود را حفظ کند اما باید گوئیم که علی‌رغم این انسجام ظاهری مبارزات نیروهای مختلف و از جمله همین مجاهدین توانسته است ضرباتی را بر بیکر رژیم وارد آورد که اهمیت آن کم نیست و بشرط تداوم و جهت‌گیری انقلابی نتایج مثبت آن درآینده خود را نشان خواهد داد .

س (۱۲) - بعد از ۳۰ خرداد " شورای ملی مقاومت " بوجود آمد و در ابتدا اینطور وانمود شد که این شورا میتواند وضعیت آلترا تئو خوبی در مقابل رژیم باشد اکنون وضع این شورا را چگونه ببینید ؟ اصولا آیا این شورا با وضعیت کنونی میتواند سهام میدهد تا با اصلاحات که در دسترس است بگوئید چرا هیچ سازمان چپ شناخته شده‌ای در این شورا شرکت ندارد ؟

ج (۱۲) و (۱۳) - به نظر ما هیچ وجه نمیتوان امید داشت که " شورای ملی مقاومت " با آن شرایطی که تا اینجا مشخص شده است ، داشت زیرا برنامه‌های که " شورای ملی مقاومت " ارائه میدهد یک برنامه گل و گشاد و فرمیستی است و همین عامل است که باعث میشود حتی نیروهای امثال بنی صدر هم در آن شرکت داشته باشند و همین عامل است که باعث میشود چپ انقلابی در این " شورا " شرکت نداشته باشد .

س (۱۴) - بعد از ۳۰ خرداد از فعالیت سازمانهای کمونیستی در جنبش تقریبا خبری نبود ، یعنی نقش فعالی که در روزهای قیام ۵۷ داشتند در این روز و روزهای بعد از ۳۰ خرداد نداشتند من فکر میکنم جنبش کمونیستی در داخل ایران در نهایت ضعف و پراکندگی بسر میبرد فکر میکنید این وضع تا کی ادامه خواهد داشت و کلا بگوئید ریشه و خصوصیت بحران چپ در

بیرون چیست ؟

ج (۱۴) - البته ما معتقد نیستیم که سازمانهای کمونیستی (به مفهوم مصطلح آن) در روزهای قیام سال ۵۷ نقش فعالی ایفا کردند ولی بهر حال نقش آنها پس از ۳۰ خرداد از این حد هم بسیار تنزل کرد.

ما هم این نظر شما را که "جنبش کمونیستی در داخل ایران در نهایت ضعف و پراکندگی بسر میبرد" تایید میکنیم اما اینکه این وضع تا کی ادامه خواهد داشت، سئوالی است که نمیتوان بدان پاسخ دقیقی داد. زیرا به عوامل متعددی بستگی دارد. فقط میتوانیم بگوییم که این سه چهار سال پس از قیام زمینه های حل چنین بحرانی را فراهم کرده است، به اعتقاد ما خصوصیت اصلی بحران چپ، شکاف عظیم بین تئوری و عمل آن است و ریشه این نیز در جذای آن از توده ها و ترکیب عمدتاً روشنفکری این جنبش نهفته است؛ اینکه میگوییم شکاف بین تئوری و عمل به این مفهوم نیست که ما نیروهای چپ را از نظر تئوریک تایید میکنیم یا نارساییهای آنرا نمی بینیم بلکه به اعتقاد ما اگر تلاشی جدی برای به عمل درآوردن همین تئوریها صورت میگرفت، ضعفها و انحرافات تئوریک آن نیز مشخص تر میشد و امکان برطرف نمودن آنها فراهم می گشت.

حرکت غالباً خود بخودی سازمانهای چپ نیز از همین شکاف بین تئوری و پراتیک ناشی میشود.

س (۱۵) - به نظر شما چه قشرها و طبقاتی در جامعه ما انقلابی اند و نقش این طبقات و گروههای اجتماعی را در انقلاب آینده چگونه می بینید ؟

ج (۱۵) - بنظر ما طبقه کارگر انقلابی ترین طبقه در جامعه ما است بجز این طبقه دهقانان و نیمه پرولتاریای روستا و اقشاری از خرده بورژوازی شهری، نیروهای

هستند که درصاف انقلاب قرار دارند. اما اینکه در آینده مثلا پس از کسب قدرت سیاسی این اقشار چه نقشی خواهند داشت، بستگی به پیرویه و وضعیت مبارزه طبقاتی در جامعه ما دارد و اکنون نمیتوان دقیقا به این سؤال پاسخ گفت.

س (۱۶) - برخی از سازمانها و شخصیت های سیاسی این رژیم فاقد برنامها و اندوکی از خصوصیات این رژیم سیاسی برنامگی آن است. بنظر شما این نظریه درست است؟

ج (۱۶) - ما این نظر را درست نمیدانیم و معتقدیم که این رژیم مشخصا دارای برنامه است و برنامه آن اساسا ادامه برنامهای است که رژیم قبلی در حال پیاده کردن آن بود منتها با توجه به شرایط جدید و تغییراتی که در وضعیت مبارزاتی جامعه ایجاد شده است در برنامه های این رژیم نیز تغییراتی بوجود آمده است که این تغییرات اساسی نیست.

س (۱۷) - قیام بهمن ماه ۵۷ چه تغییراتی در وضعیت نیروها و کیفیت مبارزات توده ها بوجود آورده است؟

ج (۱۷) - مهمترین تغییری که در جریان قیام بوجود آمد، خارج شدن مبارزات توده ها از حالت رکود بود که جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را برای اینکه این حالت را به مبارزات توده ها برگرداند، به کار برده و هم اکنون نیز در این جهت بیشترین نیرو را بسیج کرده است اما پس از تقریبا ۴ سال موفق به انجام این کار نشده است و حتی چشم انداز فعال تر شدن این مبارزات کاملا آشکار است، این قیام درسهای زیادی را به توده ها آموخت و آگاهی آنها را در حد زیادی بالا برد. بعلاوه در جریان قیام و پس

از آن تزلزلات لایه‌های بالائی خرده‌بورزوازی شهری کاملاً آشکار شد و از این لایه‌ها عناصر زیادی به صف ضدانقلاب پیوستند که این واقعیت می‌تواند تغییراتی را در صف بندی نیروهای طبقاتی در آینده ایجاد کند .

قیام بهمن ماه بخش وسیعی از نیروهای چپ را که در لاک خود بودند و تمام هم و غمشان ، رد تئوری مبارزه مسلحانه و محکوم نمودن مبارزات چریکهای فدائی خلق بود ، بمیدان کشید و ضعفها و انحرافات اساسی آنرا اعلانشان داد و این نیز خود می‌تواند به تقویت نیروی چپ کمک کند .

س (۱۸) - برای پیروزی انقلاب چه شکلی از مبارزه را عمده میدانید و اصولاً برنامه عمل پیشنهادی شما در این

خصوص چیست ؟

ج (۱۸) - مادر جوانها قنبلی پاسخ به این سؤال را داده‌ایم و گفتیم که مبارزه مسلحانه را محوری میدانیم و اشکال دیگر مبارزه در چنین متنی می‌توانند موثر واقع شوند .

اما درک ما از مبارزه مسلحانه ، آن چیزی نیست که مخالفین ما می‌گویند تا راحت بتوانند بدان بتازند . ما معتقدیم جنبه گتوده‌های طولانی هستیم که ایده‌های اساسی آن در کتاب " مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک " نوشته رفیق کبیر معهود احمدزاده آمده است . در این رابطه ما مشخصاً حرکت در جهت کشودن جنبه‌های جدید ( بجز کردستان ) را عملی و ضروری می‌دانیم که مشخصاً از جنگ پارتیزانی در روستا شروع می‌شود و مبارزات مسلحانه ، شهری نقش کمکی را در این رابطه ایفا میکند . حرکت پارتیزانی ما در شمال ایران و در حد محدودی در شهرها ، بر اساس چنین برنامه‌ای صورت می‌گیرد و تجربیاتی که ما تا کنون بدست آورده‌ایم ، بسیاری از ایده‌های ما را تایید



سموده است که در نظر داریم بطور مشروح برای برنامه و تجربیات خود روابطه اشکال دیگر مبارزه با مبارزه اصلی را در اختیار جنس قرار دهیم .

س (۱۹) - اگر معتقد به مبارزه مسلحانه هستید ممکن است به گویند چرا اکنون این شکل از مبارزه ، یعنی مبارزه مسلحانه قادر به بسیج واقعی توده ها نشده است ؟

ج (۱۹) - برعکس ، تجربیات بعد از قیام نشان میدهد که تنها مبارزه مسلحانه است که قادر به بسیج واقعی توده ها است . در این رابطه باید به مبارزات خلق کرد ، مرکز و در حد محدودتری خلق عرب اشاره کرد .

چه شکل دیگری از مبارزه توانسته است در این حد توده ها را به میدان بکشد ؟ اما بعضی که مشاهده میشوند ناشی از خود مبارزه مسلحانه ، بلکه ناشی از عدم رهبری انقلابی و برنامه ، این مبارزات است . اگر توجه کنید بعد از قیام تنها سازمانی که به مبارزه مسلحانه معتقد بود تا زمان ما بود و هنوز هم احدی این چنین است . علت این امر جای بحث دیگری دارد ولی بهر حال واقعیت این چنین بود ما از خود انتظار نداریم که حتی در صورت هیچگونه اشتباهی بتوانیم در پیروهای کوتاه ، بخش وسیعی از توده ها را بسیج کنیم ، زیرا گذشته از اینکه بسیج واقعی توده ها در مبارزه مسلحانه معمولا تدریجی است ، سازمان ما از توانائی های بسیار محدودی نیز برخوردار بود . اما عامل دیگری که به این امر کمک کرد ، ضعفها و اشتباهات خود ما بود که در نتیجه نتوانستیم از نیروی محدود خود سیر در حد مطلوبی بهره گیری کنیم ، می خواهیم بگوییم که مبارزه مسلحانه بدون رهبری و سازماندهی آن نمیتواند مورد بررسی قرار گیرد و اگر با توجه به این جنبه ها تجربیات

همین سه چهار رساله را مورد بررسی قرار دهید متوجه خواهید شد که این تجربیات تاییدی است بر این نظر که در شرایط حاکمیت امپریالیستی، این مبارزه مسلحانه است که میتواند توده‌ها را وسیعاً به میدان مبارزه بکشانند و سازماندهی نماید. تجربه خلق کرد در این رابطه میتواند بطور دقیق تری مورد بررسی قرار گیرد، اگر توجه کنید می بینید که پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، مبارزات توده‌ای در اشکال مختلف آن در جریان بود و کارخانه‌ها و روستاها و خیابانها، همگی صحنه مبارزه بودند، اما رژیم با نیروی نسبتاً محدود و با یک یورش توانست تمام این مبارزات را سرکوب کند یا بهر حال مهار نماید اما با وجود آنکه عظیم‌ترین نیروی نظامی خود را به کردستان گسیل داشته است و حتی از نیروی تبلیغی و اقتصادی و فرهنگی خود نیز بخش مهمی را به این قسمت اختصاص داده است، باز هموز در سرکوب این جنبش موفق نبوده است و همین مبارزه امکان کار فرهنگی و آگاه‌گرانه را در میان خلق کرد بنحوی سابقه‌ای بوجود آورده است.

بعلاوه تاثيرات همین مبارزه، خلق کرد، بر مبارزات دیگر نیز میتوان توجه نمود، اما ما از ابتدا هم میگفتیم و اکنون نیز میگوئیم که تداوم و گسترش اصولی این مبارزه، منوط به رهبری انقلابی و با برنامه آنست و در غیر این صورت این مبارزه محکوم به شکست است و این امر به هیچوجه تاییدی بر نادرستی مبارزه مسلحانه نیست بلکه تاییدی بر درستی آن به مفهومی است که ما میگوئیم.

س (۲۰) - فکر میکنید چه شکلی از حکومت برای آینده ایران مناسب است و در این رابطه نقش طبقات مختلف را

توضیح دهید ؟

ج (۲۰) - همانطور که قبلاً گفتیم آنچه امروز میتوان گفت این

است که حکومت انقلابی آینده ایران جمهوری دمکراتیک خلق است که دو خصوصیت اصلی آن رهبری پرولتری و شرکت اقشار ضد امپریالیست در آن است اما این وضعیت مبارزه طبقاتی و شرایط کسب قدرت سیاسی و نقش طبقات مختلف در مبارزه ضد امپریالیستی است ، که نقش آنها را در دولت آینده مشخص تر می سازد و بنا بر این از هم اکنون نمیتوان پاسخ دقیق تری را به این سؤال داد .

س (۲۱) - ما من دمکراسی آینده چیست ؟ فکر میکنید کدام طبقه میتواند آنرا تضمین کند ؟

ج (۲۱) - بطور خلاصه باید گوئیم ما من دمکراسی آینده ارتش خلق و رهبری پرولتری آن است .

س (۲۲) - با توجه به اینکه شرایط بسیار مساعدی برای سازمان

ندهی طبقه کارگر در جامعه ما وجود داشت . پرسوه

تشکیل حزب طبقه کارگر ایران را چگونه می بینید ؟

ج (۲۲) - پاسخ به این سؤال بحث مفصلی را می طلبد که

مذنها به نحوی بین ما و نیروهای دیگر جریان داشته

است اما بهر حال ما برای پاسخ به قسمت اول این

سؤال ناچاریم ابتدا قسمت دوم را جواب دهیم .

بنظر ما سازماندهی طبقه کارگر منوط به گسترش مبارزات کارگری

و شرکت فعال در این مبارزات است و گسترش مبارزات کارگری

هم منوط به گسترش مبارزه مسلحانه در جامعه است ، البته ما این

دورا چندان هم از هم جدا نمیدانیم زیرا بعلت وضعیت طبقه

کارگر ایران و شرایط حاکمیت امپریالیستی ، پرولتاریا

را ابتدا با صف مستقل وارد این مبارزه نمیشود ( این مفهوم

آن نیست که ما رکسیست ها هم با صف مستقل در این مبارزه شرکت

نمیکنند ) بلکه در جریان این مبارزه است که به تدریج صفوف

طبقه کارگری مشخص تر میشود و سازمانهای ما رکسیستی این امکان

را می‌بندتا با طبقه پیوند نزدیکتری را برقرار سازند .  
 'ولین شرط تشکیل حزب بنظر ما پیوند سازمان‌های تشکیل‌دهنده  
 حزب با طبقه کارگر- پیوندی درسطوح مختلف- است وهمین  
 پیوند با طبقه کارگر است که زمینه مادی وحدت حزبی را در میان  
 سازمان‌های مارکسیستی به وجود می‌آورد و به علاوه همین پیوند  
 است که باعث میشود وحدت سازمان‌های مارکسیستی ، صرفاً  
 وحدتی روشنفکرانه یا وحدت روشنفکران نباشد بلکه از وحدت  
 سیاسی ایدئولوژیک وتشکیلاتی این سازمان‌ها درحقیقت خود  
 طبقه به وحدت برسد وجهت‌گیری واحدی را درپیش گیرد و آنها به  
 شرط بهره‌گیری اصولی از این زمینه میتوانند تدریج از نظر  
 مشی و برنامه و دیدگاه‌های تشکیلاتی به وحدت‌های اصولی  
 برسند وتشکیل حزب از نظر ما چنین پروسه‌ای را طی میکند .  
 با توجه به این توضیح فکر میکنیم پاسخ این سؤال که چرا  
 سازمان‌های چپ موفق به تشکیل این طبقه نشده اند روشن باشد :  
 آنها غالباً نتوانسته اند مارکسیسم لنینیسم را با شرایط مشخص  
 جامعه ما تطبیق دهند و تازه اگر هم چنین کاری را میکردند یا  
 بکنند ، یک پروسه نسبتاً طولانی برای تشکیل این طبقه الزامی  
 است .

س (۲۳) - درباره جنگ ایران و عراق بگوئید این جنگ را چگونه  
 تحلیل میکنید ، آیا این جنگ دربقای رژیم اسلامی  
 نقشی داشته است . و در مبارزات توده‌ها چه تأثیری  
 گذاشت . و تداوم آن چه سودی برای رژیم اسلامی  
 ایران دارد ؟

ج (۲۳) - بنظر ما جنگ ایران و عراق ناشی از تمادهای دروسی  
 نیروهای امپریالیستی است .

ما هر دو دولت ایران و عراق را وابسته به امپریالیسم میدانیم .  
 پس از جنگ جهانی دوم تاکنون ، جنگ نیروهای امپریالیستی

برسر با زاو مناطق نفوذ ، بجای آنکه خود را بصورت جنگهای جهانی بین کشورهای متروپل نشان دهد ، از طریق جنگ بین کشورهای وابسته به این نیروها ، صورت گرفته است و علت عمده این امر هم آنست که بعلت گسترش سیستم امپریالیستی و بوجود آمدن قطب بندی های مشخص تر بین این نیروها ، مرزهای جغرافیائی بیانگر مرز بین نیروهای عمده امپریالیستی نیستند یک علت دیگر را هم که شاید تعیین کننده نباشد باید درو حشت در جنگهای هسته ای ، و وضعیت رابطه نیروهای امپریالیستی با بلوک شرق جستجو کرد .

بهر حال جنگ ایران و عراق از این زاویه قابل توضیح است . البته در رابطه با این جنگ عواملی از قبیل به انحراف کشاندن مبارزات داخلی زحمتکشان این کشورها و سیاستهای امپریالیستی در رابطه با این مبارزات نیز دخیل بوده است . این جنگ توانست تا حدی مبارزات توده ها را به انحراف بکشد و مبارزات ضد امپریالیستی خلقها و زحمتکشان ایران را به سکوت برگزار کند .

اما کشتار فرزند ان خلق و خانه خرابی و بیکاری ناشی از این جنگ و فشار بحرانهای اقتصادی بر زحمتکشان ، خواه ناخواه ، در دراز مدت نارضایتی را در بین توده ها گسترش خواهد داد و از هم اکنون هم این وضعیت در حال آشکار شدن است و از همین رو ا دامه آن دیگر به نفع رژیم نمیتواند باشد .

س (۲۴) - سؤال بعدی درباره کردستان است . چنانکه میدانید در بخش وسیعی از میهن ما ، یعنی کردستان مبارزه مسلحانه جریان دارد و غریب چهار سال است که ارتش و سپاه و کمیته ها نتوانسته اند خلق قهرمان کرد را بزانودر آورند و به موفقیتهای چشمگیری برسند . به نظر شما این مبارزه در رابطه با انقلاب

ایران چگونه است و کلاً بگویید بدانیم که درباره خود مختاری و تامین حقوق خلقهای متعدده ایران چگونه میاندیشید و چه پیشنهادی دارید ؟

ج (۲۴) - مادر قسمتهای دیگر به مبارزه خلق کردا اشاره کردیم . پس از قیام بهمن ماه جمهوری اسلامی رسالت پیشبرد برنامهای امپریالیستی را بعهده گرفت برای این منظور اولین وظیفه، این رژیم ایجاد امنیت برای سرمایه ها و نیروهای امپریالیستی بود تا با خیال راحت به چپاول زحمتکشان جامعه پردازند .

مبایست ایران دوباره به همان " جزیره ثبات و آرامش " زمان شاه تبدیل میشد و آنچه مانع این شده بود گسترش روزافزونی مبارزات اقشار و طبقات مختلف جامعه بر علیه امپریالیسم بود . بهمین دلیل جمهوری اسلامی شروع به ترمیم ارگانهای سرکوب امپریالیستی و سازماندهی نیروهای جدیدی برای سرکوب کرد و در عین حال از همان ابتدا با تمام توان خود تلاش نمود تا این مبارزات را سرکوب سازد .

اما پس از حدود چهار سال موفق به انجام اینکار نشده است . در بررسی این وضعیت یکی از عوامل مهمی که جلب نظر میکند جریان مبارزه مسلحانه در کردستان است . ۲۸ مرداد ۵۸ و بورش سراسری رژیم به کردستان را تقریباً همه بیاد دارند ، که چه بوق و کرناهایی که عوامل رژیم ، برای تصرف کردستان به راه نینداختند ، بلافاصله چاق پیروزی در کردستان را بر سر توده های مردم در سایر مناطق وارد آوردند و خفقان را تشدید کردند که آری کردستان تا هم تمام شد دیگر اگر حرف بزنید پدرتان را در میآوریم .

چمران ها و خلخالی ها را بعنوان قهرمانان فاتح کردستان

بر سردست بلند کردند. اما پس از مدتی کوتاه خلق قهرمان کرد  
آنچنان پوزه، آنها را به خاک مالید که به یک باره رژیم محسور  
شداظها رتوبه کند و پهلوان پنبه‌های " فتح کردستان " را در  
پشت پرده مخفی سازد. خورشید بخت چمران و خلخالی به یکباره  
غروب کرد.

آری پس از آن بود که خفقان سراسری دوباره شکست  
ورژیم به یک عقب نشینی مقطعی مجبور شد دست بزند. با این  
اشاره می‌خواهیم به نقش مبارزه، قهرمانانه، خلق کرد در  
جنبش‌های سراسری مردم ایران اشاره‌ای کرده باشیم. این  
جنبش بسیاری از برنامه‌های امپریالیستی را عقیم گذاشت و  
ضریات مهلکی را بر پیکر ارتش و سپاه پاسداران وارد ساخت.  
این جنبش کانونی برای پرورش انقلابیون بوده و هست و این  
جنبش چهره، خلقی و غیر انسانی جمهوری اسلامی را آشکارا  
به نمایش گذارد، و انقلاب ایران هیچگاه نمیتواند نقش مبارز  
- ات خلق کرد را نادیده بگیرد و در عین حال این مبارزات  
( مبارزه خلق کرد ) نیز نمیتواند به پیروزی برسد مگر اینکه  
با مبارزات سایر خلقها پیوند برقرار کند.

ضعف این جنبش در خصوصیت رهبری و بی برنامه‌گی آن  
است و همین رهبری است که آنرا به یک موضع دفاعی کشانیده  
است. بنظر ما اگر یک تحول کیفی در رهبری مبارزه مسلحانه  
خلق کرد ایجاد نشود، شکست این مبارزه برای یک مدت، حتمی  
است اما در عین حال، اعتقاد داریم که جنبش خلق کرد هیچگاه  
نمی‌میرد و حتی در صورت شکست با زهم سر بر خواهد آورد زیرا  
توده‌های مصممی که ما دیده ایم و نسل پرشوری که چهار سال در  
جریان حادثترین مبارزه تربیت شده است هیچگاه سلاح بر زمین  
نخواهد گذاشت تا به پیروزی برسد.

اما در مورد قسمت آخر این سؤال ما از حق تعیین

سرنوشت برای خلقها دفاع میکنیم و اعتقاد داریم که خلقهای تحت ستم میتوانند با یخ خود در مورد سرنوشت خویش تصمیم بگیرند اما اعتقاد داریم که پیوند مبارزاتی خلقها در جهت استقرار جمهوری دمکراتیک خلق، تنها جهت گیری درست در این زمینه است.

س (۲۵) - نظر شما در باره دخالت مذهب در حکومت چیست؟  
و هما طوریکه میدانید سا زمان مجاهدین در مذهبی بودن دولت آینده اصرار دارد، در این باره چه فکر میکنید؟

ج (۲۵) - به اعتقاد ما مذهب یک امر خصوصی است و هیچگونه نقشی نمیتواند در حکومت آینده داشته باشد اما نیروهای طبقاتی غیرپرولتری با حفظ عقاید خود حتی اگر مذهبی باشند نمیتوانند در این حکومت سهم شوند به شرط آنکه دارای موضع ضدامبریالیستی باشند و هیچگونه مانعی از این نظر وجود نخواهد داشت بهر حال در حکومت آینده عقیده آزاد است، آنچه در حکومت آینده وجهت گیری آن نقش دارد موضع و جهت گیری ضدامبریالیستی است و نه چیز دیگر.

س (۲۶) - در اوایل روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی موارد متعددی دیده شد و هم اکنون نیز حسته کریخته ادا ما ه دارد که رژیم به مصادره اموال بعضی از سرمایه داران میپردازد شما این مسئله را در رابطه با ماهیت رژیم چگونه تحلیل میکنید؟

ج (۲۶) - در پاسخ به سؤال سوم این سؤال را پاسخ گفته ایم.

س (۲۷) - همان طور که میدانید رژیم جمهوری اسلامی مدتی مضحکه اشغال سفارت آمریکا را برآه انداخت، به نظر شما این عمل چه منافی برای رژیم در برداشت.



موضع شما در آن زمان در این مورد چه بود و اکنون آن را چگونه بررسی میکنید ؟

ج (۲۷) - به نظر ما " اشغال سفارت آمریکا " نمایشی نبود با همدستی خود امپریالیسم آمریکا و وابستگان داخلی اش که برای به انحراف کشانیدن مبارزات ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان جامعه و مخصوصا سایه انداختن بر روی مبارزات قهرمانانه خلق کرد و مخفی کردن رسوایی های رژیم در این مبارزه ، طرح ریزی شده بود و بعضی از سازمانهای سیاسی نیز در این رابطه خوش درخشیدند و چه خوب نقش دستیار در این انحراف ، برای رژیم بازی کردند که از آن جمله باید از باصطلاح " سازمان فدائیان " ( اکثریت و اقلیت قبل از انشعاب ) نام برد که انتظاری هم جز این از آنها نمیرفت و دیگر سازمان مجاهدین بود که موضع گیری از خود " اشغال سفارت " جالبتر بود حداقل آن باصطلاح فدائیان اینقدر شهامت داشتند که مسئولیت موضع گیری سازشکارانه خود را بپذیرند اما مجاهدین که پایکوبی کردند و میلایشیاگیل داشتند و پیام شادباش برای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام فرستادند و هزار کار دیگر کردند ، بعد که تمام شد بدون حداقل یک کلمه معذرت خواهی در روز روشن دروغ گفتند و شانها از زیر بار تمام کارهای خود خالی کردند و یک مقداری هم طلبکار شدند !

اما بهر حال برای اینکه منافعی را که رژیم از این جنجال بدست آورد به فهمیم ، باید این جریان را در متن شرایط مشخص آن ، مورد بررسی قرار دهیم و پروسه ای را که قبل از آن طی

شد تا بدینجا رسیدم مرور کنیم :

اگر یادتان باشد اولین روزی که جمهوری اسلامی بر سر کار آمد آقای بازرگان پشت تلویزیون آمد و اولین حرفش برای مردم این بود که : " خوب انقلاب پیروز شد و دیگر همه، کارگران باید به سرکار بروند و اعتصاب را تمام کنند و . . . . . " بعد از آن تا مدت‌ها موضع رژیم این بود که انقلاب پیروز شده و چون انقلاب پیروز شده است ، هیچ کس حق مبارزه ندارد زیرا دیگر دلیلی برای مبارزه نمی ماند .

اما مردم زیر بار نرفتند چون به خواستهای خود رسیده بودند و به مبارزه ادامه دادند بعد رژیم برای اینکه بگوید چگونه انقلاب پیروز شده است خمینی را پشت تلویزیون فرستاد و او هم با عصیانیت اعلام کرد که انقلاب برای شکم نبود ما برای خربزه و حقوق اقتصاد و این چیزها انقلاب نکرده ایم بلکه انقلاب برای رسیدن به اسلام بود ما رسیده ایم و بنا بر این هر گونه اعتصاب و تحصن و غیره بنبغض انقلاب است .

اما باز هم مبارزه ادامه پیدا کرد و گسترش بیشتری هم بخود گرفت و کسی به حرف " امام " هم توجه نکرد بعد از آن موعظه " صبر انقلابی " مشهور ، شروع شد که خلاصه رژیم حاضر شد قبول کند که انقلاب پیروز نشده است اما پیروزی انقلاب بوسیله " صبر انقلابی " متحقق میشود نه با مبارزه ، انقلابی ، که مردم به این حرفها خندیدند و براه خود ادامه دادند .

البته در کنار همه اینها سرکوب شدید هم جریان داشت ، این را نباید فراموش کرد . خلاصه رژیم به هر چیز متوسل شد تا مردم را متقاعد کند که : امیرالایم دیگر از جا معه ، مارفت و " خیلی زور زد تا بتواند جلوی مبارزه ، ضدامیرالایستی کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم جا معه را بگیرد و ولی موفق نشد . از همین جا بود که رژیم در برابر مبارزات توده‌ها

مجبور شد اعتراف کند که انقلاب پیروز نشده است و صراحتاً انقلابی هم دردی را دو نمیکنند. اما این اعتراف بمفهوم تائیدی — مبارزه مردم بود و این چیزی نبود که رژیم میخواست بهمین دلیل با اشغال سفارت تلاش نمود تا خود را پرچمدار مبارزه ضد امپریالیستی جا بزند و از تمام بلندگوهایش اعلام کرد که آنها که میخواهند مبارزه کنند باید پشت سر من باشند، شعارهای مرا بدهند و حق هیچ کار دیگری را ندارند و به این شکل تلاش نمود تا آنرا به انحراف بکشانند که همانطور که گفتیم کمک بعضی از سازمانها تا حد زیادی هم موفق شد.

ما از همان ابتدا در چندین اعلامیه تحت عنوان ((مرگ بر امپریالیسم آمریکا، مرگ بر فریب کاران)) و در جزوه‌های مختلف این موضع را اتخاذ کردیم که این حرکت، یک حرکت نمایشی برای به انحراف کشاندن مبارزات ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان جامعه ماست و آنرا محکوم نمودیم و هم اکنون نیز دقیقاً همین موضع را داریم و فکر میکنیم و افعیات تمام نظریات ما را در این مورد تائید کرده است.

س (۲۸) - مرحله و ماهیت انقلاب کنونی ایران را چه میدانید و مناسبات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی را پس از سقوط رژیم اسلامی چگونه پیش بینی میکنید ؟

ج (۲۸) - بنظر ما مرحله انقلاب جامعه ما، بورژوا دمکراتیک نوین است که یکی از خصوصیات اصلی آن، رهبری پرولتری آن است به همین دلیل ماهیت این انقلاب یک انقلاب پرولتری است و مقدمه‌ای برای گذار به مرحله سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا میباشد اما در رابطه با این سؤال که مناسبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را پس از سقوط رژیم

خمینی چگونه پیش بینی میکنیم باید بگوئیم این امر بستگی دارد به اینکه سقوط رژیم خمینی با یک کودتا یا بهر حال تعویض و تغییر مبره های امپریالیستی صورت گیرد یا با یک انقلاب .

در صورت اول مناسبات مذکور نمیتوانند چیزی جز ادامه همین مناسبات موجود باشد و هیچگونه تغییر اساسی مثبتی در آن ایجاد نخواهد شد اما در صورت دوم مناسبات مزبور مناسباتی نوین و دمکراتیک با یک محتوای ضد امپریالیستی جهت گیری سوسیالیستی خواهد بود که با اقتصاد نوین و اساسا خودکفا و با سیاست و فرهنگ نوین و شکل حکومتی جمهوری دمکراتیک خلق مشخص میشود .

س (۲۹) - بنظر شما سیاست خارجه ، دولت انقلابی آینده ایران بر چه مبنایی باید استوار باشد " سیاست عدم تعهد " ، " تکیه بر اردوگاه سوسیالیزم " ، " دوستی با کشورهای سرمایه داری " ؟

ج (۲۹) - سیاست خارجی دولت انقلابی آینده ایران بنظر ما باید بر مبنی عدم تعهد بمفهوم دقیق کلمه نه بمفهوم محطح آن استوار باشد ، انقلاب آینده ایران باید بدون قید و شرط جهت گیری ضد امپریالیستی و سوسیالیستی خود را حفظ کند و در این رابطه هیچگونه تعهدی که این جهت گیری را مخدوش یا منحرف سازد قابل قبول نیست زیرا در غیر این صورت بشکست خواهد انجامید .

س (۳۰) - آیا بنظر شما " اردوگاه سوسیالیسم " بمفهوم واقعی خود ، اکنون در جهان وجود دارد ؟ اگر دارد نام ببرید .

ج (۳۰) - همانطور که میدانید سوسیالیسم مرحله گذار از سرمایه داری به کمونیسم است یعنی در این مرحله

نیز مابین نیروهای مدافع کمونیسم و نیروهای مدافع سرمایه‌داری در تمام حوزه‌ها ادامه دارد و اگر نیروهای کمونیستی در این مبارزه دچار انحراف شوند یا خود را بدرستی برای چنین مبارزه‌ای سازماندهی نکنند و غیره، امکان شکست آنها در این مبارزه وجود خواهد داشت.

متأسفانه انقلابات سوسیالیستی در جهان عمدتاً سه چنین سرنوشتی دچار شدند و در نتیجه منظر ما اردوگاه سوسیالیسم بمفهوم‌ی که معمولاً بکار برده می‌شود، در جهان وجود ندارد ما این بدان مفهوم نیست که انترناسیونالیسم پرولتری بطور کلی در جهان دچار شکست شده است بلکه وجود جنبش‌های پراکنده پرولتری و جنبش‌های رها شیخ‌ش ملی، موجودیت بالقوه این انترناسیونالیسم را در سطح جهان نشان می‌دهد و اگر گسترش و سهم پیوستگی اصولی این جنبش‌ها این انترناسیونالیسم بدون شک متحقق خواهد شد اگرچه نمیتوان امکان انحرافات و دیگر اکهای احتمالی را در آنها در مد نفی نمود.

درآمد این کتاب مستقیماً به جنبش  
خلق کردتعلق می‌گیرد

www.iran-archive.com

حساب بانکی

SOCIETE GENERALE  
058122939  
R.C.S PARIS  
ATEFEH GORGIN

آدرس پستی

POSTLAGERKARTE  
NR. 057285 C  
66 SAARBRUCKEN



قیمت ۶ مارک یا ۲۰ فرانک فرانس